

عنوان : دائرة المعارف صالحين - جلد ۸ - ارکان صالحين

نویسندگان: موسسه فرهنگی - تربیتی اسوه صدیقین (فصل اول) - محمد جواد

امامپور، مرتضی آخوندی، سید جواد طباطبائی نژاد (فصل چهارم)

فرآوری و آماده سازی : معاونت پژوهش بنیاد آیت

سال نشر : ۱۳۹۸

تعداد چاپ : محدود

صاحب امتیاز : معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج مستضعفین



دائرة المعارف صالحين - ج ٨

اركان صالحين

۶.....	پیشگفتار.....
۱۰.....	فصل اول
۱۰.....	سرگروه
۱۲.....	بخش اول: تعریف سرگروه.....
۱۲.....	بخش دوم: ویژگی‌های سرگروه.....
۵۶.....	بخش سوم: وظایف و انتظارات از سرگروه.....
۶۴.....	فصل دوم
۶۴.....	مربی
۶۶.....	بخش اول: تعریف مربی.....
۶۶.....	بخش دوم: ویژگی‌های مربی.....
۶۷.....	بخش سوم: وظایف و انتظارات از مربی.....

۷۴.....	فصل سوم
۷۴.....	سرمربی
۷۶.....	بخش اول: تعریف سرمربی
۷۶.....	بخش دوم: ویژگی‌های سرمربی
۷۷.....	بخش سوم: وظایف و انتظارات از سرمربی
۷۸.....	فصل چهارم
۷۸.....	استادیار
۸۰.....	بخش اول: تعریف استادیار
۸۰.....	بخش دوم: ویژگی‌های استادیار
۱۲۵.....	بخش سوم: وظایف و انتظارات از استادیار



بی‌شک مسأله تربیت و پرورش انسان، محوری‌ترین هدف انبیاء و اولیاء الهی بوده است. انقلاب اسلامی ایران نیز که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام به ثمر نشست از این قاعده مستثنی نیست. با این وجود تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران دچار مسائلی بوده است:

۱. فقدان نظام تربیتی مبتنی بر اندیشه‌های ناب اسلامی در عرصه تربیتی کشور و ضعف نظامات تولید شده

۲. حضور چشم‌گیر اندیشه‌ها و سازوکارهای غیردینی در نظام تربیتی کشور

۳. آشفتگی نظری و عملی در برنامه‌های خرد و کلان متولیان امر تربیت

۴. ناکارآمدی سازوکارهای تربیتی موجود در تحقق اهداف تربیتی اسلام

۵. عدم تحقق بخش قابل توجهی از اهداف انقلاب اسلامی در پرورش انسان‌های مورد نظر خویش

۶. تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب برای تحول در برنامه‌های تربیتی و فرهنگی کشور

بی‌شک یکی از مأموریت‌های ذاتی سازمان بسیج مستضعفین مسأله تعلیم و تربیت آحاد مردم در راستای تحقق بسیج میلیونی است که همواره مورد توجه و عنایت حضرت امام خمینی (ره) و تأکیدات مقام معظم رهبری «مدظله» بوده و می‌باشد. «امروز من عرض میکنم هویت سپاه که هویت پاسداری است، به معنای یک مفهوم محافظه‌کارانه تلقی نشود. پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن. این حفظ کردن را میتوان با یک تفسیر محافظه‌کارانه معنا کرد. یعنی بگوئیم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم؛ من این را نمیگویم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چرا؟ چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدف‌های ترسیم شده. هدف‌ها عوض نمیشوند. این اصول و ارزشهائی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزشهائی هستند که در اهداف، مشخص شده‌اند.

هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است با همه‌ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. این‌ها اهداف هستند. این اهداف عوض‌شدنی نیستند؛ یعنی ما نمیتوانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم. بگوئیم خیلی خوب، یک روز میخواستیم عدالت برقرار کنیم، حالا میگوئیم عدالت که نمیشود، یک نیمه‌عدالتی برقرار کنیم! نه، عدالت. این، هدف است. توحید، استقرار شریعت اسلامی به طور کامل، این‌ها اهداف است، این‌ها تغییرپذیر نیست. لیکن در جهت حرکت به سمت این اهداف، سرعتها قابل کم و زیاد شدن است، شیوه‌ها قابل تغییر یافتن است، تدابیر ممکن است جورواجور باشد. در این جهت، انقلاب پیشرونده و پیش‌برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیشروندگی و پیش‌برندگی. پاسداری از انقلاب، به این معناست. اگر ما اینجور نگاه کردیم و مفهوم پاسداری را اینجور فهمیدیم، آن وقت آن طراوت و شور و هیجانی که در حرکت پاسداری هست، مضاعف خواهد شد. «۱ ایشان در بیانات مختلف خود مراحل مختلف نیل به تمدن‌سازی اسلامی را تبیین نموده‌اند که به طور خلاصه در بخش‌های انقلاب، نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی تقسیم‌بندی می‌شود اما در این بخش با بیانی دیگر به وضعیت و هدف فعلی ما پرداخته و به ضرورت پرداختن به جامعه‌سازی و انسان‌سازی اشاره می‌نمایند.

حال برگرفته از بیانات معظم له مشخص شد که سازمان بسیج مستضعفین به عنوان یک نهاد انقلابی در گام اول وظیفه تحقق جامعه اسلامی را برعهده دارد از آن جایی که رسالت خطیر تعلیم و تربیت نیروهای جوان، مؤمن، با نشاط، با انگیزه، مخلص، آرمان‌گرا، ایثارگر،

۱. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

بصیر، منطقی، توانمند و آماده بسیجی در راستای ایجاد آمادگی همه جانبه و پاسخگویی به تهدیدهای احتمالی و همچنین تحقق اهداف راهبردی دفاع موزائیکی، ایجاد قابلیت پاسخگویی سریع و قاطع به تهاجم احتمالی دشمن در لایه های دفاعی در سطوح سخت، نیمه سخت و نرم به عهده معاونت‌های ذی ربط در سازمان بسیج گذاشته شده است. در این راستا پویایی، نشاط و نوشوندگی در برنامه‌ریزی و اجرا می‌تواند حرکت گذشته را تعالی بخشد و امیدها را زنده نگه دارد.

بدیهی است که چنین عملیات کلانی نیازمند یک نظام منسجم و دقیق ناظر به فرآیندهای خرد و کلان تربیتی در بسیج است. این در حالی است که نظام تعلیم و تربیت بسیج با مسائل زیر مواجه بوده است:

- ضعف یک نظام فکری منسجم و یکپارچه در سیاست‌گذاری، طرح‌ریزی و برنامه‌های حوزه تعلیم و تربیت بسیج
 - عدم رعایت برخی اقتضائات بسیج و انقلاب اسلامی
 - ضعف در سیر موضوعات دارای ترتیب و توالی
 - نسخه واحد برای رشد و ارتقاء کل بسیج بدون در نظر گرفتن اقتضائات سنی و قشری
 - برنامه‌ریزی بدون پشتوانه نیازسنجی و نظرسنجی
 - عدم توجه به ظروف مرتبط مانند مدرسه، خانواده، مسجد و محله
 - عدم توجه به ابعاد انسان شناختی و ساحت‌های بسیج طراز انقلاب اسلامی
- لذا با توجه به ملاحظات فوق‌الذکر از سال ۱۳۸۷ سازمان بسیج اقدام به طراحی نظام تعلیم و تربیت بسیجیان مبتنی بر نیاز روز گردید و با عنوان «طرح صالحین» به پایگاه‌های مقاومت بسیج ابلاغ نمود. این طرح ظرف مدت چندسال توانست گفتمان تربیت محوری در بسیج را غالب نموده و ظرفیت عظیم نخبگان، علما و فعالین فرهنگی و تربیتی را متوجه خود سازد.

مجموعه پیش رو با عنوان «دائرة المعارف صالحین» که به همت معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج مستضعفین گردآوری و تنظیم گردیده است، جمع بندی نظام مند محصولات تولید شده برای این طرح از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. هدف از این کتاب ارائه تصویر مشترک و مناسب از این طرح برای نخبگان، صاحب نظران و فعالین تربیتی در کشور می‌باشد. همچنین درج تجارب طرح‌ریزی، تولید نظامات، تدوین محتوا، آسیب‌شناسی و دستاوردهای این طرح ملی از دیگر اهداف این نوشتار است.

در جلد هشتم این مجموعه ضمن آشنایی با ارکان تربیتی در طرح صالحین، با ویژگی‌های این ارکان و همچنین وظایف و نقش‌های آنها در راهبری در طرح آشنا خواهید شد. ویژگی‌ها و وظایف ارکان صالحین می‌تواند برای کلیه مجموعه‌ها و نهادهای فرهنگی و تربیتی قابل بهره‌برداری و استفاده باشد.

در پایان ضروری است تا از تلاش‌های برادر گرامی حجت الاسلام و المسلمین سعید دسمی، معاون سابق تعلیم و تربیت بسیج و همچنین برادر سید اسماعیل موسوی برای راهبری این طرح و تولید بخش اعظمی از این متون تشکر نماییم. همچنین از حمایت‌های حجت الاسلام پورآرین جانشین محترم تعلیم و تربیت بسیج برای تنظیم و تدوین این مجلدات و سایر مدیران آن معاونت کمال قدردانی را داشته باشیم. یقیناً ارائه نظرات شما فرهیختگان و فعالین تربیتی می‌تواند ما را در تکمیل این کتب یاری نماید لذا مستدعی است دیدگاه‌های خود را به مدیریت پژوهش و تدوین متون معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج مستضعفین ارسال نمایید.



فصل اول:
سرگروه





بخش اول: تعريف سرگروه

تعريف سرگروه صالحين

فردی است آگاه، دلسوز و آشنا به روش‌های تربیتی و مهارت‌های فعالیتی مرتبط با یکی از عرصه‌های نقش‌آفرینی بسیج که توانایی اداره گروه را دارا باشد.

بخش دوم: ویژگی‌های سرگروه

یکی از موضوعاتی که سرگروه برای انجام اموری چون هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و... نیازمند است تعقل و تفکر می‌باشد؛ که در آیات قرآن و روایات معصومین^(ع) بر آن تأکید شده است. آنچه از نظر تربیتی مهم است، همان تحریک و فعال سازی نیروی خرد آدمی در زمینه‌های نظری و عملی است؛ که بر این اساس باید عقل‌ورزی و فرزاندگی، بر فرد مسلمان و همه شئون جامعه اسلامی سایه افکند تا بتوان نتیجه‌ای مناسب کسب نمود و در مسیر رشد و شکوفایی گام برداشت.

تعقل و تفکر

با توجه به این موضوع، در جریان تربیت باید از یک جهت در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، ارزیابی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات تربیتی به دست‌آوردهای معتبر دانش بشری و نتایج پژوهش‌های معتبر و استفاده از خرد جمعی مانند مشورت (به شرط سازگاری با مبانی دین اسلام) توجه نمود و از سوی دیگر در جریان تربیت به عنوان یک عمل متفکرانه، باید سرگروه‌ها و متریبیان را تا حد امکان نسبت به خردورزی و نقادی مداوم عمل خود و دیگران تشویق نمود.

تعريف تفکر

«تفکرو استدلال را عبارت از، مربوط کردن چند امر معلوم، برای کشفیک امر مجهول»^۱ دانسته‌اند.

موضوع تفکر

«موضوع تعقل همان تفکر است و عقلانیت را می‌توان همان تفکر دانست، که با شناخت و آگاهی تفاوت دارد. چرا که شناخت فرآیندی است که انسان غالباً در آن منفعل است و ذهن همانند صندوقی اطلاعات زیادی را در خود ذخیره می‌سازد، اما تفکر و عقلانیت به معنای تحلیل اندوخته‌ها به منظور گزینش از میان آن‌هاست.»^۲

تفکر را می‌توان همانند قطرات باران تشبیه کرد که اگر در نقطه ای گرد آید، دریاچه ای را تشکیل می‌دهند و اگر پراکنده شوند، در دل زمین فرو می‌رود؛ فعالیت‌های فکری و بدنی ما نیز

۱ مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی جلد اول منطق - فلسفه، چاپ هشتم: پائیز ۱۳۴۹ ناشر انتشارات صدرا ص ۱۰۸

۲ مهدوی آزادینی رمضان مجموعه مقالات همایش تربیت دینی ص ۱۱۹۳ ۱۳۸۸ انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)

چنین است، اگر در مسیر صحیح بکارگیری شود می‌تواند تأثیرات شگرفی از خود برجای گذارده و انسان را از پرتگاه سقوط و هلاکت نجات دهد.

اهمیت تفکر

در اهمیت تفکر می‌توان گفت: یکی از موهبت‌های خداوندی عقل است، که در منابع دینی به عنوان پیامبر درونی نام برده شده است. امام موسی بن جعفر^(ع) پیرامون عقل خطاب به هشام بن حکم از متکلمان معروف می‌فرماید: «خداوند به واسطه عقل بر بندگان خود اتمام حجت کرده است.»^۱ از این رو به کار نبردن عقل، نوعی جرم محسوب می‌شود.

حضرت امام خمینی^(ع) در بیان اهمیت تفکر می‌فرماید: «اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی تفکر است.»^۲

نوع اندیشیدن هنر است و اندیشمند کسی است که می‌داند چگونه تفکر نماید. وقتی اندیشه خوبی در ذهن جاری می‌شود بر سرنوشت زندگی ما تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که می‌تواند از جهنم، «بهشت» و از بهشت، «جهنم» بیافریند. زمانی که حضرت ابراهیم^(ع) جوانی کامل بود، جامعه ایی که در آن زندگی می‌کرد بت پرست بودند؛ او در گام نخست، تلاش نمود قوم خویش را به تحقیق و تفکر وا دارد؛ چرا که تفاوت میان انسان و حیوان در دو چیز است: (۱) قدرت اندیشیدن (۲) کسب معنویت

ما برای رسیدن به هر امری معنوی یا مادی به تفکر نیازمندیم، در عرفان، عقاید، تهذیب، مقام و ... امام حسن مجتبی^(ع) می‌فرماید: «شما را به پرهیزگاری و ترس از خدا و ادامه تفکر و اندیشه سفارش می‌کنم، زیرا که تفکر و اندیشه، پدر و مادر تمام خیرها است.»^۳

فکر را می‌توان چنین تعبیر نمود: «یکی از شگفت‌انگیزترین اعمال ذهنی بشر»^۴ و «تفکر نوعی سرمایه‌گذاری اندیشه است، برای تحصیل سود و اضافه کردن بر سرمایه اصلی»

عوامل تفکر

از جمله عواملی که موجب پرورش و به کمال رسیدن عقل می‌شود بنا به فرموده امام حسین^(ع) پیروی از حق است. ایشان می‌فرمایند: «عقل به کمال نمی‌رسد مگر با پیروی از حق»^۵ قدر و منزلت تعقل به اندازه‌ای است که گفته‌اند: «هر چیزی را گوهری است و گوهر

۱ کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی جلد ۱ موضوع عقل و جهل ترجمه و شرح مصطفوی، سید جواد چاپخانه پیام

۲ شرح اربعین حدیث امام خمینی^(ع) حدیث اول

۳ مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی جلد اول منطق - فلسفه، چاپ هشتم: پائیز ۱۳۶۹ ناشر انتشارات صدرا ص ۱۰۵

۴ همان ص ۱۰۸

۵ علامه مجلسی، بحارالانوار ج ۷۸

انسان، خرد و گوهر خرد، بردباری است.^۱ عقل را برتر از دانش دانسته‌اند، زیرا، عقل شامل دانش و شیوه به کارگیری صحیح آن است.

ما برای اندیشیدن نیاز به مصالح داریم تا ساختمان فکر را بنا کنیم، آن لوازم باید شرایط خوبی داشته باشند مانند یک ساختمان محکم و ضد زلزله که اگر لوازم خوبی به کار گرفته شده باشد در برابر هر تهاجمی مقاوم است؛ ولی اگر از مصالح بدون کیفیت یا کم کیفیت استفاده شود با نسیمی فرو می‌ریزد، بدون مصالح هم که نمی‌شود ساختمانی بنا کرد، که در آن صورت آسیب پذیرترین افراد خواهیم بود.

پس مصالح ساختمان فکر و اندیشه، کتاب مناسب اسلامی است؛ از جمله کتب مناسب به تعبیر حضرت امام (ع) و مقام معظم رهبری می‌توان به کتب شهید مطهری اشاره نمود. مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بیانات خود می‌فرماید: «جوانان عزیز ما باید با آثار شهید مطهری آشنا شوند...»^۲ ایشان در بخش دیگری سخنان خود می‌فرمایند: «مبنا را تفکرات شهید مطهری قرار دهید و کارهای بعدی را روی آن بنا کنید.»

عقل و شناخت باید با یکدیگر هماهنگی داشته باشند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مانند کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد، یا ماده خامش کم است، قهراً قادر به کار کردن نیست، یا محصولش کم خواهد بود. تولید محصول بستگی به وجود ماده خام است؛ اگر کارخانه، ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند فلج است و محصولی نخواهد داشت.»^۳

فواید تفکر

تفکر دارای فواید و ثمرات بسیاری است. اساس حیات انسانی تفکر است؛ زیرا انسانیت و ادراک انسان از عالم و پروردگار عالمیان و اتصالی که با حق برقرار می‌کند، وابسته به نحوه تفکر اوست. استعدادهای انسانی با تفکر، از قوه به فعل در می‌آیند و زمینه حرکت تکاملی او فراهم می‌گردد؛ تحقیق و تفکر موجب جهش و حرکت میشود.

به تعبیر حضرت امام (ع): «تفکر ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم است و مقدمه لازمه ختمیه سلوک انسانیت است.»^۴

تمایز انسان با سایر موجودات عالم هستی در برخورداری از تفکر است و تفکر خوب به نتیجه‌گیری خوب منجر می‌شود، سپس به فعل و حرکت خوب و در پایان به رشد، پیشرفت و جهش، منتهی می‌گردد.

۱ مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای ۱۳۸۳/۴/۱۵

۲ همان

۳ مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهاردهم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۷ ص ۴۵

۴ شرح اربعین حدیث امام خمینی (ع) حدیث ۱۲

در قرآن و احادیث «عقل» بر درک صحیح و فهم حقیقت دلالت می‌کند. «عقل» قدرت محرکی است که انسان را به جانب کمال اخلاقی تشویق می‌کند، و از کردارهای زشتی که به انحطاط اخلاقی منجر شود، باز می‌دارد «عقل» یک قدرت آگاه است که نمی‌توان آن را در علم که ضرورتاً غیر اخلاقی است پیدا کرد. از این رو انسانی مانند پیامبر (ص) که نظم اجتماعی خود را بر اساس توحید بنا می‌کند و بدین ترتیب یک نظم اجتماعی خود را بر اساس توحید بنا می‌کند و بدین ترتیب یک نظام توحیدی ایجاد می‌نماید، این عقل است که او را به مصلح اخلاقی بزرگ جهان تبدیل می‌کند. و دقیقاً همین تحول اخلاقی و معنوی ایجاد شده توسط او در جامعه است که از وی یک معلم و اصلاح طلب بزرگ می‌سازد.

کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آن‌ها کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده، و آن‌ها خردمندان‌اند!

این دو آیه که به صورت یک شعار اسلامی درآمد آزاد اندیشی مسلمانان و انتخاب‌گری آن‌ها را در مسائل مختلف به خوبی نشان می‌دهد. «نخست می‌گوید: «بندگان مرابشارت ده» و بعد این بندگان ویژه را به این صورت معرفی می‌کند که «آن‌ها به سخنان این و آن بدون در نظر گرفتن گوینده و خصوصیات دیگر گوش فرا می‌دهند و با نیروی عقل و خرد بهترین آن‌ها را بر می‌گزینند» قرآن در آیه فوق صاحبان «هدایت الهی» را منحصر در این قوم شمرده همانگونه که خردمندان را منحصر به این گروه دانسته است.» «آن‌ها نه تنها طالب



انسان، ذاتاً خود را دوست دارد؛ به همین دلیل در شرایط عادی، قادر به دیدن ضعف‌ها، ناتوانایی‌ها، عیب‌ها و نقص‌های خود نیست. خودشناسی، راه را برای قضاوت صحیح درباره رفتار و اعمال خود هموار می‌کند و همچنین زمینه را برای تهذیب و پالایش نفس فراهم می‌سازد.

حقدن و تشنه گفتار نیک، بلکه در میان «خوب» و «خوبتر» و «نیکو» و «نیکوتر» دو می‌را بر می‌گزیند و آن‌ها خواهان بهترین و برترین‌اند. قرآن در آیه فوق صاحبان «هدایت الهی را منحصر در این قوم شمرده، همانگونه که خردمندان را منحصر به این گروه دانسته است.^۱ عقل و خرد محبوبترین مخلوقی است که نخست از ذات باری، شرف صدور یافته و خداوند آن را کامل نمی‌فرماید مگر در کسانی که آنان را دوست دارد، آنان که در پرتو عقل و اندیشه به شایستگی قبول بار امانت و مسئولیت در پیشگاه الهی مفتخرند و تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از این نعمت الهی رفاه و سعادت را برای همه جامعه انسانی فراهم نمایند و حق و حقیقت را در جامه بگسترانند.»^۲

انسان، با خودشناسی و تفکر درباره خویش می‌تواند، خود را ارزیابی کند و رفتارهای منفی را از خود دور کند، تا در صدد تقویت جنبه‌های مثبت خویش و انجام کارهای خوب برآید. با تفکر در خود و رفتار خویش، می‌توان فعالیت‌های روزمره زندگی را شکل و جهت صحیح داد و زمینه را برای بهره‌برداری از استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود فراهم کرد.

با خودشناسی و تفکر در مورد هیجان‌ها و خواسته‌هایمان، با عواطف و غرایز خویش آشنا می‌شویم و درمی‌یابیم که چگونه باید آن‌ها را تحت نظارت و کنترل خود بگیریم؛ همچنین متوجه می‌شویم که چگونه از سرمایه‌های وجودی و فرصت‌هایی که در مراحل مختلف زندگی به دست می‌آید، حداکثر استفاده را بنماییم و در موقعیت‌های حساس، مهارت‌های لازم را با به‌کارگیری از معیارهای دینی در بروز رفتارهای مناسب رعایت نماییم و از هرگونه رفتارهای ناهنجار پرهیز نموده و بر غرایز که حاکمیت نیرومندی بر انسان دارند، فایق آییم.

انسان با خودشناسی و تفکر درباره خود، می‌تواند از چنگال صفات و خصلت‌های پلیدی چون: غرور، خود خواهی، حرص و آز، کینه، دروغ، حسد، بخل و هرگونه عادت بد و ناپسند رهایی یابد و با به‌کارگیری قدرت عقل، ایمان، اندیشه و تفکر، در سیر به سوی کمال و سعادت، که همواره مردان بزرگ، پیشگام آن بوده‌اند، دست یابد.

زیرا همه تلاش‌ها و فعالیت‌های روزانه انسان برای تأمین خواسته‌ها و نیازمندی‌های خویش است، بنابراین، شناخت خویش و شناخت منشأ رفتار و اعمال خود بر همه مسائل مقدم است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»^۳ کسی که خود را شناخت، پروردگار خویش را نیز خواهد شناخت.»

۱ تفسیر نمونه جلد ۱۹ ص ۴۱۲

۲ گرد آوری حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۳۸۷

۳ سفینه البحار ماده نفس. در تصنیف غرر الحکم ص ۲۳۲، این حدیث از علی (علیه السلام) بدین گونه نقل شده «من عرف نفسه عرف ربه».

تزکیه

دومین ویژگی که یک سرگروه باید به آن بپردازد و آن را مهم قلمداد کند، تزکیه (خودسازی پیش از دگرسازی) نفس است. از آنجا که هدف غایی تربیت بنا به فرموده حضرت امام خمینی^(ع) لقاء الله است؛ لذا یک سرگروه تربیتی قبل از

پرداختن به دگر سازی، به منظور قرب الهی باید تزکیه نفس نموده و خود را پاک نماید. حضرت امام^(ع) با توصیه به خودسازی در کنار فراگیری علم و با اشاره به مهم بودن تزکیه می‌فرماید: «هر قدمی که برای تحصیل علم برمی دارید، قدمی هم برای کوبیدن خواسته‌های نفسانی، تقویت صفات روحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات بردارید. تحصیل این علوم در واقع مقدمه تهذیب نفس و تحصیل فضایل، آداب و معارف الهیه می‌باشد، تا پایان عمر در مقدمه نمانید که نتیجه را رها سازید.»^۱

تقوا و تزکیه نفس، نردبان عروج به مدارج عالی و کمالات انسانی است؛ و بدون آن، ابواب معارف آسمانی و گنجینه‌های عقل و فطرت بر انسان گشوده نخواهد شد و به مدارج عالی نمی‌توان رسید. حضرت علی^(ع) فرمودند: «طَهَّرُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ دَسَائِسِ الشَّهَوَاتِ تُذَرِّكُوا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ»^۲ نفس خویش را از آلودگی شهوات بزداييد تا به درجات بلند نایل آييد.

تعریف تزکیه

در قرآن کریم، از تربیت دینی و پرورش روح و روان انسان تعبیر به تزکیه شده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^۳ چنان‌که از میان شما پیامبری برانگیختیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزه کند و به شما تعلیم شریعت و حکمت دهد و هرچه رانمی‌دانید به شما یاد دهد. پس می‌توان تزکیه را، «تطهیر نفس از آلودگی و ناپاکی‌ها و حرکت در صراط مستقیم الهی به منظور قرب الی الله دانست.»

موضوع تزکیه

موضوع تزکیه، خودسازی انسان و مقید بودن به موازین شرع مقدس اسلام پیش از آغاز و اهتمام به تربیت دیگران است. در مسیر تربیت انسان‌ها به کسانی می‌توان اعتماد نمود و آن‌ها را جلودار و مربی قرار داد که تحت تربیت الهی به مدارج عالی انسانیت رسیده باشند؛ تنهاچنین افرادی می‌توانند کاروان انسانیت را به مقصد نهایی برسانند.

۱ امام خمینی^(ع) جهاد اکبر، ص ۳۰

۲ تصنیف غرر، ص ۲۳۹

۳ سوره مبارکه بقره آیه ۱۵۱

اهمیت تزکیه

حضرت امام خمینی^(ع) با توجه و با اشاره به آیه «و يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...»^۱ بیانی دارد، که خلاصه آن چنین است: «تا تزکیه نباشد تعلیم کتاب و حکمت میسر نیست، باید نفوس از همه آلودگی‌ها پاک و تزکیه باشد، که بزرگ‌ترین آلودگی‌ها عبارت است از؛ آلودگی نفس انسان و هواهای نفسانیه. تا انسان از حجاب بسیار ظلمانی خود خارج نشود، برای منعکس شدن نور الهی در قلبش لیاقت پیدا نمی‌کند...»^۲

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا»^۳ رستگار شد آن کس که نفس را تزکیه کرد و زیان کار شد آن کس که آن را به تباهی کشید.»

حضرت امام^(ع) با اشاره به نقش تعالیم دین در انسان سازی و به فعلیت رساندن استعداد های بی کران او می‌فرماید: «قرآن کریم که در رأس همه مکاتب و تمام کتب است، حتی سایر کتب الهیه، آمده است که انسان بسازد، انسان بالقوه را انسان بالفعل و موجود بالفعل کند.»^۴ اصالت تزکیه و نقش محوری آن را در تعلیم و تربیت اسلامی، از آیه «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»^۵ استنباط می‌شود. گرچه در برخی آیات، تعلیم مقدم بر تزکیه آمده است، اما سخن از تقدم لفظی نیست. بلکه هدف از محور بودن آن است؛ که تزکیه و تهذیب از یک سو، هدف تعلیم و تربیت اسلامی است و از سوی دیگر اساس دیگر کمالات و کسب معارف الهی می‌باشد.

توضیح آن که:

اولاً: تعلیم و تربیت، در اسلام به منظور انسان سازی است و این جز با تزکیه نفس میسر نیست.

ثانیاً: بدون تزکیه، هر نوع تعلیم و تربیتی ناقص و گاه زیانبار است. اگر علم و دانش رازهای جهان را به روی بشر می‌گشاید و انسان را بر طبیعت مسلط می‌کند، تهذیب و تزکیه نفس، انسان را با هویت خویش آشنا ساخته و بر خویش تسلط می‌بخشد و در استفاده صحیح از مواهب طبیعی و ره آورد دانش یاری می‌رساند.

ثالثاً: دست یابی به حقیقت علم، معرفت، حکمت که هدف نهایی آفرینش انسان است؛ جز با تزکیه و تهذیب نفس فراهم نمی‌گردد.

از این رو تزکیه و تهذیب، به تعبیر دیگر «تقوا» در مکتب تربیتی اسلام به عنوان کلید هدایت،

۱ سوره جمعه، آیه ۲

۲ پیام ها و سخنرانی های امام خمینی (رحمه الله) در سال ۱۳۶۰، صص ۱۶۷ ۱۶۶

۳ سوره الشمس، آیات ۱۰ ۹

۴ صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۳۴

۵ سوره مبارکه جمعه آیه ۲

طریق رستگاری و محور ارزش‌ها و ارتقای انسانی، مورد توجه قرآن کریم و مربیان بزرگ آیین الهی اسلام قرار گرفته است. در قرآن کریم آمده: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لِزَيْبٍ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۱ قرآن میفرماید: «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم، لا یضُرُّکم من ضلَّ اِذَا اهْتَدَيْتُمْ اِلَى اللّٰهِ زَجَعَكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما باد (حفظ) خودتان، آن که گمراه شد، زبانی به شما نمی‌رساند، هرگاه که شما هدایت یافته باشید، بازگشت شما همه به سوی خداست، پس او شما را به آنچه می‌کردید، آگاه می‌سازد.»
این آیه ما را متوجه نکاتی می‌نماید:

۱. از خارج کسی به شما آسیب نمی‌زند، اگر شکست بخورید از خودتان است.^۳
۲. در قیامت هر کس مسئول کار خویش است.^۴
۳. گناه و انحراف جامعه مجوز گناه کردن افراد نیست.
۴. اول خودسازی سپس جامعه سازی «علیکم انفسکم».^۵
۵. در دنیای تاریک، شما به تنهایی چراغ روشن باشید.
۶. در راه حق از تنهایی نترسید «علیکم انفسکم لا یضُرکم».^۶
۷. اگر حریف دیگران نشوید، حریف نفس خود باشید «لا یضُرکم».
۸. روحیه خود را بخاطر انحراف دیگران از دست ندهید «لا یضُرکم».
۹. راه اسلام چنان منطقی و استوار است؛ که شبهه و انحراف دیگران به آن خلل وارد نمی‌کند «لا یضُرکم».
۱۰. چنان باید تربیت شوید که فساد محیط و جامعه بر شما تاثیر نگذارد «لا یضُرکم».^۷
۱۱. راه مصونیت شما، هدایت پذیری است «اِذَا اهْتَدَيْتُمْ».^۸
۱۲. انحراف دیگران اثری در وضع شما نمی‌گذارد.^۹

۱ سوره مبارکه بقره آیه ۲

۲ سوره مبارکه مائده آیه ۱۰۵

۳ سوره مائده آیه ۱۰۵ تفسیر المیزان

۴ سوره مائده آیه ۱۰۵ تفسیر نمونه

۵ سوره مائده آیه ۱۰۵ تفسیر المیزان

۶ سوره مائده آیه ۱۰۵ تفسیر المیزان

۷ سوره مائده آیه ۱۰۵ تفسیر المیزان

۸ سوره مائده آیه ۱۰۵ تفسیر نمونه

۹ سوره مائده آیه ۱۰۵ تفسیر نمونه

عوامل تزکیه

در امر تربیت مربیان الهی و علمای ربانی از جمله عوامل مهم و تأثیر گذار در تربیت و تزکیه انسان‌ها هستند، که افراد باید خود را با استفاده از رهنمودها و راهنمایی‌های آنان تزکیه نمایند.

از دیگر عوامل تزکیه، اجتناب از معاصی و اصلاح نفس می‌باشد. حضرت امام خمینی^(ع) با تمثیلی در این خصوص می‌فرماید: «مَثَلُ كَسِيٍّ كَمَا أَنَّ كَسِيًّا لَا يَنْبَغُ أَنْ يَكُونَ مَثَلًا لِمَنْ يَتَّبَعُهُ، مَثَلُ كَسِيٍّ كَمَا أَنَّ كَسِيًّا لَا يَنْبَغُ أَنْ يَكُونَ مَثَلًا لِمَنْ يَتَّبَعُهُ»^(۱) نمیدهد.

سومین مورد مؤثر در تزکیه را می‌توان، عبادت دانست: بدین ترتیب اخلاق و عبادت مکمل یکدیگرند و هر یک در دیگری مؤثر و از دیگری متأثر است و این همگونی است که از دین مجموعه‌ای به هم پیوسته می‌سازد؛ که هر یک از اجزای آن در تکامل انسان نقش‌آفرین است.



«واعظ متعظ» اشاره است به امام معصوم^(ع) و جانشینان آن حضرت که خودشان به بند و اندرزهایی که به مردم می‌دهند عمل نموده‌اند. واعظ و مربي باید با عمل خود دیگران را تربیت و هدایت نماید. گفتار بدون عمل نه تنها موجب هدایت نمی‌شود، بلکه گاهی ممکن است؛ موجب سلب اعتماد و گمراهی گردد.

قرآن کریم می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ ثَلَاثُونَ أَلَمْ تَعْقِلُوا؟»^(۲) چگونه شما که مردم را به نیکی دستور می‌دهید، خود را فراموش می‌کنید، در صورتی که کتاب خدا را می‌خوانید، چرا در آن اندیشه نمی‌کنید؟»

۱ امام خمینی^(ع) شرح چهل حدیث، ص ۲۰۰

۲ سوره مبارکه بقره آیه ۴۴

پیامبر اکرم^(ص) می‌فرمایند: «شب معراج مردمی را دیدم که لب‌هایشان با قیچی‌های آتشین چیده و به دور انداخته می‌شد، از جبرئیل پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ گفت: خطیبان امت تو هستند که مردم را به نیکی دعوت می‌نمایند، در حالی که خود را فراموش نموده‌اند و به گفته خود عمل نمی‌کنند و ایشان قرآن را تلاوت می‌کنند، آیا در آن تعقل نمی‌کنند؟»^۱

فواید تزکیه

جامعه‌ای که به سخن مربی الهی خویش گوش فرا ندهد و تسلیم اوامر او نباشد، گرفتار ارباب سوء می‌گردد. همانگونه که ذکر شد، قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ، لَا يَصُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ رَجَعَكُمْ جَمِيعاً فُيَنبِتْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۲ از جمله مواردی که از آیه فوق استنباط می‌شود موارد زیر است:

- ۱) چراغ روشن بودن در دنیای تاریک.
- ۲) فقط در پی کشف و افشای عیوب دیگران نبودن «علیکم انفسکم»
- ۳) نترسیدن در راه حق از تنهایی «علیکم انفسکم لا یضرکم»
- ۴) حریف نفس خود شدن «لا یضرکم»
- ۵) عدم از دست دادن روحیه خود به خاطر انحراف دیگران «لا یضرکم»
- ۶) غرق نشدن خود در راه نجات دیگران «علیکم انفسکم»
- ۷) آسیب نخوردن از خارج
- ۸) شکست نخوردن از درون
- ۹) در قیامت هر کس مسئول کار خویش است
- ۱۰) عدم تأثیر پذیری از محیط
- ۱۱) هدایت پذیری
- ۱۲) عدم ایجاد خلل توسط شبهه در اعتقادات

۱ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۰
۲ سوره مائده آیه ۱۰۵

انگيزه

سومين ويژگي سرگروه را مي‌توان، داشتن انگيزه و ايجاد انگيزه برشمرد. «اصولاً مساله ايجاد انگيزه در اداره گروه از سنگين ترين و ظريف ترين وظيف و اصول سرگروه است. چرا که برنامه ريزي‌ها، تصميم گيري‌ها، سازماندهي‌ها و هماهنگ ساختن نيروها، بدون ايجاد انگيزه امکان پذير نبوه و يا بسيار مشكل است. اين بخش در واقع « نيروي محرک و موتور دستگاه مديريت را تشكيل مي‌دهد و پيروي مديران در اهداف خود، تا حدود زيادي به موفقيت آن‌ها در ايجاد انگيزه بستگي دارد.»^۱ يك مجموعه را نمي‌توان فقط با يكي از دو نوع انگيزه مادي يا معنوي اداره كرد. اگر روش‌ها فقط مادي باشد در افراد پس از مدتي انحراف پيدا مي‌شود. اگر روش‌ها فقط معنوي باشد پس از مدتي مشكلات ديگري بروز مي‌كند زيرا انسان داراي نيازهاي مادي است و بدون برآورده شدن آن‌ها صدمه مي‌بيند و آسيب جسمي موجب ناراحتي‌هاي روحي مي‌شود.^۲ سرگروه علاوه بر اينكه بايد داراي انگيزه‌هاي قوي به منظور خدمت باشد و انگيزه خود را دائماً با بهره‌گيري از معنويات، تقويت كند لازم است به ايجاد و تقويت انگيزه اعضا نيز مبادرت ورزد.

در باب شناخت انگيزه مي‌توان گفت: همه فطرتي دروني داريم؛ فطرت دروني هر فرد تا حدي ويژه خود اوست و تا حدي ويژه نوع بشر، اين فطرت دروني را مي‌توان به طور علمي مطالعه، و ماهيت آن را كشف كرد. فطرت دروني ذاتاً بد نيست؛ و انگيزه‌ها بر اساس نيازها و كشش‌هاي دروني و فطري انسان‌ها و ارتباط با واقعيات بيروني بروز و ظهور مي‌يابد. يك مربي براي موفقيت خود و افراد زير نظرش بايد انگيزه داشته و در بين نيروهاي خود ايجاد انگيزه نموده و از بي تفاوتی خود و آنان جلوگیری کند. تا آن‌ها صادقانه و دلسوزانه عمل کنند.

بي تفاوتی را مي‌توان يك بحران خاموش، سقوط آرام يا تخریب مستمر و بدون صدا ناميد. بي تفاوتی يك عامل تخریبی مؤثر و قوی است؛ که يك مربي تربيتی بايد با انگيزه بخشیدن به خود و اعضا، از به وجود آمدن آن جلوگیری کند.

تعريف انگيزه

«انگيزه را ميتوان؛ يك محرک دروني که انسان را به انجام کار بر مي‌انگيزاند ناميد.» انگيزه گونه‌اي واكنش زنجيره‌اي است که با احساس نياز آغاز و به خواسته‌ها و يا هدفهائي مي‌رسد که به نوبه خود موجب تنش در افراد مي‌شود (ميل‌هاي ارضاء نشده) و سپس به

۱ گرد آوري حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مديريت و علوم سياسي ناشر موسسه بنياد پژوهش‌هاي تخصصی قرآن و علوم روز ص ۲۴۵
۲ همان ص ۳۶۵ و ۳۶۶

اقدام در جهت رسیدن به اهداف و در نهایت به ارضای خواسته‌ها می‌انجامد^۱.

نیازها < خواسته‌ها < تنش‌ها < اقدام منتهی به رضامندی و دستیابی به اهداف

موضوع انگیزه

« انگیزه‌های انسان، آگاهانه یا ناخودآگاه بر پایه نیازهای او استوار است. برخی از این نیازها مانند نیازهای جسمانی به آب، هوا، غذا، خواب و مسکن نیازهای اولیه هستند. برخی نیازهای دیگر نیازهای معنوی، نیاز به ارزش منزلت، خداجویی، جایگاه و پایگاه دوستی و احساس دلبستگی با دیگران، وابستگی احساسی و عاطفی، بخشش، کامیابی در کار و اثبات خود و نیازهای ثانوی تلقی می‌شوند؛ و همان گونه که متصور است، نیروی این نیازها با گذشت زمان، در افراد مختلف متفاوت است.»^۲

اهمیت انگیزه

از وظایف سنگین هر سرگروه تربیتی، ایجاد و تقویت انگیزه خود و دیگران است؛ ایجاد یک حرکت نیرومند درونی براساس بسیج تمام نیروهای نهفته در روح و جان انسان‌ها و خوشبختانه در یک تشکیلات اسلامی که فرهنگ «ایمان به الله» بر آن حاکمیت دارد و افراد مؤمن و ایثارگر و فداکار، تار و پود آن را تشکیل می‌دهند، ایجاد و تقویت انگیزه، نه تنها کار مشکلی نیست، بلکه منابع عظیمی برای بهره‌گیری در این زمینه وجود دارد.

توضیح این که: هیچ انسانی، بدون انگیزه به سراغ کاری نمی‌رود، و این که برخلاف انگیزه‌های غریزی حاکم بر حیوانات، حتماً باید از طریق درک، فهم و شعور روی او تأثیر بگذارد. انگیزه را می‌توان به بنزین موتور تشبیه کرد، با این تفاوت که تأثیر آن اجباری است، ولی انگیزه افعال آدمی با توجه به اصل اختیار و آزادی اراده انسان، اختیاری است.

چگونگی «انگیزه‌ها»، رابطه نزدیکی با فرهنگ حاکم بر یک جامعه دارد؛ هر قدر فرهنگ، غنی و پرمایه تر باشد، انگیزه‌ها نیرومندتر است.

عوامل انگیزه

« انگیزه به آن دسته از عواملی گفته می‌شود که بر رفتار فرد تأثیرگذارده و موجب می‌شوند یک فرد به انجام کاری بپردازد. همانند پاداش‌ها»^۳ «آنچه یک سرگروه باید انجام دهد، این است که؛ آن دسته از عواملی را به کار گیرد، که افراد را به گونه‌ای اثر بخش به تلاش در جهت کار و

۱ آموزش مدیریت دولتی ترجمه محمدعلی طوسی - سید امین ا... علوی - علی اکبر فرهنگی - اکبر مهدویان - ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی چاپ دوم، ۱۳۷۲ ص ۲۲۴

۲ همان ص ۲۲۳

۳ همان ص ۲۲۶

رسیدن به هدف راهنمایی کند.^۱ و سرگروه بایستی مراقب این عامل‌ها و کاربرد آن‌ها باشند. یک سرگروه می‌تواند با فراهم آوردن محیط مساعد، انگیزه‌های فرد را شدت بیشتری ببخشد. «نیاز به خود جویی و خدانشناسی بالاترین نیاز انسان است، نیاز بهتر شدن، که جوششی است برای رسیدن به بالاترین اندازه و توان بالقوه فرد برای رسیدن به لقاء الله.»^۲

انواع عوامل انگیزشی:

عوامل انگیزشی را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

۱) انگیزه‌های پنداری:

در بخش اول، یک مشت خیالات، پندارها، خرافات و الفاظ بی محتوا ممکن است؛ عامل حرکت یک جامعه شود که مصداق کامل آن را در یک جامعه بت پرستی می‌توان مشاهده کرد.

پندار مقدس بودن بت‌ها، خرافه مشکل گشائی و شفاعت آن‌ها، پندار فهم و شعور برای آن‌ها و بالاخره خرافه تقرب به خدا بوسیله بت‌ها، ایجاد حرکتی در جامعه بت پرستان می‌کند، اما هنگامی که کارشان به بن بست می‌کشد و بتان را حتی قادر به دفاع از خودشان نمی‌بینند، تا چه رسد به عبادانشان! به مصداق: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ قَالُوا إِنَّا لَنَكُفِّرُكُمْ بِالطَّالِمُونَ»؛ وجدان خفته آن‌ها بیدار شده به این پندارهای پوچ و مسخره، می‌خندند و خویشتن را به خاطر این پرستش غلط و مضحک، محکوم می‌کنند و ظالم و ستمگر می‌شمرند.

به این ترتیب بُرد انگیزه‌های پنداری محدود و موقت و فاقد هرگونه عمق و ریشه است؛ چرا که این انگیزه‌ها از جهل و تعصب مردم مایه می‌گیرد و به محض پیدایش مختصری علم و آگاهی از اثر می‌افتد.

۲) انگیزه‌های مادی:

از آنجا که «انگیزه‌های مادی»؛ از یک واقعیت عینی مایه می‌گیرد اثری بیشتر و گسترده تر دارد، اما با این حال هرگز عمیق نیست. مثلاً، کمتر کسی حاضر می‌شود به خاطر مزایا، حقوق و تشویق مادی که مهم‌ترین اثرش نیز همان امتیازات مادی است، جان خود را به خطر بیندازد، و اگر در جنگی درگیر شود تلاش می‌کند تا به هر وسیله، خود را از مهلکه برهاند.

نتیجه این که، آمادگی برای ایثار و فداکاری که هر «مدیر» در برابر حوادث مهم نیازمند به آن است با انگیزه‌های مادی، قابل توجیه نیست؛ بنابراین در مراحل بحرانی و حساس، روش این مدیریت‌ها کُند و بی اثر می‌شود و به اصطلاح کُمیت‌شان لنگ می‌شود.

۱ همان ص ۲۲۶

۲ همان ص ۲۳۲-۲۳۳

۳) انگیزه معنوی:

«انگیزه معنوی» که از روح ایمان به الله و ارزشهای والای الهی و انسانی سرچشمه می‌گیرد، و پشتوانه‌ای هم چون معاد و زندگی جاویدان پس از مرگ در آغوش رحمت الهی، و بهشت جاویدان و «لقاء الله» دارد، که قویترین و عمیق‌ترین انگیزه هاست و تأثیرش فوق‌العاده نیرومند است. در اینجا مسأله معامله با خدا و دادن جان و مال در برابر جلب رضای او مطرح است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد. «و یا چنان که در سوره «صَفَّ» آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُجِيبُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، يُعْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهائی می‌بخشد؟! به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید، این برای شما (از هر چیز) بهتر است، اگر بدانید! (اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکن‌های پاکیزه در بهشت جاویدان جای می‌دهد؛ و این پیروزی عظیم است، و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می‌بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ)!

برای ایجاد و تقویت انگیزه، باید از فرهنگ غنی و پرمایه اسلام کمک گرفت، و از راه‌های مختلف، آن را بارور و پرتمر ساخت، به عنوان نمونه، می‌توان به راه‌های زیر اشاره نمود:

۳.۱) بهره‌گیری هر چه بیشتر، از آیات قرآن مجید، با تحلیل و تفسیر روشن برای ارتقای سطح فرهنگ و اخلاق.

۳.۲) بهره‌گیری از متون اصلی سخنان پیشوایان بزرگ اسلام، مخصوصاً سخنان پیامبر(ص) و خطبه‌های نهج البلاغه و دعاهای صحیفه سجّادیه که برای هر یک از رشته‌های مدیریت فرازهای زنده‌ای را می‌توان یافت و از آن‌ها الهام گرفت.

۳.۳) تجزیه و تحلیل حکومت پیامبر(ص) و حوادث تاریخی، غزوات ایشان همچنین حکومت و جنگ‌های علی(ع) و یارانش، و ریشه‌یابی حادثه خونین کربلا و ظرافتهایی که از صحنه‌های مشابه آن‌ها دائماً در زندگی ما به چشم می‌خورد، به طور کلی، بهره‌گیری از سنت رسول خدا(ص) و

۱ سوره توبه، آیه ۱۱۱

۲ سوره صف، آیات ۱۰ تا ۱۳

سیره ائمه طاهرين(ع) و بزرگان تاريخ اسلام و حوادث مهم زندگي آنان. (۳.۴) استفاده از دعاها و مناجات پر محتوای ائمه که فوق‌العاده پرمایه، غنی و الهام بخش است و جمله به جمله آن، حرکت آفرین می‌باشد؛ دعاهائی همچون: کمیل، ندبه و دعای عرفه و مانند آن که روح و جان افراد را چنان نور و صفا می‌بخشد، که آمادگی هرگونه فداکاری به آن‌ها می‌دهد؛ البته باید به دقت مراقب بود که به صورت افراطی و خسته کننده و ملال‌آور نباشد.

۳.۵) آموزش های مکتبی و اسلامی در مقاطع مختلف برای تحکیم پایه های ایمان و اعتقاد به «الله» و معاد و زندگي پس از مرگ.

۳.۶) نشر انتشارات جالب و پرمایه و غیرتکراری عمومی یا مخصوص همان تشکیلات، برای تداوم بخشیدن به جوشش انگیزه‌ها؛ و تأسیس کتابخانه، هر چند کوچک اما پرمایه، در محدوده مدیریت برای سرعت بخشیدن به آگاهی‌های فزاینده.

۳.۷) تجلیل و بزرگداشت خدمت‌گزاران گذشته و حال و تجلیل از شهدا و خانواده های آن‌ها و قدردانی از زحمات افراد زحمت کش، و دریدن «حجاب معاصرت» در این رابطه، و امور ابتکاری دیگری که در ایجاد و تقویت انگیزه‌ها مؤثر است.



موارد مطروحه، کلیاتی در خصوص روش‌های انگیزه سازی است. اما علاوه بر این، هر مدیر باید از طرق ابتکاری با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و شرایط خاص زمانی، مکانی و فرهنگ فکری افرادی که تحت مدیریت او هستند، به بسیج نیروهای معنوی آن‌ها از طریق ایجاد انگیزه های نیرومند پردازد و رمز موفقیت او غالباً در این ابتکارات نهفته است.

بهره‌گیری از انگیزه‌های معنوی به مفهوم نادیده گرفتن انگیزه‌های معقول مادی نیست؛ بلکه، انسان از جسم و جان، ماده و معنی، ترکیب شده است؛ هر چند رکن اصلی وجود او، روح و جان است؛ ولی تقاضای مادی جسم را نیز نباید نادیده گرفت. در بحث تشویق‌ها و توبیخ‌ها نیز مسائل مهم دیگری در این زمینه خواهیم داشت.

در اینجا به برخی دیگر از مسائل برجسته انگیزشی می‌پردازیم:

۳.۸ حقیقت جویی: گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به جمال و زیبایی، گرایش به خلاقیت و ابداع، عشق و پرستش^۱

۳.۹ گرایش به کمال

۳.۱۰ تمایل به پاداش (مادی- معنوی)

۳.۱۱ امید به آینده: از جمله مواردی که می‌تواند انگیزه مدیر را بالا ببرد، داشتن امید به آینده است؛ که در طول زمان می‌توان به نتایج مطلوبی دست یافت.

۳.۱۲ استفاده از هیجان

(الف) منفی: شامل (ترس، اضطراب، بدبینی، افسردگی، احساس گناه، و شرمساری)

(ب) مثبت: شامل (شادی، امید، خوش‌بینی، وابستگی، و تعلق پذیری)

۳.۱۳ مشارکت دادن افراد: با مشورت کردن با افراد در زمینه کارهایی که وابسته به خود آنهاست و یا به حساب آوردن آنها در گردش کارها انگیزش لازم در آنان پدید می‌آید.

۳.۱۴ مسئولیت دهی

۳.۱۵ رفتار خوب صمیمی و مهربانانه با نیروها^۲: مربی باید با زیر دستان خود به خوبی رفتار کند و همان گونه که حریم‌ها را حفظ می‌نماید، با آنان برخوردی دوستانه داشته باشد. افراد همیشه خواهان مدیریتی هستند، که آنها را با درایت و درست درک کند. برای ایجاد چنین حسی کارهای ساده‌ای می‌توانید انجام دهید. مثلاً افراد را با اسم کوچک صدا کنید. درباره خانواده آنها صحبت کنید؛ حتی می‌توانید درباره رضایت آنها از وضعیت زندگی و رفاه آنان بپرسید به گونه‌ای که احساس تعلق را در بین اعضاء افزایش دهید.

۳.۱۶ القاء روحیه مثبت: یک مربی باید بتواند روحیه مثبت را به اعضاء القاء نماید و با دو موقعیت برخورد کند. این دو موقعیت عبارتند از: «برد» و «باخت». در همه شرایط، حتی زمانی که همه چیز علیه شماست؛ مانند یک برنده فکر کنید. لازم است؛ خود را به همه تجهیزاتی که یک برنده نیاز دارد، مجهز کنید. همیشه به یاد داشته باشید که برد و

۱ مطهری، مرتضی، فطرت ص ۷۴- ۸۶

۲ آموزش مدیریت دولتی ترجمه محمد علی طوسی- سید امین ا... علوی- علی اکبر فرهنگی- اکبر مهدویان- ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی چاپ دوم، ۱۳۷۲ ص ۲۴۹

باخت، درون یک سیکل قرار دارند. اگر مدت زیادی است که شکست خورده‌اید، اکنون وقت بردن شماس است. چرا که می‌توان گفت: «شکست مقدمه پیروزی است»

گفته اند: اسکندر مقدونی در اولین جنگ خود شکست را تجربه کرد و نا امید به دل غاری رفت، در آنجا مورچه‌ای را دید که یک بار سنگین و بزرگ را پس از پنجاه بار شکست، توانست بالا ببرد. اسکندر از مورچه‌ای رمز پیروزی را آموخت.

۳.۱۷) تفاوت‌ها را دریابید: افراد در یک مجموعه با یکدیگر تفاوت‌های مختلفی دارند؛ رفتار شما ممکن است برای فردی ایجاد انگیزه کند و برای فرد دیگر دل‌سرد کننده باشد. باید طبیعت افراد را دریابید تا در ایجاد انگیزه، در تک تک آن‌ها موفق باشید.

۳.۱۸) اهداف و پروژه‌های واقع‌گرایانه را تعریف کنید: اهداف و پروژه‌های متوسطی ایجاد کنید؛ اگر پروژه‌ای که برای افراد تعریف می‌کنید سخت و دشوار یا بسیار عظیم باشد از همان ابتدا در آن‌ها احساس غیرقابل اجرا بودن را ایجاد می‌کنید. هدف شما باید به گونه‌ای به اهداف کوچک‌تر تقسیم شود که از نظر افراد انجام شدنی باشد. بعد از دستیابی به هدف، اکنون هدف بزرگتر را تعریف کنید.

۳.۱۹) جلوگیری از بی‌انگیزه‌گی: یکی از اهداف مربیان ایجاد انگیزه برای اعضاء است؛ مدیر گاهی مجبور میشود افرادی را جریمه کند، این عمل ممکن است باعث رنجش فرد شده و در کارآیی وی تأثیر منفی بگذارد، بنابراین باید بسیار دقت نمود که جریمه به عنوان یک تکنیک کنترلی استفاده شود و سبب ایجاد بی‌انگیزه‌گی در اعضاء نگردد.

۳.۲۰) تغییرات کوچک در کار: برای اینکه، افراد را در انجام امور محوله، مؤثرتر به کار گیرید؛ روال یکنواخت کار را بشکنید. می‌توان ک می‌به وظایف فرد اضافه نمود یا تغییرات کوچکی در سیستم کاری او ایجاد کرد. حتی پیشنهادهای بسیار کوچک می‌تواند ارزشمند واقع شود.

۳.۲۱) پاداش غیر مالی: پاداش‌های پولی همیشه کارساز واقع می‌شوند ولی پاداش‌های غیر مادی هم به همان اندازه کارساز هستند. یک تشکر کوچک، یک تقدیرنامه، یا چند کلمه ستایش از افراد میتواند بسیار مفید باشد.

۳.۲۲) گذشت: از اشتباهات و خطاهای کوچک افراد، بخصوص وقتی اظهار ندامت می‌کنند، بگذرید تا فضای بیشتری برای همدلی و همراهی به وجود آوريد.

فواید انگیزه

وجود انگیزه در افراد دارای فواید بسیاری در انجام کارها و امور می‌باشد، که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم:

- ۱) عامل حرکت
- ۲) موجب تقویت حرکت
- ۳) موجب تلاش مجدانه
- ۴) موجب خدمت صادقانه و دلسوزانه
- ۵) پیشگیری از بی‌انگیزگی و سقوط آرام و تخریب مستمر
- ۶) تقویت مدیریت‌ها در مراحل بحرانی و حساس
- ۷) رضامندی
- ۸) همراهی و همدلی
- ۹) رمز موفقیت
- ۱۰) دستیابی به اهداف

اعتدال

چهارمین ویژگی مورد لزوم یک سرگروه تربیتی اعتدال در انجام امور، برای دستیابی به موفقیت است. هرگونه حرکت و فعل تربیتی، باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. اگر اعتدال را پیشه خودسازیم زمینه رشد، پیشرفت و راه رسیدن به مطلوب را کوتاه و موفقیت آمیز کرده‌ایم.

تعریف اعتدال

اعتدال، به معنی «میانه روی»، (پرهیز از زیاده روی (افراط) و کم روی (تفریط)) در انجام امور است»

موضوع اعتدال

آیین تربیتی دین اسلام، افراد را به اعتدال در هر امری فرا می‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است، که افرادی متعادل تربیت شوند. در قرآن کریم آیات متعددی در مورد، اعتدال وارد شده است و جهت‌گیری آن بر این است، تا انسانی تربیت کند که در امور فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و... متعادل باشد؛ راه و رسمی متعادل داشته باشد. چنانکه از زبان «لقمان حکیم» به فرزندش در قرآن آمده است: «وَ اقْصِدْ فِی مَشِیْکَ» در رفتارت میانه رو باش.»

۱ سوره مبارکه لقمان آیه ۱۹

اهمیت اعتدال

به بیان امیرمؤمنان علی^(ع) انسان جاهل، همیشه در افراط و تفریط به سر می‌برد، چنانکه فرموده اند: «لا تَزِي الجاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا؛ جاهل را نمی‌بینی، مگر اینکه یا افراط می‌کند یا تفریط.»

روش تربیت درست که آدمی را به صراط مستقیم، سعادت می‌رساند؛ روشی معتدل است، چنانکه مربیان الهی، متربیان خود را در همه وجود بدان دعوت می‌کردند. انسان عاقل را انسانی متعادل دانسته اند، که به هیچ وجه از مرزهای اعتدال خارج نمی‌شود و گام در مسیر افراط و تفریط نمی‌گذارد.

عوامل اعتدال

راه اعتدال را باید در همه وجوه، فردی و اجتماعی سامان داد، تا به توان افراد را به سوی اخلاق و رفتاری نیک و درست راهنمایی کرد.

علی^(ع) می‌فرماید: «علیک بالقصدفانه اعون شیء علی حسن العیش؛^۱ بر تو باد به میانه روی (در امور) زیرا میانه روی، یاری کننده ترین چیز برای خوب زندگی کردن است.» ایشان اساس اخلاق را اعتدال در خویها و صفات می‌دانند و برای نجات و رستگاری انسان و رساندن او به سعادت، راه اعتدال را توصیه می‌کنند.^۳

ملا مهدی نراقی^(ه) در این باره می‌نویسد: «بر هر خردمندی واجب است؛ که در اکتساب فضایل اخلاقی، حد وسط و اعتدال در خویها و صفات است و از جانب شریعت (مقدس اسلام) به ما رسیده است، کوشا باشد و از رذایل که افراط و تفریط است، اجتناب کند؛ و اگر در این راه کوتاهی و تقصیر کند، هلاکت و شقاوت ابدی گریبان گیرش می‌گردد.»^۴

فواید اعتدال

راه و رسم اعتدال کوتاهترین و استوارترین راه تربیت است. انحراف به راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم و میانه جاده وسیع حق است. سلامت فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل است.

۱ نهج البلاغه، حکمت ۷۰

۲ غرر الحکم، ج ۲، صص ۲۲ و ۲۳

۳ ابوعلی احمد بن محمد مسکویه الرازی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قدم له حسن تمیم، دار مکتبه الحیاة للطباعة و النشر، بیروت، صص ۴۵ و ۴۶؛ الشیخ الرئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله (ابن سینا)، الشفاء، راجع هو قدم له ابراهیم مدکور، تحقیق جماعة منال علماء، القاهرة، ۱۳۸۰ ق. افسست مکتبه المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۵ ق. الالهیات، ص ۴۵۵؛ نصیر الدین محمد بن محمد بن حسن طوسی، اخلاق ناصری، به تصحیح و تنقیح مج

۴ محمد مهدی بنابی ذر نراقی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، چاپ اول، انتشارات حکمت، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، صص ۴۱ و ۴۲

پیشوای موحدان علی (ع) فرموده اند: «من اراد السلامة فعلیه بالقصد؛ هر که خواهان سلامت است، باید میانه روی پیشه کند. آفرینش انسان به گونه ای است؛ که هرگونه بیرون شدن از مرزهای اعتدال به او آسیب می‌رساند و از نظر تربیتی دچار توقف یا گسستگی می‌سازد. به بیان امیرمؤمنین(ع): «فکل تقصیر به مضر و کل افراط له مفسده؛ هر کمبود آن رازیان است و هر زیادی آن را تباهی است.»

پنجمین ویژگی یک سرگروه انجام مشورت در کارها می‌باشد. در فرهنگ اسلام مشاوره و رایزنی برای جلوگیری از استبداد، خود محوری، دست یافتن به افکار و اندیشه‌های بهتر و بالاتر و بکارگیری عملی آنهاست.

مشورت

تعریف مشورت

مشورت به معنی «هم فکری و سهیم شدن در تجارب و عقول دیگران است.»

موضوع مشورت

« یکی از راه‌های رشد شخصیت در انسان، اعتناء به افکار و اندیشه‌های اوست و این از ویژگی‌های جامعه آزاد اسلامی است که هر کس بتواند دریافت‌های فکری و توانایی‌های روحی خویش را تا جایی که به حقوق فردی و اجتماعی دیگران صدمه‌ای نزند بیان نماید و خواست طبیعی کلیه افراد جامعه، مدیران و مسئولان این است که با توجه به فطرت و خصائص فطری، و آگاهی از استعدادها، بهای لازم را در حد معقول به آنان بدهند تا زمینه را برای رشد و تعالی شخصیت آدمی فراهم سازند.»^۳

موضوع مشورت، تقابل دو اندیشه است؛ همان گونه که از اصطحکاک دو سیم، مثبت و منفی برق می‌جهد؛ تقابل و مشاوره دو اندیشه نیز فروغ می‌بخشد. مشورت گاهی راه پیش روی انسان را روشن می‌کند و افق وسیعی را منور می‌سازد. البته معنای مشورت این نیست که انسان خود را در اختیار دیگران بگذارد؛ بلکه مقصود این است که در مشکلات از دیگران چاره جوئی کند، و راهنمایی‌های آنان را پس از تدبر و دقت کافی به کار گیرد.

اهمیت مشورت

قرآن کریم در خصوص مشورت می‌فرماید: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ و با آنان در کارها مشورت نما.» و یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ؛ و در امور مهم با یکدیگر مشورت کنید»

۱ شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۶۶

۲ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۸

۳ حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۳۹۷

۴ سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۵۹

۵ سوره مبارکه شوری آیه ۳۸



مشورت خواهی و به کارگیری عملی مشورت، از دو جهت ضروری به نظر می‌رسد:
الف) گسترده‌گی و انشعاب روز افزون مسائل سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، هنری، اقتصادی، صنعتی و... در ابعاد مختلف زندگی و به ویژه پیچیدگی، تجربی و تخصصی بودن بسیاری از مسائل، فهم و درک اصولی مسائل را مشکل و مشکل‌تر می‌سازد و راهی جز مشاوره با متخصصان باقی نمی‌گذارد.

ب) هر فردی از افراد انسان، هر قدر از لحاظ جسمی نیرومندتر و اندیشه‌ای قوی‌تر و هوشی سرشارتر از دیگران داشته باشد، بالاخره یک انسان است و بیش از یک اندیشه نمی‌تواند داشته باشد؛ در حالیکه اگر با دیگران مشورت نماید و از اندیشه‌های آنان نیز بهره‌مند گردد، در جمع بندی و نتیجه گیری از مسائل، راهی اصولی‌تر و نتیجه‌ای مطلوب‌تر بدست خواهد آورد.

البته باید توجه داشت که «در اسلام، شورا و مشاوره وقتی موضوعیت پیدا می‌کند و می‌تواند مورد استفاده و عمل واقع شود که حکم و قانون نباشد. وقتی که حکم خدا و قوانین و مقررات اسلام وجود دارد و یا جایی که فرمان صریح پیامبر اکرم (ص) و مقام ولایت فقیه وجود دارد نمی‌توان به موضوع شور و مشاوره رجوع نمود و لازم است احکام، قوانین و دستورات بدون هیچگونه تردید و تأملی به اجرا گذاشته شود.»^۱

قرآن کریم در آیه ۳۶ سوره احزاب می‌فرماید: «ذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا؛ هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و رسولش مطلبی را لازم بدانند اختیاری از خود در برابر فرمان خدا داشته باشد

۱ حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۳۷۰

و آنکه از فرمان خدا و رسولش سرپیچی نماید همانا گمراه است گمراهی آشکار.^۱ امیر المومنین علی^(ع) در پاسخ به طلحه و زبیر که اعتراض کرده بودند که چرا با آن‌ها مشورت نکرده است، می‌فرماید: «اگر حک می‌بود که در کتاب خدا بیانی درباره آن نبود و در سنت پیامبر راهی برای آن وجود نداشت با شما مشورت می‌کردم.»^۲

شرایط مشاوره

الف) شرایط ثبوتی مشاوران: امام صادق^(ع) می‌فرماید: «شاور فی امورک مما یقتضی الدین. من فیه خصال: عقل وحلم و تجربه و نصیح و تقوی؛^۳ در آنچه آیینت اقتضاء می‌کند، با کسانی که دارای ۵ خصلت باشند مشورت کن: آنان که دارای عقل، بردباری، تجربه، نصیح و تقوی هستند.»

ب) شرایط سلبی مشاوران: امام صادق^(ع) می‌فرماید: «و لا تشر علی مستبد برایه و لاغد و لاعلی متلون و لاعلی لجوج؛^۴ با مستبد، سست خرد و کسی که رنگ عوض می‌کند (منافق است) و با اشخاص لجوج مشورت نکنید.» همچنین در روایتی دیگر امام علی^(ع) می‌فرماید: «بخیل را در مشورت خود راه مده! زیرا تو را از احسان باز می‌دارد و از فقر می‌ترساند؛ و با فرد بزدل و ترسو مشورت مکن! چون در کارها روحیه‌ات را تضعیف می‌نماید. با آدم حریص مشاوره نکن، که طمع را با ستمگری در نظرت زینت می‌دهد؛ همانا بخل، ترس و طمع نهادهایی هستند؛ گوناگون که سرچشمه همه آن‌ها سوء ظن به خدای بزرگ است.»^۵

فواید مشورت

امام علی^(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «مشورت عین هدایت است، و کسی که خود را بی نیاز از نظرات دیگران بداند مطمئناً به خطر خواهد افتاد.» ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: «مَنْ اشْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِی عُقُولِهَا؛^۶ کسی که مستبد به رأی باشد، هلاک شود و آن کس که به مشورت پردازد، در عقل مردان مشارکت کند.»
استبداد رأی و تحمیل عقیده، انسان را به هلاکت می‌رساند، ولی مشورت با مردم، شریک بودن در عقول و بهره گرفتن از افکار آن‌هاست.

۱ سوره مبارکه احزاب آیه ۳۶

۲ روحانی، سید صادق، ص ۱۰۹ و ۱۱۰ نظام حکومت در اسلام.

۳ بحار الانوار ج ۷۵ ص ۱۰۳

۴ الحیاه ج ۱ ص ۱۹۶

۵ نهج البلاغه نامه ۵۳ (نامه امام علی^(ع) به مالک اشتر هنامی که او را به امارت مصر گماشت)

۶ نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱، ص ۳۹۱

شرح صدر داشتن و بردبار بودن

ششمین ویژگی یک سرگروه برای انجام امور جذب و تربیت، شرح صدر داشتن و بردباری است. «در بسیاری از روایات «علم» و «حلم» در کنار هم به عنوان دو عامل موفقیت و پیروزی بیان شده است؛ و «حلم» چیزی جز ظرفیت و سعه صدر» نیست.^۱

تعریف سعه صدر

«سعه صدر، به معنی (گشادگی سینه) داشتن و بالا بردن آستانه تحمل و ظرفیت و قدرت روحی در مقابل ناملايمات، سختی‌ها و مشکلات است»

موضوع سعه صدر

موضوع سعه صدر، داشتن و افزایش آستانه تحمل و بردباری در مدیریت است، از آنجا که «مدیریت» کار پیچیده‌ای است، و می‌دانیم هر قدر کاری پیچیده‌تر باشد، مشکلات آن افزون‌تر، و آفاتش بیشتر است؛ به همین دلیل، مدیران تربیتی، باید دارای اعصابی قوی، حوصله‌ای زیاد، و ظرفیت کافی در رویارویی با مشکلات باشند. و رویارویی با مشکلات و افزایش ظرفیت تحمل را مد نظر قرار دهند.

اهمیت سعه صدر

اهمیت این صفت ویژه را، مانند هر صفت دیگر از نقطه مقابل آن می‌توان شناخت؛ نقطه مقابل سعه صدر و حلم همان «تنگ نظری»، «دستپاچگی»، «سختگیری» و «کینه توزی» است، که اثرات فوق العاده منفی آن‌ها در امر مدیریت برای احدی پوشیده نیست.

ظرفیت و سعه صدر پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به راستی برای همه دست اندرکاران مدیریت یک سرمشق بزرگ است. هنگامی که پیامبر (ص) در جنگ اُحُد سخت مجروح شده و از پیشانی و دندان مبارکش خون می‌ریزد، مالکیت اعصاب خود را از دست نداده و برای امت نادان دعای هدایت می‌کند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ این سعه صدر، به راستی عجیب است!

جانشین والا مقام او، امیر مؤمنان علی (ع) نیز هنگامی که شریعه فرات^۲ را در میدان «صفین» از چنگال متجاوزان (بنی امیه) درآورد، دستور داد آب را برای همه آزاد بگذارند؛ و هرگز راضی نشد پیشنهاد بعضی از حاضران را دائر به بستن آب بر روی لشکر معاویه، همان کاری که آن‌ها در حال سلطه بر شریعه فرات کرده بودند، تکرار کند.

۱ حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۳۸۸

۲ «شریعه» به معنی آبراه است؛ زیرا در کنار نهرهای بزرگ که سطح آب از زمینهای مجاور بسیار پائین است بدون آبراه نمی‌توان به آب دست یافت.

این بلند نظری‌ها و سعه‌صدر و ظرفیت وجودی، برای پیش برد کار مدیر چنان مؤثر است، که می‌تواند دشمنان سنگدل را به دوستان صمیمی مبدل سازد.

عوامل سعه صدر

«شرح صدر» از الطاف الهی است که چون کسی واجد آن شود، بردبار، مقاوم، پر حوصله و توانا می‌گردد. می‌تواند سختیها و مشکلات را تحمل کرده، راه به مقصد برد.^۱ قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^۲ کسی که خداوند بخواهد او را هدایت کند سینه اش را برای پذیرش اسلام باز می‌کند. «سعه صدر با ایمان به خداوند و عشق به حضرتش پدید می‌آید.»^۳

فواید سعه صدر

مدیریت شایسته نیازمند صفات و ویژگی‌هایی است که عمده آن ویژگی‌ها یا تمام آن‌ها از شرح صدر مایه می‌گیرند. بصیرت، حسن خلق، رفق و دارا، قاطعیت، انتقاد پذیری، تغافل، امید و استقامت از ویژگی‌های یک مدیر شایسته است و همه این صفات از آثار شرح صدر است.^۴ وقتی خداوند به حضرت موسی^(ع) مأموریت رفتن به سوی فرعون را داد قرآن کریم از زبان حضرت موسی^(ع) از خداوند طلب شرح صدر می‌نماید: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي^۵ خدایا به من سعه صدر عطا کن» این درخواست سعه صدر به چه منظور است؟ آیا جز این است، که حضرت موسی^(ع) از خداوند طلب کمک می‌نماید تا بار سنگین مسئولیت، «هدایت» را به سر منزل مقصود برساند.

بعد از فرمان رسالت، که به نام حضرت موسی^(ع) صادر می‌شود، رسالتی عظیم و سنگین، که از ابلاغ فرمان الهی به زورمندترین و خطرناکترین مردم محیط است؛ شروع می‌شود، و می‌فرماید:

«ادْهَبْ إِلَيَّ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ طَغَى»^۶ به سوی فرعون برو که طغیان کرده است. «طغیان یعنی، تجاوز از حد و مرز در تمام ابعاد زندگی؛ به همین جهت به این گونه افراد طاغوت گفته می‌شود. آری برای اصلاح، محیط فاسد و ایجاد یک انقلاب همه جانبه باید از حاکمان فساد و ائمه کفر شروع کرد، از آن‌ها که در تمام ارکان جامعه نقش دارند. موسی^(ع) نه تنها از چنین مأموریت

۱ حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۴۷۵

۲ سوره مبارکه انعام آیه ۱۲۵

۳ حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۳۸۸

۴ ص ۴۷۴

۵ سوره مبارکه نحل آیه ۱۲۴

۶ سوره طه آیه ۲۴

سنگینی وحشت نکرد و حتی کمترین تخفیفی از خداوند نخواست، بلکه با آغوش باز از آن استقبال نمود، ولی وسایل پیروزی در این مأموریت را از خدا خواست و از آنجا که نخستین وسیله پیروزی روح بزرگ، فکر بلند، عقل توانا و به عبارت دیگر گشادگی سینه است عرض کرد: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ پروردگارا سینه مرا گشاده بدار» و از آنجا که این راه مشکلات فراوانی دارد، که جز به لطف خدا گشوده نمی‌شود در مرحله دوم از خدا تقاضا کرد که کارها را بر او آسان گرداند و مشکلات را از سر راهش بردارد.

در ادامه عرض کرد: «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي و کار مرا آسان گردان» سپس تقاضای قدرت بیان هر چه بیشتر کرد و عرضه داشت: «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي؛» و گره از زبانم بگشا» سپس موسی^(ع) علت آن را چنین بیان کرد: «يَفْقَهُوا قَوْلِي؛ تا سخنان مرا درک کنند».

این جمله در حقیقت آیه قبل را تفسیر می‌کند؛ یعنی آنچنان فصیح، بلیغ، رسا و گویا سخن بگویم که هر شنونده‌ای منظور مرا به خوبی درک کند و از آنجا که رساندن این بار و مسئولیت نیاز به مقصد، (بار رسالت پروردگار و رهبری انسان‌ها و مبارزه با طاغوت‌ها) نیاز به یار و یاور دارد، و به تنهایی ممکن نیست. چهارمین تقاضای موسی^(ع) از پروردگار این بود: «وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي؛ و خداوندا، وزیر و یآوری از خاندانم برای من قرار ده». سپس مخصوصاً انگشت روی برادر خویش گذاشت و عرضه داشت: «هَارُونَ أَخِي؛ برادرم هارون را». هارون برادر بزرگ موسی بود و ۳ سال با او فاصله سنی داشت، قامتی بلند و رسا و زبانی گویا و درک عالی داشت. سه سال قبل از وفات حضرت موسی^(ع) دنیا را ترک گفت. او نیز از پیامبران مرسل بود که خداوند از باب رحمتش به موسی بخشید.

سپس موسی هدف خود را از تعیین هارون به وزارت و معاونت چنین بیان می‌کند: خداوندا «اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي؛ پشتم را با او محکم کن» و برای تکمیل این مقصد، تقاضا می‌کند: «وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي؛ و او را در کار من شریک گردان». هم شریک در مقام رسالت باشد، و هم در اجرای این رسالت بزرگ یاری نماید، ولی به هر حال او پیرو موسی در تمام برنامه‌ها بود و موسی امام و پیشوای او بود.

سرانجام نتیجه خواسته‌های خود را چنین بیان می‌کند: «كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا؛ تا تو را بسیار تسبیح گوئیم» «وَ تَذَكَّرَكَ كَثِيرًا؛ و تو را بسیار یاد کنیم» «نَكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا؛ چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای»

از آنجا که موسی در این تقاضاهای مخلصانه‌اش نظری جز خدمت بیشتر و کامل‌تر نداشت، خداوند تقاضای او را در همان وقت اجابت فرمود؛ و به او گفت: «قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى؛ به او گفت: آنچه را خواسته بودی به تو داده شدای موسی».

در واقع در این لحظات حساس و سرنوشت ساز هر چه لازم داشت از خدا درخواست کرد و او نیز مهمانش را گرامی داشت و همه خوسته‌های او را در یک جمله کوتاه با ندایی حیات بخش اجابت کرد بی آنکه در آن قید و شرط و یا چون و چرایی کند. «چه خدای مهربانی» علاوه بر نتایجی که در فوق به آن اشاره شد می‌توان گفت:



- ۱) وظیفه کمک در هدایت و راهبری افراد بر عهده همه است.
 - ۲) عدم ترس و وا همه از انجام تکلیف و وظیفه
 - ۳) محیط و جامعه را، باید اصلاح کرد، (امر به معروف و نهی از منکر با زبان، آن هم از نوع خوب و نرم. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فقولا له قولاً لینا لعله یتذکر و یخشی»؛ با او (فرعون) با کمال نر می‌سخن بگویند باشد که متذکر شود و از خدا بترسد).
 - ۴) آماده کردن وسایل پیروزی.
 - ۵) راه مشکل و سخت است استعانت از خداوند را طلب می‌نماید.
 - ۶) قدرت بیان، لازمه دعوت برای درک بهتر مستمعین.
 - ۷) عدم تک روی و کمک گرفتن از همفکران و همراهان.
 - ۸) تکیه بر برادران دینی، تا هم قوت قلب ما باشند و هم شریک ما در انجام امور.
 - ۹) نتیجه کارها باید تسبیح خداوند، یاد خداوند، قرب الی ا.. و تزکیه نفس باشد.
 - ۱۰) اخلاص واقعی نتیجه بخش دعاها و انجام امور است؛ که خداوند برکت را در کارها قرار می‌دهد.
 - ۱۱) از نظر قرآنی شرح صدر موجب می‌شود که انسان به نورانیت درونی و بصیرت و بینش الهی برسد.
 - ۱۲) مدیریت بدون شرح صدر سامان نمی‌یابد.
- مهم‌ترین پشتوانه کار یک مدیر تربیتی در پیش برد اهداف بزرگ خود، حمایت اعضاء و علاقه

ارتباط

قلبی افراد به اوست؛ و این پشتوانه در صورتی محفوظ می‌ماند، که رابطه خود را با اعضاء از راه‌های مختلف، مخصوصاً از طریق تماس مستقیم و چهره به چهره حفظ کند.

تعریف ارتباط

«ارتباط، (ایجاد پیوستگی بین دو چیز) استفاده از شیوه‌ها و روش‌های قلبی، رفتاری و کلامی برای ایجاد و تقویت ارتباط با دیگران است.»

موضوع ارتباط

موضوع ارتباط، مراوده انسان‌ها با یکدیگر به صورت مستقیم و چهره به چهره است که دارای اهمیت زیادی در پیشبرد امور و دستیابی به اهداف می‌باشد.

پیغمبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) در دوران حکومتشان همیشه و در هر حال با مردم ارتباط مستقیم داشتند؛ و اگر گاهی شرایط ایجاب می‌کرد، که تمام وقت با آن‌ها نباشند، ساعتی را برای این ملاقات و رابطه مستقیم قرار می‌دادند. در خانه آن‌ها باز و بدون نگهبان و دربان بود؛ هر کس می‌توانست مشکلش را مستقیماً با آن‌ها در میان بگذارد.

البته شرایط کنونی با شرایط آن زمان تفاوت‌هایی دارد؛ ولی این به آن معنی نیست که مدیر رابطه خود را به کلی از اعضاء و افراد پیرامون خود قطع کند و اخبار تنها از طریق مشاوران و دیگران که هم جائز الخطا هستند و هم امکان اعمال نظر شخصی درباره همه آن‌ها همیشه وجود دارد، به آن‌ها برسد.

اهمیت ارتباط

یکی از وظایف مدیران ایجاد و تداوم رابطه با اعضاء می‌باشد؛ ایجاد رابطه به منظور جذب نیروها امری لازم و ضروری است. ارتباط اثر بخش چیزی بیش از ارتباط سازمانی است و مستلزم رودرویی در محیطی باز و سرشار از اعتماد و صمیمیت و دوستی است.

عوامل ارتباط

لازمه برقراری ارتباط انتقال چهره به چهره محبت است، و این از جمله مواردی است که در ارتباط مؤثر است.^۱ آهنگ صدا، همسویی میان گفتار و شیوه بیان، گوش دادن به مطالب آنان همدلی و همراهی و انتقادپذیری از دیگر موارد مؤثر در برقراری ارتباط می‌باشد.

می‌توان گفت رابطه میان مدیران و اعضاء از سه روش ممکن می‌باشد؛ اجبار، مبادله و اقناع. اقناع بهترین و مؤثرترین روش برای جذب افراد مختلف می‌باشد. اقناع تقریباً در تمامی مدارج زندگی بروز می‌نماید. تا جایی که اکثر قریب به اتفاق مسئولین، از مشاورانی در جهت اقناع

۱ آموزش مدیریت دولتی جلد دوم ترجمه محمد علی طوسی - سید امین ا... علوی - علی اکبر فرهنگی - اکبر مهدویان - ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی چاپ دوم، ۱۳۷۲ ص ۳۵۳

عامه مردم بهره می‌گیرند. اگر چه برقراری ارتباط در همه مراحل مدیریت مهم است؛ اما در ایفای نقش رهبری، اهمیت ویژه‌ای دارد.

فواید ارتباط

از جمله فواید برقراری ارتباط را می‌توان، پشتوانه مردمی و حمایت توده‌های جمعیت مخلص، که کیمیای عجیبی در مسأله زمامداری و مدیریت است دانست؛ و راه به دست آوردن این کیمیا آن است که، انسان برای آن‌ها خدمت و دلسوزی کند، صداقت به خرج دهد، و رابطه همیشگی داشته باشد.

ارتباط مستقیم باعث افزایش محبت در دلها می‌گردد، افکار عمومی را برای کمک به پیشبرد اهداف او بسیج می‌نماید و اطلاعات واقعی را در اختیار او می‌گذارد.

هشتمین ویژگی که لازمه یک مدیر تربیتی می‌باشد جهد (کوشش و تلاش) است. پیامبر



باید توجه داشت که: بی اعتمادی، تهدید و ترس، ارتباطها را ناتوان می‌کند و در محیطی که این عوامل وجود داشته باشد، موجب تردید و شک در ادامه همکاری می‌گردد. در صورت عدم ارتباط رو در رو، پیامک، تلفن و... پدیده‌ای هستند، که مانع از تغذیه روحی انسان‌ها در جامعه شده و با ایجاد دلسردی نه تنها فاصله‌ها را زیاد می‌کنند، بلکه می‌تواند به تشدید کدورت‌ها دامن زند.

اکرم (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ لِلَّهِ مَلِكًا يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فَيُنَادِي يَا أَبْنَاءَ الْعَشِيرِينَ جَدُّوا وَاجْتَهِدُوا! هر شب فرشته‌ای از جانب خداوند به جوانان و بیست ساله‌ها خطاب می‌کند، ای کسانی که بیست سال از عمرتان سپری شده و در بهترین دوران عمر قرار دارید تلاش و

**جهد
(کوشش و تلاش)**

کوشش کنید.»

۱ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۷

تلاش برای دین و دنیایتان، تلاش برای اصلاح و خودسازی و تلاش کنید که امروزتان از دیروزتان بهتر باشد.

تعریف جهد

جهد به معنی کوشش و تلاش به منظور دستیابی به اهداف متعالی انسانی است. کلمه «جَدُّوا وَاَجْتَهَدُوا»؛ از یک خانواده‌اند، اما با دقت بیشتر، فرق ظریفی میانشان وجود دارد. واژه «جَدُّوا» یعنی تلاش کنید، کلی و عمو می‌است، اما واژه «وَاَجْتَهَدُوا» یعنی اجتهاد کنید و اجتهاد برای رشد عقل، اندیشه و تفکر است. پس می‌توان، «جهد را تلاش و کوششی برای رسیدن به مقاصد عمو می‌و رشد عقل و اندیشه دانست.»

موضوع جهد

«لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ سعادت هر کس در گرو عملش می‌باشد.» صفحات گیتی و نظام جهان آفرینش گواه روشنی است، که دست یافتن به نتیجه توسط هر موجودی وابسته به فعالیت و کوشش اوست. تا صدها فعل وانفعال شیمیائی در یک نهال به وجود نیاید، هرگز یک درخت برومند نخواهد شد. هر موجود ذی‌رویی از روی غریزه و یا فطرت به این حقیقت رسیده که بقاء ناموس حیات در گرو کار و کوشش است.

عدم پیروزی عده‌ای از جوانان علی دارد؛ یکی از آن علل این است که روح کار کردن و فعالیت در زندگی مردان موفق، شهادت می‌دهد که همگی مرد کار و زحمت بودند و به قول الکساندرهامپلتن نابغه عصر خود که می‌گوید: «مردم می‌گویند: تو نابغه هستی. من از نبوغ خود خبر ندارم فقط می‌دانم شخص زحمت کشی هستم.»

اهمیت جهد

تلاش یکی از راه‌های موفقیت است. هیچ چیز به خودی خود به دست نمی‌آید. برای هر گونه موفقیت باید با تمام توان سعی کرد.^۲ بوعلی سینا دانشمند شیعه، این فیلسوف بزرگ شرق، این نابغه پرکار و پر توان در زندگی به دو مطلب توجه داشت.

الف) کار و تلاش از روی برنامه

ب) تفکر و اندیشه

نقل می‌کنند؛ او به کتابی نیاز داشت که کمیاب بود، شبی پس از نماز مغرب و عشاء برایش آوردند، جلوی درب اتاق کار و مطالعه اش، وقتی کتاب را تحویل گرفت، به خودش فرصت نداد به داخل اتاق برود، بلکه میان چارچوب در اتاق، در حال ایستاده شروع کرد به مطالعه و کار را آن قدر ادامه داد تا وقتی که صفحات کتاب به آخر رسید و مؤذن هم از بالای گلدسته اذان صبح را اعلام کرد.

۱ سوره مبارکه نجم آیه ۳۹

۲ گردآوری حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۳۶۰

عوامل جهد

اگر ثبات نباشد، تلاش و کوشش صورت نگیرد و اگر روح هم دارای کمی پشتکار باشد، در اثر به کار نبردن آن، از میان می‌رود و راه وصول به مقاصدش دورتر می‌شد و در قدم برداشتن به سوی مقصود، ناتوان و ضعیف می‌گردد و به هیچ مقصدی از مقاصد خود نمی‌رسید؛ زیرا هر نیرویی که انسان اندوخته باشد، اگر به کار نرود، از میان خواهد رفت.

زیرا تلاش و پای مردی از هر عظمتی عظیم‌تر و از هر سختی محکم‌تر و کلید هر مشکلی است. افراد پر تلاش، حرف نفی از دهانشان خارج نمی‌شود کلمات: نمی‌توانم، نمی‌شود، ممکن نیست؛ در قاموس او یافت نمی‌شود، پیوسته از دریچه اثبات به مقاصد خود می‌نگرد؛ یعنی می‌گوید: می‌شود، ممکن است، کار آسانی است، چیزی نیست، بسیار سهل است؛ کارهایی که در نظر دیگران غیر ممکن است، در نظر او ممکن و واقعاً هم چنین است و او اشتباه نمی‌کند؛ زیرا با کوشش و تلاش، کارهایی انجام می‌دهد که خردمندان را مات و متحیر می‌سازد و شاید در آغاز، چنین فردی را دیوانه یا خیال‌باف بشمارند؛ داستان‌هایی که از جهد و کوشش اشخاص گفته می‌شود، بعضی از آن‌ها به قدری محیرالعقول است که گمان می‌رود از قصص افسانه‌ای باشد؛ زیرا عقل کسانی که اهل تلاش نیستند، پس از وقوع آن هم، در پذیرفتن، تردید می‌کند.

فواید جهد

جهد و تلاش، راه موفقیت و خوشبختی است؛ کسی که تلاش نکند، روی موفقیت و سعادت را نخواهد دید؛ زیرا هیچ مقصود و هدف با ارزشی، بدون تلاش و کوشش، نصیب کسی نمی‌شود، اگر بر حسب اتفاق، گنج تلاش نصیب شد، نگاهداری آن بسیار مشکل و دشوار خواهد بود و کسی که لیاقت نگاهداری آن را نداشته باشد، به زودی آن را از دست می‌دهد. جهد و تلاش را می‌توان یکی از «رازهای موفقیت» نامید؛ هر کس اهل تلاش و کوشش باشد، موفقیت و پیروزی از آن اوست و هر که، خالی از آن باشد، نا امید و وامانده از همه مقاصد خواهد بود، نزد آنان که تلاشگر هستند، هر عظیمی حقیر و هر مشکلی آسان و هر سختی، سست است.

در اثر کوشش است که یک تن قیام می‌کند و با تمام اخلاق و رفتار منحرف بشریت به مخالفت می‌پردازد و موفق می‌شود، در مدت محدودی برای سالیان دراز، بزرگ‌ترین حکومت‌های جهانی را تشکیل می‌دهد. پیروان او مادامی که به دستورات عالی او رفتار می‌کردند، همان مقام عالی و ارجمند را حائز بودند، ولی هنگامی که از دستورات او سرپیچی کردند و دنبال شهوات و خواسته‌های خود رفتند، به خاک سپاه نشستند.

مسلمانانی که مجاهدت را از رسول خدا یاد گرفته بودند کارشان به جایی رسید که شاهزادگان بزرگ جهان را به بردگی خود در آوردند، ولی وقتی مجاهدت که از میان آن‌ها رخت بر بست،

به جای آن، فساد اخلاق برایشان مستولی شد، خود، برده دیگران شدند. هر کس در راه خدا مجاهدت ورزید و به سختی‌ها و فشارها تن در دهد، خدای تعالی بهترین پاداش‌ها را در دوجهان به او خواهد داد.

کسی که نیروی تلاش را دارا نباشد، به هیچ مقصدی از مقاصد خود نخواهد رسید؛ زیرا به سوی هر مقصودی که پیش رود، وقتی راه را دور و دراز یا خطرناک و پر مشقت بباید، از آن منصرف شده و باز می‌گردد و مقصد دیگری را که به گمانش سهل‌الوصول‌تر است بر می‌گزیند. ضعف و ناتوانی روحی در برابر حوادث، او را از رسیدن بدین مقصد نیز باز می‌دارد، مقصود سومی را در نظر گرفته به جانب آن قدم برمی‌دارد و به همان دلیل، از رسیدن به سومین مقصد و دیگر مقاصد خود، باز می‌ماند، ولی کسی که اهل تلاش و کوشش باشد، دوری راه و موانع بزرگ، در همت او تأثیری نخواهد داشت، آن قدر تلاش و پایداری می‌کند، تا بر موانع چیره شود، به مقصد خود برسد و بعد از رسیدن بدین مقصد، نیروی بیش‌تری ذخیره خواهد کرد؛ چون راه‌مبارزه باحوادث را آموخته و در اثر جهد و تلاش، نیرومندتر شده است و با قدرت کامل‌تری به سوی دومین هدف، قدم برمی‌دارد و رسیدن بدین مقصد، از رسیدن به مقصد اول برای او، آسان‌تر خواهد بود؛ زیرا در اثر مبارزه در راه و رسیدن به هدف اول، تشخیص داده که ارزش واقعی حوادث و موانع، آن مقدار که می‌پنداشت، نیست؛ ولی حال می‌داند که اهمیتی ندارد و به همین استدلال، در رسیدن به هدف‌های آینده، موفق‌تر خواهد بود، کم‌کم تمام مشکلات زندگی و نبرد در اجتماع، در برابر او ناچیز می‌شود و موفقیت‌های بزرگی در انتظار او خواهد بود.

بصیرت و بینش سیاسی

یکی از ویژگی‌ها و لوازم کار یک مدیر تربیتی، داشتن بصیرت و بینش سیاسی به منظور شناخت دشمن خصوصاً در زمان است. کسی که به اوضاع و شرایط زمان خود آشنا گردد، مورد هجوم امور ناگهانی واقع نمی‌شود.

باید قبل از هر کاری، اوضاع زمان و مقتضیات روزگار را به دقت بررسی کرد؛ سپس مطابق با شرایط زمان برنامه‌ریزی نمود. با نادیده گرفتن این شرط بسیاری از تلاش‌ها و کارها به ثمر نمی‌رسد و می‌توان گفت از لوازم دستیابی به موفقیت داشتن بصیرت است. مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرمایند: «بصیرت، اجازه نمی‌دهد غبار آلودگی فتنه، کسی را گمراه کند... بصیرت قطب نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است؛ به گونه‌ای که اگر کسی این قطب نما را نداشت و نقشه خوانی بلد نباشد، ممکن است؛ ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند.»

آن رهبر فرزانه در فرازی دیگر می‌فرمایند: «بی بصیرت‌ها فریب می‌خورند، بی بصیرت‌ها در جبهه باطل قرار می‌گیرند بدون اینکه خود بدانند؛ همان گونه که در جبهه ابن زیاد، کسانی بودند که از فساق و فجار نبودند، ولی از بی بصیرت‌ها بودند.»^۱ ایشان همچنین فرمودند: «بلایی که بر ملت‌ها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است. خطاهایی که بعضی از افراد می‌کنند، بر اثر بی بصیرتی است.»^۲

تعریف بصیرت

بصیرت به معنای بینایی دل است؛ عقل، زیرکی، علم، حجت و دلیل را هم که از معنای بصیرت برشمرده اند، از آن جهت است؛ که موجب معرفت و درک و بینایی قلب می‌شوند. بینایی دل بر گرفته از، قدرت تحلیل صحیح است؛ قدرتی که بتوان از واقعیت‌های جامعه، جمع بندی ذهنی برای خود پدید آورد و چیزی را شناخت.

پس می‌توان بصیرت را این گونه تعریف کرد: «بصیرت در عرف سیاسی و اجتماعی، همان قدرت تشخیص مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی و درک و فهم درست اوضاع زمان و مکان، برای دستیابی به راهکارهای مفید و سازنده در این حوزه‌ها و آشنایی با شیوه‌ها، روش‌ها و تشخیص درست، دقیق و به موقع دشمن و عدم تأثیر پذیری از القائات فریب کارانه آنان می‌باشد.»



۱ بیانات در تاریخ ۱۳۷۱/۴/۲۲

۲ بیانات در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۵

اهمیت بصیرت

هر ضربه‌ای که مسلمانان در طول تاریخ خورده اند، از ضعف بصیرت و ضعف قدرت تحلیل و بینایی دل بوده است. بصیرت به انسان قدرت تشخیص مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی را می‌دهد و او با درک و فهم درست واقعیت‌های جامعه در هنگام بحران و فتنه، حق را از باطل جدا می‌کند و با نور معرفت الهی، در مسیر مستقیم حرکت می‌نماید. اگر انسان بصیر نباشد، گرفتار فتنه‌ها می‌شود و به بیراهه می‌رود و در پرتگاه سقوط می‌کند.

آن چیزی که بشر را به این وادی می‌کشاند و از قدرت تحلیل صحیح و بینایی دل جدا می‌سازد و به مسلمانان ضربه می‌زند، موانع این عروج اند که شناخت تک تک آن‌ها، می‌تواند ما را در پی‌مودن راه راست تا به هدف و رسیدن به بصیرت واقعی کمک کند.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «العالم بِرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوِاِيسُ؛ کسی که به اوضاع زمان و روزگار خود آشنا باشد، هرگز مورد هجوم امور ناگهانی واقع نمی‌شود.»

این سخن بسیار با ارزش است؛ و اگر مسلمانان یا ملل عقب مانده جهان در سیاست و کشورداری به این اصل حیاتی توجه می‌کردند، هرگز مغلوب ملل فاتح نمی‌گشتند. ضروری است انسان مسائل پیرامون خود بشناسد و نسبت به آن شناخت لازم را پیدا کند.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در خصوص اهمیت داشتن بصیرت جملاتی دارند، که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. «اگر بصیرت نداشته باشید، دوست و دشمن را شناسید، یک وقت می‌بینید توپخانه تبلیغات، گفت و شنود و عمل شما به طرف اجتماع دوستان است نه دشمنان.»^۱ در بیاناتی دیگر می‌فرمایند: «اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشید، و اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را اشتباه آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. که این قطب نما همان بصیرت است.»^۲ «بینید در جنگ صفین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبهه مقابل امیرالمؤمنین جبهه‌ای بودند که نماز هم می‌خواندند، قرآن هم می‌خواندند، ظواهر در آن‌ها محفوظ بود؛ خیلی سخت بود. چه کسی باید اینجا روشنگری کند و حق را به مردم نشان دهد؟ بعضی‌ها حقیقتاً متزلزل میشدند در اینجا اصحاب امیرالمؤمنین، یعنی در واقع، اصحاب خاص و خالصی که از اول اسلام با امیرالمؤمنین هم راه بودند و از او جدا نشدند جلو می‌افتادند؛ از جمله جناب عمار یاسر که مهم‌ترین کار را ایشان می‌کرد.»^۳

۱ تحف العقول، چاپ حیدری، ص ۳۶۵

۲ بیانات مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۸

۳ بیانات مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵

۴ بیانات مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۹

«بعد از پیغمبر، در زمان امیرالمؤمنین زحمتی بود که از درگیری و چالش حکومت اسلامی با افرادی که مدعی اسلام بودند، به وجود می‌آمد. بعد هم همین جور؛ در دوران ائمه^(ع) هم همین جور؛ دوران غبارآلودگی فضا و الا آن وقتی که جنگ بدر هست، کار، دشواریست؛ آن وقتی که در میدانهای نبرد حاضر می‌شوند، بادشمنانی که مشخص است این دشمن چه می‌گوید، کار دشوار نیست. آن وقتی مسئله مشکل است که امیرالمؤمنین در مقابل کسانی واقع می‌شود که اینها مدعی اسلامند و معتقد به اسلام هم هستند؛ این جور نبود که معتقد به اسلام هم نباشند، از اسلام برگشته باشند؛ نه، معتقدند به اسلام، راه را غلط می‌روند، هواهای نفسانی کار دستشان می‌دهد. این، مشکل ترین وضع است که افراد را به شبهه می‌اندازد؛ به طوری که اصحاب عبدالله بن مسعود می‌آیند خدمت حضرت، می‌گویند «انا قد شک کنا فی هذا القتال!»^۱ چرا باید شک کنند؟ این شک خواص، پایه حرکت صحیح جامعه اسلامی را مثل موریانه می‌جود. اینی که خواص در حقایق روشن تردید پیدا کنند و شک پیدا کنند، اساس کارها را مشکل می‌کند. مشکل کار امیرالمؤمنین، این است. امروز هم همین است. امروز در سطح دنیا که نگاه کنید، همین جور است؛ در سطح داخل جامعه خودمان که نگاه کنید، همین جور است. تبیین لازم است.»^۲

ایشان در خصوص افزایش بصیرت می‌فرمایند: «هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در خطبه‌ای از جمله مهم‌ترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «انما بدء الوقوع الفتنة هواء تتبعوا حکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله»^۳. امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خود را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یؤخذ من هذا ضعفنا من هذا ضعفنا فی مزجان»^۴ آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائنا» حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. این است که، بصیرت می‌شود اولین وظیفه ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.»^۵

۱ واقعة صفین، ص ۱۱۵: «ما در این جنگ شک داریم»

۲ بیانات مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۲

۳ نهج البلاغه، خطبه ۵۰

۴ همان

۵ بیانات مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری می‌فرمایند: «درجنگ صفین طرفی عمار را داریم، که دائم مشغول سخنرانی است؛ برای گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود؛ دوگروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ به همه جا می‌رفت و برای گروه‌های مختلف سخنرانی می‌کرد. از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است «أنا قد شككنا في هذا القتال»^۱ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، گاهی سکوت کردن، کنارکشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند.»^۲ «بصیرت و آگاهی خودتان را بالا ببرید. امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «الا و لا يحمل هذا العلم الا اهلا لبصر و الصبر»^۳ می‌دانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دوست و دشمن معلوم بود؛ و زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آن چنان واضح نبودند. دشمن همان حرف‌هایی را می‌زد که دوست می‌زند؛ همان نماز جماعت که در اردوگاه امیرالمؤمنین می‌خواندند، در اردوگاه طرف مقابل و در جنگ‌های، جمل، صفین و نهروان می‌خواندند. برخی مانند خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، و مشاهده نمودند، شخصی با صدای خوش می‌خواند: «أمن هو قانتاء اناء اللیل»؛^۴ آیه قرآن را نیمه‌های شب می‌خواند؛ با صدایی، گرم و تکان دهنده، شخصی در کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که این آیه را به این قشنگی می‌خواند. ای کاش من یک مویی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت می‌رود؛ حتماً، من هم با برکت او به بهشت می‌روم. از این ماجرا چند روزی گذشت تا جنگ نهروان شروع شد و بعد از شکست دشمنان و کشته شدن آنان؛ امیرالمؤمنین بالای سر کشته‌های دشمن آمدند، عبور می‌کرد و می‌گفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند می‌کردند، حضرت با این‌ها حرف می‌زد. آن‌ها مرده بودند، اما می‌خواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، فرمود: این شخص را می‌شناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب با لحن زیبا قرآن می‌خواند، و اینجا در مقابل قرآن ناطق،

۱ واقعة صفین، ص ۱۱۵

۲ بیانات مورخ ۱۳۸۸/۷/۲

۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳

۴ سوره زمر آیه ۹

امیرالمؤمنین^(ع) می‌ایستد، شمشیر می‌کشد! چون بصیرت ندارد، نمی‌تواند اوضاع را بفهمد.^۱ بیانات مقام معظم رهبری از جمله دیگر نشانه‌های لزوم بصیرت، برای تشخیص درست از نادرست و حق از باطل است.

عوامل بصیرت

لازمه داشتن بصیرت و بینش سیاسی شناخت فرهنگ، اهداف و سیاست‌های دشمنان اسلام، انقلاب، و نظام جمهوری اسلامی ایران است، که به برخی شرایط کلی آن اشاره می‌کنیم.

۱) ایمان و تقوا: قرآن کریم تصریح می‌کند که انسان در نتیجه ایمان و تقوا می‌تواند به نورانیت و بینشی برسد که حرکت اجتماعی او را تصحیح نماید.^۲

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ»^۳ ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوی خدایپیشه کنید و به فرستاده او ایمان بیاورید تا خداوند دو بهره از رحمت خود به شما عنایت کند و برای شما نوری قرار دهد که در پرتو آن حرکت کنید.»

۲) آگاهی: آگاهی از شرایط، برای تحلیل موقعیت‌های اجتماعی و تشخیص وظیفه عقلی و دینی بسیار مؤثر و مفید است. زیرا بسیاری افراد از روی غفلت در موقعیت‌های شبهه ناک و «فتنه» گرفتار می‌شوند، بدون آن که بدانند هیزم آتش فتنه‌گران می‌شوند.

امام علی^(ع) می‌فرماید: «کسی نگوید (خدایا از آزمایش و فتنه به تو پناه می‌برم) زیرا هیچ کس گریزی از آزمایش و فتنه ندارد. لیکن کسی که می‌خواهد دعا کند، از خدا بخواهد که او را از فتنه‌های گمراه کننده در امان دارد.»^۴

۳) هوشیاری در برابر فرصت طلبان: یکی از راه‌های مبارزه و مقابله با فتنه‌های اجتماعی و دشمنان اسلام هوشیاری در برابر فرصت طلبان است.

۴) تقویت شناخت فرهنگ، اهداف و دانش دشمن (دشمن شناسی):^۵ بی تردید شناسایی دشمن و برآورد اهداف، توان و تفکر وی، از الفبای مبارزه به شمار می‌آید، که پیش از برداشتن نخستین گام باید بدان پرداخته شود. برای رویارویی با یورش فرهنگی دشمن باید فرهنگ و ویژگی‌های آن به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد. اگر کسی می‌خواهد راه حق را طی کند و در صراط مستقیم استوار بماند، حتماً نیازمند شناخت راه باطل و باطل‌گرایان است. یکی از راه‌های تشخیص حق از باطل، برای بسیاری از مردم عادی، شناخت اهل باطل است.

۱ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۸

۲ گردآوری حجه الاسلام مهندس محسن عباس نژاد قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ناشر موسسه بنیاد پژوهش‌های تخصصی قرآن و علوم روز ص ۴۳۶

۳ سوره حدید آیه ۲۸

۴ نهج البلاغه حکمت ۹۳ ص ۳۷۵

۵ تهاجم فرهنگی، معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران. فصل هفتم

اهداف دشمن، ابزار و شیوه‌های مورد استفاده دشمنان می‌تواند، مسئولان فرهنگی را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه‌های آنان را خنثی سازد. آشنایی با هدف‌های تهاجم دشمن نیز بسیار ارزنده و حائز اهمیت است؛ زیرا در سایه شناسایی اهداف و مقابله اصولی با آن می‌توان از آسیب‌پذیری اقشار مختلف جامعه در برابر توطئه دشمن جلوگیری کرد.

از این رو لازم است با چشم‌های بیدار و جستجوگر ضمن شناسایی اهداف، ابزارها و شیوه‌های مورد استفاده دشمن در این زمینه، هرگونه تغییر روشی را نیز برای دیگر آحاد جامعه و مسئولان یادآوری نمود؛ چنین تحقیق وسیع و همه جانبه‌ای، اندیشمندان را در شناخت درست رد پای انحراف یاری می‌دهد.

از سوی دیگر، تأکید حضرت امام^(ع) و مقام معظم رهبری^(حفظه الله) بر این که، اگر دشمنان و رادیوهای بیگانه به امری تشویق کردند، مردم ما باید خلاف آن را عمل نمایند و اگر از فردی یا جریانی دفاع کردند، مردم باید حساسیت ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشند، که حاکی از همین حقیقت است. دشمنان و بیگانگان هرگز خیر و صلاح جامعه اسلامی و مردم مسلمان را نمی‌خواهند. آنان به دنبال منافع و هدف‌های شیطانی خود هستند.

امام علی^(ع) می‌فرماید: «بدانید که تا واگذارنده رستگاری را نشناسید، رستگاری را نخواهید شناخت و تا شکننده پیمان را ندانید، پیمان استوار نخواهید ساخت و تا واگذارنده قرآن را به جای نیاورید، در قرآن چنگ نتوانید انداخت.»^۱

ایشان بر این واقعیت تأکید می‌کند که هرگز به حقیقت و سعادت دست نمی‌یابید، مگر آن که روی برتافتگان از راه حق و درماندگان از سعادت را بشناسید.

۵) تقویت بینش دینی و سیاسی: یقین به حقایق، با عظمتی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می‌آورد و میزان مصونیت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می‌دهد؛ به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه مذهب و سیاست می‌تواند، چون سنگری نفوذ ناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و دشمن را ناکام و ناامید سازد. بی‌تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت‌گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌کند و از کژروی‌ها و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «...يَهْدِيهِمْ رُبُّهُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُذْهِبَ اللَّهُ سُبُوحًا وَإِجْمَالًا عَن قُلُوبِكُمْ وَيُكَمِّلَ لَكُم دِينَكُمْ وَيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»^۲

۶) شناخت بسترهای اجتماعی دشمنی: امیر مومنان علی^(ع) بعد از پیروزی در جنگ جمل، در

۱ نهج البلاغه خطبه ۱۴۷ ص ۱۴۴

۲ تهاجم فرهنگی، معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران. فصل هفتم

۳ سوره یونس آیه ۶

۴ حسین شریقی، احمد، موج فتنه از جمل تا جنگ نرم، انتشارات کانون اندیشه جوان. چاپ نهم

پاسخ به سؤال شخصی که پیرامون فتنه پرسید فرمودند: زمانی که آیات اولیه سوره عنکبوت، که از حتمیت آزمایش مؤمنان خبر می‌داد، نازل شد،^۱ از پیامبر^(ص) در این موضوع و چگونگی آن سؤال کردم؛ ایشان در پاسخ فرمودند: امت اسلامی در آینده‌ای نزدیک دچار فتنه‌های پیچیده و شکننده‌ای خواهد شد، فتنه‌هایی بسیار گسترده که همه جوانب زندگی آنان را در بر می‌گیرد. پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «ای علی! دیری نپاید، که امت اسلامی با اموالشان دچار فتنه می‌شوند. آنان با دین داری خود بر خدا منت می‌گذارند و رحمتش را آرزو می‌کنند و خود را از قهر الهی مصون می‌پندارند و با شبهات دروغین و هوس‌های غافلانه حرام او را حلال می‌سازند، شراب را به نام آب انگور و رشوه را به اسم هدیه و ربا را به عنوان معامله مباح می‌شمارند.»^۲

با توجه به فرمایش پیامبر اکرم^(ص) خطاب به امام علی^(ع) در مورد فتنه، می‌توان برخی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی، ایجاد فتنه را به شرح زیر برشمرد:

- ثروت‌گرایی و مال‌پرستی
- دین‌داری غیر عالمانه
- شبهه افکنی‌های بی‌مبنا
- جهل، نادانی و بی‌تفاوتی



امیر مومنان علی^(ع) در خصوص عوامل پیدایش فتنه می‌فرمایند: «همانا پیدایش فتنه‌ها، هواهای نفسانی است که از آن‌ها پیروی می‌شود و بدعت‌هایی است که گذارده میشوند.»

۱ «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون...» سوره عنکبوت آیات ۲ و ۳
 ۲ نهج البلاغه خطبه ۱۵۶ ص ۱۵۶

فوايد داشتن بصيرت

فتنه گران، افزون بر داشتن برنامه استراتژيک، برای اجرائی کردن استراتژی‌های خود، نیازمند تاکتیک‌ها و روش‌های متناسب با موقعیت خاص هستند، که داشتن بصيرت و شناخت کافی ما را از سقوط در پرتگاه فتنه، فتنه گران در امان داشته و حفظ می‌کند که به برخی موارد مهم آن در زیر اشاره می‌گردد:

الف) موجب شناسایی اهداف دشمن شامل: براندازی نظام حاکم و جایگزین کردن نظامی دیگر
ب) موجب شناسایی شگردها شامل: استفاده از شیوه‌های مبارزه نرم، استخدام چهره‌های موجه و مقدس، استفاده از شعارهای خوب و جذاب، سخن گفتن از اصول متعالی انسانی، نفی گذشته افتخار آمیز جامعه، تحریک احساسات، شبهه افکنی، تفرقه افکنی، جلب حمایت‌های خارجی، ایجاد سازمانهای مردم نهاد (NGO)، ایجاد فاصله میان مردم و حکومت، درآمیختن حق و باطل

ج) موجب شناسایی پیامدهای

- منفی شامل: پیدایش تشکیلات، فراموش شدن ارزش‌ها و حاکمیت حاکمان سود جو
- مثبت شامل: جداسازی ارزشها، پختگی اجتماعی و سیاسی، به فعلیت رسیدن استعدادها
د) موجب شناسایی شیوه‌های مبارزه شامل: عمل بر اساس یقین، رجوع به قرآن، تمسک به اهل بیت، مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع، بردباری و مدارا، هوشیاری در برابر فرصت طلبان، روشنگری و افشاگری، نشان دادن ظاهری بودن وحدت فتنه گران، تلاش برای آرام کردن اوضاع، جد کردن صف فتنه‌گران و فتنه زدگان، برخورد به هنگام و شجاعانه، ترویج ارزشها، تقویت باورها، تهیه طرح جامع تعلیم و تربیت اسلامی، ایجاد روحیه حقیقت شناسی، تقویت دانش دشمن شناسی

ولایت‌پذیری

«مقصود از ولایت‌پذیری، پذیرش ولایت ولی حق است؛ که از پشتوانه مشروعیت الهی برخوردار است. خداوند متعال، رهبران لایق و شایسته انسان‌ها را انبیاء و امامان قرار داده است و تدبیر در دوره غیبت کبری بر این قرار گرفته که فقیهان واجد شرایط، زمام امور جامعه را به دست گیرند، مردم نیز موظف و مکلفند که از رهبران الهی و فقهای جامع الشرائط پیروی نمایند.» قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و اولی الامر از خودتان را.»

«أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ»؛ این آیه درباره یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی، یعنی مسأله رهبری بحث می‌کند و مراجع واقعی مسلمین را در مسائل مختلف دینی و اجتماعی مشخص می‌سازد و نخست به مردم با ایمان دستوری دهد، که از خداوند اطاعت کنند، بدیهی است؛ برای یک فرد با ایمان همه اطاعتها باید به اطاعت پروردگار منتهی شود، و هرگونه رهبری باید از ذات پاک او سرچشمه گیرد، و طبق فرمان او باشد؛ زیرا حاکم و مالک تکوینی جهان هستی اوست، و هرگونه حاکمیت و مالکیت باید به فرمان او باشد

«وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ»؛ در مرحله بعد، فرمان به پیروی از پیامبر^(ص) می‌دهد، پیامبری که معصوم است و هرگز از روی هوی و هوس، سخن نمی‌گوید.

«وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ مرحله سوم فرمان به اطاعت از اولوالامر می‌دهد که از متن جامعه اسلامی برخاسته و حافظ دین و دنیای مردم است.

حضرت امام^(ع) در مبحث ولایت فقیه، در کتاب بیع می‌آورند: «کلیه امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر^(ص) و ائمه^(ع) مقرر شده، در مورد فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد.»^۱ ایشان در تبیین این حقیقت می‌آورند: «فقهای جامع شرایط از طرف معصومین^(ع) نیابت در تمام امور شرعی، سیاسی و اجتماعی دارند و تولی امور غیبت کبری موکول به آنان است.»

اطاعت از ولی فقیه در حقیقت، همان اطاعت از خدا و رسول و ائمه است. امام صادق^(ع) در این مورد می‌فرماید: «پس اگر فقیه، طبق امر حکم کرد و یکی از آن‌ها او را نپذیرفت، همانا حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد می‌کند، خدا را رد کرده و این در مرز شرک به خود است.»^۲

امام خمینی^(ع) می‌فرماید: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن‌ها موجب تصدیق می‌شود، و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.»^۳

اهمیت ولایت پذیری

«ولایت مهم‌ترین استوانه اسلام و سنگ بنای نظام اسلامی است؛ مایه عزت امت اسلامی و محور وحدت و گردآورنده نیروهای پراکنده است. ظلم ستیزی جمهوری اسلامی از این اصل مهم و مترقی نشأت می‌گیرد و دشمنان حقیقت و انقلاب اسلامی با آگاهی نسبت به این آثار مهم، به منظور انحراف مسلمانان و وارد ساختن ضربات جبران ناپذیر، بر پیکر جوامع اسلامی، حملات کینه توزانه خود را متوجه این اصل بی‌بدیل نموده و در هر زمان ممکن و موقعیت

۱ ولایت مطلقه فقیه، پرسش‌ها و پاسخ‌ها ص ۱۳

۲ اصول کافی جلد یک ص ۶۷

۳ امام خمینی^(ع) کتاب ولی فقیه صفحه ۹

مناسب بر علیه ولایت فقیه سم پاشی و شبهه پراکنی می‌نمایند. هدف دشمنان از این حرکت، کشاندن جامعه به بیراهه، شکستن وحدت جامعه و عزت مردم و بازگشت به دوران گذشته است. حفظ اقتدار کشور در برابر بیگانگان و استیفای حقوق ملت از متجاوزان در طول سه دهه گذشته تا به امروز، مهم‌ترین آثار ولایت فقیه بوده است. تا زمانی که جامعه در مسیر تبعیت از ولایت باشد و ولایت پذیر باشد، عزت و وحدت وجود دارد و دشمنان نمی‌توانند دوران سلطه را ترسیم کنند.

ولایت راه را ترسیم می‌کند و دشمن را معرفی می‌کند. طرح‌های معاندان و منافقین را افشاء می‌نماید. سعی این است که جامعه از ولایت و از راه دین دور گردد؛ وقتی دوری از ولایت حاصل شد، دیگر راه را نمی‌بینید، دشمن را عوضی می‌گیرند، متوجه فتنه‌ها نمی‌شوند. علت وجوب تبعیت از پیامبران، ائمه و ولی فقیه نیز همین است؛ امروزه ولایت شاخص است.^۱ حضرت علی^(ع) در خطبه پنجم نهج البلاغه فرمودند: «مثال اهل بیت من، مانند کشتی نوح است؛ هر کس سوار آن کشتی شود نجات می‌یابد و هر کس سوار نگردد، غرق می‌شود.»^۲ عمر بن حمق خزاعی به حضرت علی^(ع) می‌گوید: علی جان! اگر دنیا به یک طرف برود و شما به طرف دیگر، من آن راهی را می‌روم که شما می‌روید؛ چون پیامبر^(ص) فرمود: «علی با حق و حق با علی است.» در روایتی دیگر نبی مکرم اسلام^(ص) فرمود: «در امواج فتنه‌ها به علی پناه ببرید.»^۳

داشتن نعمت رهبر الهی، از جمله نعماتی است؛ که می‌تواند در عرصه‌های خطیر، جامعه را با سلامت به سر منزل مقصود در مسیر الهی برساند. امام صادق^(ع) می‌فرماید: یکی از انتظارات ما از شیعیان این است که، نسبت به امامان خویش معرفت و شناخت داشته باشند و بعد از شناخت، با دل و جان، ولایت آن‌ها را بپذیرند و سراپا تسلیم فرامین آن بزرگواران باشند، و آن چنان به ولایت اهل بیت دلبسته باشند که شادی و حزن خود را، خوشی و ناخوشی و تمام لذائذ و شدائد زندگی را با ولایت و محبت ائمه اطهار^(ع) پیوند بزنند.

امام صادق^(ع) در فرمایش دیگر در این زمینه می‌فرماید: «خداوند شیعیان ما را رحمت کند، که از زیادی سرشت ما آفریده شده‌اند و با آب ولایت ما عجین گشته‌اند، آنان به خاطر اندوه (و غصه‌های) ما غمناک می‌شوند و برای شادی ما شاد می‌شوند.»^۴

البته همیشه اینگونه بوده و هست که مدعیان ولایت مدار فراوانند ولی ولایت پذیران واقعی کم و اندک می‌باشند. دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی قصد دارند مردم را از ولایت جدا کنند تا

۱ ویژه نامه شبستان اندیشه. معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی صفحه ۳۹ و ۴۰

۲ بحار الانوار ج ۳۲ ص ۱۰۵

۳ انساب الاشراف جلد یک ص ۱۱۸

۴ شیخ محمد مهدی حائری شجره طوبی (نجف مکتب الحیدریه) ج ۱ ص ۳

بصیرت خود را از دست بدهیم و سقوط ما را ترسیم نمایند. ما باید به ولایت تمسک بجوئیم، قدم جای قدم‌های ولی بگذاریم. ولی شاخص است، راه با او پیدا و نمایان میگردد.



عوامل ولایت پذیری

امام صادق(ع) با تبیین علائم، صفوف ولایت‌مداران اصلی را از غیر آن جدا فرموده اند، آنجا که می‌فرمایند: «شیعیان سه دسته‌اند، گروهی به وسیله ما زینت می‌یابند (و ما را وسیله عزت و آبروی خویش قرار می‌دهند) و گروهی به وسیله ما می‌خورند (و ما را وسیله درآمد زندگی دنیایی خویش قرار داده از این طریق زندگی می‌کنند) و گروهی از ما و به سوی ما هستند، با امنیت ما آرامش می‌یابند و با ترس ما ترس‌اند، بذر(های کاشته نشده اسرار را) پخش نمی‌کنند و در برابر جفاکاران خودنمایی ندارند، اگر پنهان باشند، کسی سراغ آن‌ها را نمی‌گیرد و اگر آشکار باشند به آن‌ها اعتنا نمی‌شود (یعنی شهرت گریز و بی نام و نشانند) آن‌ها (بحقیقت) چراغ‌های هدایت اند(و راهنمایان خلق).»^۱

امروزه، نیز با درک صحیح از منشاء الهی ولایت فقیه که نیابت عام از امام معصوم است؛ می‌توان به وقایع اخیر که مقطعی، گذرا و البته حساس از تاریخ انقلاب اسلامی بود، نگریست و تحلیل نمود و می‌توان گفت: اساساً امتی که رهبری عادل، حکیم و متوکل علی الله دارد، به شرط پیروی دچار فتنه نشده و در صورت گرفتار شدن به فتنه از آن به خوبی و با موفقیت بیرون خواهد آمد.

«افراد مختلف در مقابل ولایت فقیه چند موضع دارند:

۱) گروهی اساساً ولایت فقیه را قبول ندارند و به آن اذعان هم می‌کنند که تکلیفشان

۱ المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۵۶

روشن است و مورد بحث ما نیستند.

۲) گروه دوم می‌گویند، ولایت فقیه را قبول دارند ولی با شخص ولی فقیه مشکل دارند؛ که باید گفت ایشان به گروه نخست می‌مانند؛ زیرا پس از تعیین مصداق خاص، در نیابت عام امام زمان (عج) توسط خبرگان، دیگر جای جدایی بین شخص و جایگاه نیست، مگر اینکه طبق ضوابط قانونی همان خبرگان مصداق را عزل و مصداق جدیدی معین کنند، که در این صورت، همان لزوم اطاعت از ولی فقیه جاری و ساری است.

۳) دسته سوم کسانی اند که اگرچه مطیع محض ولی فقیه اند ولی کمکی هم به اداره حکومت نمی‌کنند. مشورت نمی‌دهند، نظر خویش را ابراز نمی‌کنند و تنها نشسته اند تا حکم صادر شود و اطاعت کنند. این دسته اگرچه در مقام اطاعت خویش ماجورند، ولی خاصیتی هم برای حکومت اسلامی ندارند؛ چراکه هیچ گاه خود را در مظان مشورت قرار نمی‌دهند و تنها به تصدیق و تکرار آنهم نه از جنس گفتمان ساز آن می‌پردازند. اینان نه خود رشد می‌کنند، نه به رشد جامعه اسلامی کمک می‌نمایند.

۴) دسته چهارم کسانی اند که نه با اصل ولایت فقیه و نه با مصداقش مشکلی ندارند، ولی «نومن ببعض و نکفر ببعض» اند. یعنی پس از صدور دستور و انشای رأی قطعی ولی فقیه، در مواردی که خلاف میلشان و حتی استدلالشان باشد مقاومت می‌کنند و از اطاعت سرباز می‌زنند و پس از آن به توجیه رفتار خود می‌پردازند. یا خود را مجتهد سیاسی می‌دانند یا می‌خواهند ولی فقیه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند و یا...

۵) دسته پنجم کسانی اند که در امور حکومت داری، مشارکت می‌کنند. مشورت می‌دهند، ابراز نظر می‌کنند حتی گاهی نظری مخالف با نظر ولی فقیه دارند و آن را به صورت درست و به شکلی مشفقانه و بدور از جنجال و هیاهو به ایشان می‌رسانند تا مؤثر واقع شود. در بعضی موارد به دفاع از نظر خویش و استدلال در حقانیت آن در برابر ولی فقیه می‌پردازند. اما آنگاه که جایگاه رفیع و همه جانبه نگر و ذو ابعاد ولایت فقیه، پس از بررسی همه جوانب انشای حکم نمود، گردن می‌نهند و سمعاً و طاعتاً می‌گویند و در مقام عمل هم به اجرای حکم ایشان همت می‌گمارند و به تبیین و تشریح ضرورت اجرای آن حکم در جامعه می‌پردازند و زمینه بسط ید ولی فقیه در جامعه را فراهم می‌آورند، هرچند که ممکن است قانع نشده و هنوز هم در نکاتی دارای ابهام باشند.»

معنای ولایت پذیری:

در اصطلاح، ولایت به معنای سرپرستی است. این ولایت، ولایت تشریحی است. ولایت تکوینی در محدوده تشریح و تابع قانون الهی. زمانی که نظرات موجود با نظر ولی فقیه (رهبری)

یکی باشد، ولایت پذیری به طور کامل محقق نمی‌شود، بلکه ولایت پذیری زمانی اثبات می‌شود، که علی‌رغم تفاوت دیدگاه، تابع ولی فقیه بود و به نظرات ایشان تمکین کنیم. معنای ولایت پذیری واقعی نیز همین است؛ در غیر اینصورت کسی که هم نظر باشد و اطاعت کند هنر چندانی نکرده است؛ هنر واقعی از آن کسی است، که هم نظر نباشد ولی آنچنان اطاعت کند که گویا خود مبدع آن ایده و نظر بوده است. پس معنای ولایت‌پذیری را می‌توان این گونه بیان کرد: «ولایت‌پذیری به معنای تمکین از نظر ولی به هنگام اختلاف نظر است»^۱ هنگامی که مالک اشتر سردار سپاه امیرالمومنین^(ع) در جنگ با معاویه در آستانه پیروزی بود، خوارج امام علی^(ع) را تهدید به قتل کردند و از او خواستند حکمیت را بپذیرد و مالک را بازگرداند. هر چه امام آن‌ها را نصیحت کرد فایده نبخشید و خوارج بر خواسته خود پافشاری نمودند. تحت تهدید خوارج، امام علی^(ع) به مالک پیغام بازگشت داد، مالک از امام^(ع) فرصتی برای پیروزی قطعی خواست. امام مجدداً پیغام فرستاد که بازگرد؛ مالک علیرغم نظر خویش نظر امام را گردن نهاد و بازگشت. و این همان تمکین از نظر ولی به هنگام اختلاف نظر است.

فواید ولایت‌پذیری

ولایت‌پذیری دارای فواید بسیاری است؛ که از جمله آن‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- | | |
|---|---|
| ۱) استوانه اسلام | ۲) سنگ بنای نظام اسلامی |
| ۳) مایه عزت امت اسلامی | ۴) محور وحدت |
| ۵) محور ظلم ستیزی | ۶) نرفتن به بیراهه |
| ۷) مایه عزت مردم | ۸) موجب حفظ اقتدار کشور |
| ۹) موجب استیفای حقوق ملت | ۱۰) ترسیم کننده راه درست |
| ۱۱) شناساننده طرح‌های معاندان و منافقین | ۱۲) کمک در تشخیص حق از باطل |
| ۱۳) کمک در تصمیم‌گیری درست و به جا | ۱۴) کمک در افزایش بینش، درک و تشخیص مؤثر |
| ۱۵) کمک در تشخیص اهم و مهم | ۱۶) کمک در افزایش هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان |
| ۱۷) کمک در دشمن شناسی | ۱۸) کمک در افزایش آگاهی |
| ۱۹) کمک در تحلیل درست موقعیت‌ها | ۲۰) کمک در تشخیص تکلیف |
| ۲۱) کمک در شناخت شگردها و شیوه‌های تهاجم دشمن (۲۲) رمز پیروزی | |
- حضرت امام خمینی^(ع)، رمز پیروزی در مقابله با فتنه‌ها و توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی را این گونه بیان می‌فرمایند: «امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد آسیمی بر این مملکت نخواهد وارد شد»^۲

۱ همان

۲ صحیفه امام. جلد ۱۰. صفحه ۵۸

بخش سوم: وظایف و انتظارات از سرگروه

وظایف سرگروه‌ها را می‌توان در هفت بخش بیان نمود: وظایف نسبت به خود، نسبت به اعضا، نسبت به گروه، نسبت به پایگاه، نسبت به خانواده اعضا، نسبت به مربی، نسبت به سرمربی. این وظایف به صورت تفصیلی به شرح ذیل می‌باشد:

وظایف نسبت به خود

مسئول گروه در وهله اول در برابر خود مسئول بوده و وظیفه دارد مسیر کمال، تعالی و تربیت را زیر نظر یک مربی و استاد بگذراند و شانه خالی کردن از این وظیفه به بهانه‌های واهی چون ایفای مسئولیت در برابر جامعه و دیگران کاری است عبث و بی نتیجه، چرا که در امور تربیتی تا فرد خود در مسیر کمال نباشد نمی‌تواند سایرین را در این مسیر قرار داده و رهنمون دیگران شود. با این وصف مسئول گروه نسبت به رشد و ارتقای خود در حیطه‌های مختلف وظیفه دارد، که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱.۱. ارتقای سطح معنوی و تربیتی:

اولین و مهم‌ترین وظیفه مسئول گروه ارتقای معنوی و تربیتی خویش است که در زیر به برخی مولفه‌های آن اشاره شده است:

۱.۱.۱. مراقبه و محاسبه اعمال

۱.۱.۲. بهره‌گیری از یک ناظر بیرونی (مربی)

۱.۱.۳. حضور در مراسمات معنوی

۱.۱.۴. مطالعه در زمینه‌های معنوی و تربیتی

۱.۱.۵. تقویت اخلاص و رعایت تقوا

۱.۲. بصیرتی:

مسئول گروه در رسالت‌های عمده‌ای در زمینه داشتن و ایجاد بصیرت دارد، چرا که گروه بستری است مناسب برای تحقق این رسالت‌ها، تحقق این مهم بستگی به پرداختن مسئول گروه به برخی امور بصیرتی داشته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱.۲.۱. دشمن شناسی

۱.۲.۲. کسب آموزش و تحلیل سیاسی

۱.۲.۳. پی‌گیری اخبار جریانات و رخداد‌های سیاسی

۱.۲.۴. مطالعه در زمینه‌های بصیرتی

۱.۲.۵. پی‌گیری و تحلیل مواضع ولایت

۱.۲.۶. حضور در برنامه‌های سیاسی چون انتخابات و راهپیمایی‌ها

۱.۳. ارتقای توانمندی ها:

مسئول گروه وظیفه دارد برای حسن انجام وظیفه در این جایگاه و توفیق در ایفای نقش تربیتی برخی توانمندی‌ها را در خود تقویت نماید از جمله این توانمندی‌ها می‌توان به مهارت‌های ارتباطی، بیان و خطابه، شیوه‌های مطالعه، مواجهه بامشکلات، ورزشهای رز می‌و... اشاره نمود.

۱.۴. ارتقای سطح علم و آگاهی:

مسئول گروه در زمینه مسائل علمی، خود اولین مخاطب است به این معنی که می‌باید اهتمامی جدی در ارتقای این موضوع داشته باشد، برخی از مولفه‌های آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱.۴.۱. تقویت روحیه مطالعه در خود

۱.۴.۲. داشتن سیرمطالعاتی همه جانبه و پی گیری آن

۱.۴.۳. تلاش در جهت ارتقای تحصیلاتی چه در حوزة و چه در دانشگاه

۱.۴.۴. تحصیلات عالی داشتن

وظایف نسبت به اعضا

مسئول گروه در بسیج علاوه بر داشتن وظیفه نسبت به خود نسبت به اعضای گروه نیز وظایفی دارد که لازم است نسبت به آن‌ها هدف گذاری، برنامه‌ریزی و به درستی اجرا نماید که در زیر به برخی سرفصل‌ها و مولفه‌های آن اشاره می‌گردد:

۲.۱. ارتقای سطح معنوی و تربیتی

یکی از وظایف خطیر مسئول گروه پرداختن به ارتقای سطح معنوی و تربیتی اعضای گروه می‌باشد، در زیر به برخی از این وظایف اشاره می‌گردد:

۲.۱.۱. ترغیب اعضا به شرکت در نماز جماعت و حضور مستمر در پایگاه

۲.۱.۲. تذکر نسبت به واجبات و ترک محرمات

۲.۱.۳. بیان فضایل و ردائل اخلاقی

۲.۱.۴. شناسایی ظرفیتها و استعدادهاى تربیتی اعضا

۲.۱.۵. نظارت بیرونی از سوی مسئول گروه و تقویت نظارت درونی (خودکنترلی)

۲.۱.۶. مشاوره فردی

۲.۱.۷. ارائه الگوهای رفتاری (رفتارسازی محسوس)

۲.۱.۸. ارائه راه کارهای اخلاقی

۲.۱.۹. رصد رفتاری اعضا در شرایط مختلف از سوی مسئول گروه

۲.۲. ارتقای سطح علم و آگاهی:

علم و آگاهی از جمله مواردی هستند که لازم است در ایجاد و تقویت آن‌ها تلاش صورت پذیرد، مسئول گروه موظف است بر اساس سیر معرفتی نظام تربیتی بسیج به تقویت این عرصه پرداخته و برای پیشرفت تحصیلی اعضاء تلاش نماید. از اهم آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۲.۲.۱. پیگیری امور تحصیلی

۲.۲.۲. پژوهش و کار تحقیقی گروهی

۲.۲.۳. معرفت افزایی

۲.۲.۴. آموزشهای عقیدتی و معرفتی (در قالب دوره‌ها، جلسات و مباحثه)

۲.۲.۵. پاسخ به شبهات فکری و اعتقادی اعضاء

۲.۲.۶. ایجاد پیوندهای عاطفی با ولی فقیه با بیان سلوک و سیره امام خمینی^(ع) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۲.۳. بصیرت دهی و بصیرت افزایی:

روند تربیت در هر عرصه باید به نحوی باشد که اعضاء نسبت به مسائل سیاسی بی دغدغه نبوده و با بصیرت لازم، در عرصه‌های مختلف حضور یابند، که لازم است مسئولین گروه‌ها اعضای گروه خود را نسبت به این موضوع توجیه و ارتقاء دهند. برخی از وظایفی که مسئول گروه در زمینه ارتقاء سطح بصیرتی نسبت به اعضاء دارد موارد زیر است:

۲.۳.۱. اطلاع رسانی نسبت به وقایع و حوادث، بررسی و تحلیل جریانات و رخدادهای سیاسی

۲.۳.۲. بیان جایگاه و نقش ولایت فقیه در انقلاب اسلامی و ثبات آن

۲.۳.۳. تحلیل بیانات و مواضع ولایت جهت ایجاد و تقویت روحیه ولایتمداری

۲.۳.۴. بیان ریشه‌های استکبار در تاریخ و نتایج و آثار منفی آن در سده‌های گذشته به ویژه در دوره معاصر

۲.۳.۵. تبیین مفهوم انقلاب، چرایی و اصول آن و مسئله صدور انقلاب و ترسیم چهره‌ی چند بعدی از انقلاب

۲.۳.۶. آموزش تحلیل و بررسی صحیح مسائل و جریانات سیاسی

۲.۳.۷. دشمن شناسی

۲.۳.۸. ارائه شیوه‌های بررسی و تحلیل این حوزه و اصول بصیرت دینی در قرآن و آموزه‌های دینی

۲.۴. ارتقای توانمندی‌ها:

اعضای گروه باید توانمندی‌های مختلف و مورد نیاز را دارا باشند، مهم‌ترین این توانمندی‌ها که

در زندگی فردی اعضاء و زندگی اجتماعی قابل استفاده می‌باشد (توان مدیریت بر خویشتن و تسلط بر نفوس) است، البته برخی مهارت‌های دیگر نیز مورد نیاز هستند، که در زیر به برخی موضوعات اشاره شده است:

۲.۴.۱. مهارت افزایشی تخصصی در حوزه عرصه نقش آفرینی مرتبط

۲.۴.۲. مهارت افزایشی‌های مهارتی و مدیریتی در راستای کادرسازی

۲.۴.۳. به کارگیری اعضاء در مسئولیت‌های درون گروهی و برون گروهی

۲.۵. انگیزش اعضاء:

مسئول گروه باید با به کارگیری شیوه‌های مختلف نسبت به انگیزش اعضاء، موضوعات مختلفی چون رشد و تعالی خود، برنامه‌های بسیج و... اقدام نماید، برخی از موارد آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۲.۵.۱. ایجاد تقویت انگیزه

۲.۵.۲. ایجاد رقابت سالم میان اعضاء گروه

۲.۵.۳. تشویق (به موقع و مناسب)

۲.۵.۴. رفع شبهاتی که مانع حرکت و تلاش فرد می‌شوند.

۲.۵.۵. پیش‌گیری از بی‌انگیزگی و رفع موانع و چالش‌ها

همان‌گونه که برای مسئول گروه در قبال یکا یک اعضاء وظایفی برشمرده شده است، او در قبال کل گروه نیز وظایفی دارد، که ایفای این وظایف از طرف مسئول گروه و اعضاء می‌تواند منجر به تقویت گروهی شود، به برخی از این وظایف اشاره می‌کنیم:

وظایف نسبت به گروه

۳.۱. ارتقای سطح معنوی و تربیتی:

فضای گروه باید فضایی مناسب برای تقویت معنویت و رسیدن به اهداف تربیتی باشد تا موجبات ایجاد انگیزه و رقابت سالم برای اعضاء را فراهم آورده و بتوانیم اعضای گروه را در مسیر کمال الهی قرار داده و به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم، که برخی از این موارد که در صورت پی‌گیری مناسب می‌تواند موجبات دستیابی به این اهداف را سرعت بخشد اشاره می‌کنیم:

۳.۱.۱. برنامه‌ریزی و برگزاری برنامه‌های گروهی پیش‌گفته و تعریف شده

۳.۱.۲. دعوت و استفاده از اساتید اخلاق

۳.۱.۳. رفتارسازی

۳.۲. ارتقای دانش، آگاهی و توانمندی‌ها:

این مهم برعهده مسئول گروه است لکن می‌تواند به صورت موردی از روحانیون، اساتید و

یادگاران دفاع مقدس و متخصصین در موضوعات مقرر (شرح در موضوعات) دعوت به عمل آورده موجبات ارتقاء دانش، آگاهی و توانمندی گروه را فراهم آورند که از جمله این برنامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۳.۲.۱. برنامه‌ریزی و برگزاری برنامه‌های گروهی در این راستا

۳.۲.۲. برگزاری برنامه‌هایی در راستای تحقق اهداف مهارتی

۳.۳. اداره گروه:

مسئول گروه برای اداره گروه و انسجام شکلی و ماهوی آن دارای وظایفی است که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌نماییم:

۳.۳.۱. برنامه‌ریزی متناسب با اهداف تربیتی

۳.۳.۲. استفاده از روش‌های تربیتی در اداره گروه

۳.۳.۳. حفظ انسجام گروه

۳.۳.۴. تقسیم کار بین اعضاء

۳.۳.۵. برگزاری، کمک و نظارت بر اجرای برنامه‌های گروهی

۳.۳.۶. ایجاد انس و الفت بین اعضاء

۳.۳.۷. تشویق گروهی

۳.۳.۸. پی‌گیری جهت تأمین بخشی از هزینه‌های گروه

مسئول گروه به عنوان جزئی از پایگاه مقاومت می‌باشد که زیر نظر و با هدایت مسئول پایگاه فعالیت می‌کند و دارای وظایف عمده‌ای در قبال آن است، که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

وظایف نسبت به پایگاه

۴.۱. ارتباط و هماهنگی:

مسئول گروه موظف است کاملاً براساس چارچوب‌های تعیین شده از سوی سلسله مراتب در پایگاه مقاومت فعالیت نموده و گزارش فعالیت‌های خود را به مسئولین خود در پایگاه ارائه نماید که در این صورت می‌توان، ارتباط و هماهنگی با پایگاه را از جمله وظایف مسئول گروه دانست که، در زیر به برخی مصادیق آن اشاره گردیده است:

۴.۱.۱. انجام وظایف و مأموریت‌های محوله از سوی پایگاه

۴.۱.۲. دریافت رهنمودهای تربیتی و مشاوره مستمر با مسئولین و سلسله مراتب در پایگاه

۴.۱.۳. مستند سازی فعالیت‌های گروهی

۴.۱.۴. گزارش دهی به سلسله مراتب

۴.۱.۵. شرکت در جلسات پایگاه در موعد مقتضی

۴.۱.۶. ارتباط مستمر با مسئولین پایگاه

۴.۱.۷. ارائه برنامه گروهی سالیانه به طرح و برنامه پایگاه و اجرا پس از تصویب

۴.۲. مشارکت در برنامه ها:

از آنجا که اعضای گروهها همان اعضای پایگاه مقاومت هستند، لذا حضور، استقبال و اجرای پرشور اعضای گروهها برای کسب موفقیت پایگاه از دیگر وظایف مسئول و اعضای گروهها در پایگاه می‌باشد که از جمله این وظایف می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۴.۲.۱. آموزش اعضاء نسبت به مسئول بودن در قبال سلسله مراتب و نظام اسلامی ایران نه صرفا در قبال مسئول گروه

۴.۲.۲. ترغیب و پیگیری اعضاء برای انجام وظایف و مأموریت‌های محوله

۴.۲.۳. ترغیب اعضاء برای شرکت در برنامه‌های عمو می‌پایگاه

۴.۲.۴. پیشسازی مسئول گروه در حضور و شرکت در برنامه‌های پایگاه

وظایف

نسبت به خانواده

همراهی خانواده اعضاء یکی از ارکان موفقیت در اجرای بهتر و سریع تر تربیت تشکیلاتی است و لازم است مسئول گروه برای تحقق این همراهی امور زیر را انجام و این قبیل امور را مد نظر قرار دهد:

۵.۱. کمک به حل برخی مشکلات فرهنگی خانواده:

حضور فرد در گروه‌های بسیج به عنوان عضو می‌تواند مقدمه‌ای برای حل مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها در کوتاه مدت و بلند مدت باشد.

۵.۲. استفاده از ظرفیت اعضای خانواده در حل برخی مشکلات افراد:

شناسایی و حل برخی مشکلات روحی و رفتاری اعضاء در محدوده محیط پایگاه و گروه امکان پذیر نبوده، و باید از ظرفیت حضور فرد در خانه و خانواده استفاده نمود. این مهم با بهره‌گیری از ظرفیت خانواده‌ها امکان پذیر است. که مسئول گروه با استفاده از این ظرفیت می‌تواند در حل برخی مشکلات اعضاء از آن بهره مند شود.

۵.۳. آشنا نمودن خانواده با آسیب‌های اجتماعی:

بروز بسیاری از مشکلات روحی و رفتاری از عدم آشنایی خانواده‌ها از آسیب‌های اجتماعی نشأت می‌گیرد. با آگاهی بخشیدن به خانواده‌ها در این خصوص می‌توان از بروز برخی مشکلات فرهنگی. مثل مشکلات وجود ماهواره در خانه و یا استفاده بدون محدودیت و بی رویه از اینترنت و... توسط اعضاء خانواده جلوگیری نمود.

يکي از وظايف سرگروه هماهنگي کامل با مربی خود است چون یک سرگروه علاوه بر تربيت ديگران خود نيز نياز به تربيت دارد از اين رو لازم است خود او در گروه سرگروهها عضو بوده ومسائل فردی، گروهی و.... را با مربی در میان بگذارد. اهم وظايف سرگروه نسبت به مربی:

وظايف نسبت به مربی

- ۶.۱. شرکت در جلسات گروه سرگروهها به مدیریت مربی
- ۶.۲. ارايه گزارش از آخرين وضعیت گروه به مربی
- ۶.۳. اخذ راهکارها و تدبیرات مربی جهت ارتقا ک می و کیفی گروه
- ۶.۴. مشاوره فردی جهت رشد خود با مربی نسبت به عرصه‌ای که گروه در آن فعالیت دارد
- ۶.۵. شرکت در جلسات تربیتی و کاری جهت هماهنگی
- ۶.۶. ارايه گزارش از روند گروه به مدیر تخصصی پایگاه
- ۶.۷. تبادل نظر با ساير سرگروهها جهت ارتقا سطح ک می و کیفی گروهها
- ۶.۸. شرکت در جلسات برنامه‌ريزی واحد

- ۷.۱. شرکت در جلسات سرمربی که توسط مربی هماهنگ می‌شود
- ۷.۲. اخذ سياستها و راه کارها و برنامه‌ريزی مطابق آن برای گروه

وظايف نسبت به سرمربی

فصل دوم:
مربی





بخش اول: تعریف مربی

تعریف مربی صالحین

فردی است با تجربه و آشنا به مبانی و اصول و مسلط به روش‌های تربیتی که توانایی اداره و رشد و ارتقای گروه سرگروه‌ها را دارد.

بخش دوم: ویژگی‌های مربی

مربیان تربیتی به دلیل اینکه رکن بالاتر از سرگروه‌ها محسوب می‌شوند قطعاً می‌بایست تمامی ویژگی‌های آنها را به صورت اشد و عمیق‌تر داشته باشند. لذا از تبیین تفصیلی این ویژگی‌ها عبور می‌کنیم. بر این اساس شاخص‌های شناسایی مربیان در طرح صالحین به شرح ذیل ابلاغ گردیده است:

الف) شرایط عمومی:

- معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
- اعتقاد قلبی و عملی به ولایت مطلقه فقیه
- التزام عملی به دین مبین اسلام
- دارای انگیزه و علاقه لازم به منظور تربیت نیروی انسانی
- تأیید امنیتی مراجع ذیصلاح

ب) شرایط تربیتی:

- آشنا به مبانی و اصول تربیتی
- مسلط به روش‌های تربیتی
- داری قدرت تشخیص آسیب‌ها و آفت‌های تربیتی

ب) شرایط معرفتی

- آشنایی تفصیلی به مبانی و اصول تفکر اسلامی

ج) شرایط بصیرتی

- انقلابی و ولایی بودن
- قدرت تشخیص صحیح جریان‌ات فکری، سیاسی و انقلابی
- حضور در صحنه جهت دفاع از آرمان‌های حضرت امام خمینی^(ع) و مقام معظم رهبری

(مدظله‌العالی)

د) شرایط مدیریتی و مهارتی

- سابقه کار تربیتی و گروه داری
- قدرت برقراری ارتباط و حرکت بخشی در مسائل تربیتی

- توان برنامه ریزی مدیریتی و نظارت بر سرگروه‌ها و گروه‌های تربیتی
- توانایی کادرسازی و پرورش کادر

ه) شرایط اجتماعی

- قدرت مخاطب شناسی
- قدرت اقناع
- فن بیان

و) شرایط علمی

- حداقل لیسانس یا سطح ۲ حوزه یا اشتغال به رسائل و مکاسب

ز) شرایط معنوی

- دارای شخصیت متعادل جهت الگوگیری تربیتی
- معتقد به لزوم پیشرفت معنوی
- اهل مشورت و همفکری
- دارای سعه صدر
- آشنا به شرایط خانواده‌های محروم و فقیر

بخش سوم: وظایف و انتظارات از مربی

۱- بررسی و تایید شرایط تخصصی مربیان

وظایف

نسبت به سرگروه‌ها

سرگروه‌ها یکی از مهم‌ترین ارکان طرح صالحین می‌باشند که یک مربی برای تشکیل گروه سرگروه‌ها می‌بایست قبل از تشکیل گروه، سرگروه‌ها را بر اساس فرم ارزشیابی ابلاغی از سازمان بسیج مورد بررسی قرار داده و در صورتی که شرایط لازم احراز گردد از آنان برای اداره گروه متربیان دعوت بعمل آورد

۲- تبیین روش‌های تربیت اسلامی، معرفت افزایی و بصیرت افزایی برای سرگروه‌ها

از آنجائی که لازم و ضروریست مباحث تربیتی و معرفتی، بصیرتی با روش‌ها و شیوه‌های علمی به روز کار آمد به مخاطب ارائه شود، وظیفه مربی است که این روش‌ها را برای سرگروه‌ها تبیین نموده تا در گروه متربیان بکارگیری نمایند. روش‌ها و شیوه‌های این امر مهم تفصیلاً خواهد آمد.

۳- پاسخ گویی مستقیم به سوالات و شبهات سرگروه

یکی از وظایف مهم مربی رصد و دستیابی به سوالات و شبهات معرفتی، تربیتی و بصیرتی و مهارتی سرگروه‌ها می‌باشد که باید در گروه مربوطه به صورت حضوری و در فضای کاملاً

دوستانه از مربی پرسیده و مربی هم موظف است پاسخ قانع کننده ارائه دهد.

سوالات سرگروه‌ها دو نوع است:

الف) سوالاتی که برای خود سرگروه در عرصه‌های معرفتی، تربیتی، بصیرتی، مهارتی ایجاد می‌شود.

ب) سوالاتی که برای اعضاء گروه تربیتی متربیان در عرصه‌های فوق الذکر ایجاد می‌شود. پاسخگویی مربی باید بصورت مستقیم و بدون واسطه باشد تا انتقال پاسخ‌ها بدون هیچ گونه انحراف و کم و کاستی انجام شود.

۴- ارزشیابی مستمر سرگروه‌ها به لحاظ حفظ صلاحیت‌های مربوطه

ارزشیابی از سرگروه‌ها به این معنی است که بررسی شود آیا سرگروه هنوز شرایط لازم و صلاحیت‌های مورد نیاز برای سرگروه بودن را دارد یا خیر؟

پیشنهاد می‌شود که مربی بصورت ماهانه و قبل از فرا رسیدن زمان تشکیل گروه تربیتی سرگروه‌ها ارزشیابی را انجام دهد تا بتواند در جلسه اشکالات موجود را رفع و اشکالات احتمالی را پیش‌گیری نماید.

لازم است نتایج ارزشیابی جهت استمرار بخشیدن و تداوم گروه بصورت منظم ثبت گردد.

کنترل و ارزشیابی به دو صورت انجام می‌شود:

الف) **حضوری:** منظور از حضوری آن است که مربی از گروه‌ها بصورت مستمر و منظم بازدید بعمل آورده و با جلسات پرسش و پاسخ و مشاهده عینی از عملکرد سرگروه و گروه، روند رشد آنان را رصد نموده و بصورت مستند برای بهره‌برداری لازم ثبت نماید.

ب) **غیر حضوری:** مربی می‌تواند بصورت غیر حضوری از روش‌های زیر برای نظارت و کنترل اقدام نماید:

۱) با استفاده از فرم‌ها و کاربرگ‌های مناسب اطلاعات را از سرگروه‌ها یا افراد مرتبط دریافت نماید. (چک لیست)

۲) مربی می‌تواند از افراد مرتبط و مطلع آخرین وضعیت سرگروه و گروه را بررسی نماید.

۳) پیگیری و پیاده‌سازی شاخصه‌های مناسب برای ارزشیابی سرگروه‌ها بر اساس ابلاغیات سازمان بسیج

۵- تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و رشد فکری سرگروه‌ها (تربیت عقلانی)

باید توجه داشت که هدایتها و راهنمایی‌های مربی نسبت به سرگروه نباید وی را بعنوان مصرف کننده بار آورد بلکه مربی موظف است قدرت تجزیه و تحلیل و رشد فکری سرگروه را تقویت کرده تا وی بتواند هوشمندانه در گروه متربیان با تکیه بر قدرت و رشد خود، قوی و

توانمند به فعالیتهای خود پیش ببرد. لازم به یاد آوری است که راههائی برای تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و رشد فکری وجود دارد که برخی موارد پیشنهاد می‌گردد:

(۱) تمرین

(۲) مشاهده عینی و حسی

(۳) ارتقاء علمی

(۴) ارتباط با بزرگان

۶- هدایت سرگروهها در پیشبرد رسالت و وظایف محوله

مربی با مراجعه به شرح وظایف سرگروه و با مشورت با سرمربی و هماهنگی‌های لازم با دست اندرکاران و مسئولین مربوطه جهت تحقق رسالت و وظایف سرگروه اقدامات و موثر را انجام می‌دهد.

مهم‌ترین وظیفه مربی نسبت به سرگروه‌های گروه‌های متربیان (که عضو گروه تربیتی وی می‌باشند) هدایت و رشد و تکامل علمی و عملی آنان می‌باشد، لذا مربی موظف است طبق شرح وظایفیکه برای سرگروه در طرح صالحین معین شده است وی را راهنمایی کرده تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری نموده و با محور قرار دادن تربیت به جهت ارتقاء سطح علمی و معنوی آنان اقدامات لازم را انجام دهد.

۷- نظارت بر عملکرد سرگروهها و روند تحقق صحیح اهداف طرح

جهت نظارت بر عملکرد سرگروهها و روند تحقق صحیح اهداف طرح صالحین موارد ذیل باید رعایت شود.

(۱) بدیهی است که مربی در طول سال و به صورت منظم و مستمر و طبق تقویم زمان بندی شده باید عملکرد سرگروهها و روند تحقق اهداف طرح صالحین را مورد کنترل و نظارت قرار دهد تا بتواند برای گروه و اعضای آن به موقع صحیح تصمیم گیری نماید.

(۲) جهت تحقق صحیح اهداف طرح صالحین که از جمله اهداف مهم آن کادر ساری است می‌توان از موارد ذیل استفاده نمود:

۱. تهیه و تقویم زمانبندی شده جهت نظارت و کنترل عملکرد سرگروه.

۲. فراگیری روش‌های نظارت و کنترل

۳. تهیه پرونده ثبت سوابق

۴. پی گیری موارد ثبت شده تا حصول نتیجه

وظایف نسبت به گروه سرگروه ها

- ۱- تشکیل و اداره گروه سرگروه‌ها و رشد و تکامل تربیتی، معرفتی، بصیرتی، مهارتی و تقویت انگیزه آنها
- ۲- پیاده سازی شاخصها و معیارهای اندیشه حضرت امام(ع) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) در فعالیتهای تربیتی گروه ها، سرگروه‌ها و تعمیم آن به گروه متربیان

منابع فراوانی از مباحث معرفتی، تربیتی و بصیرتی در اندیشه‌های حضرت امام(ع) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) یافت می‌شود، لذا مربی موظف است از اندیشه آنان مهم‌ترین شاخصها و معیارهای تربیتی را استخراج نموده و برای تربیت سرگروه‌ها و متربیان در فعالیتهای تربیتی با هدف رفتار سازی استفاده نماید.

- ۳- آسیب شناسی تربیتی، معرفتی، بصیرتی گروه‌های تربیتی سرگروه‌ها و متربیان و ارائه راهکارهای برون رفت از آنها برای آسیب شناسی تربیتی می‌بایست به جزوه آسیب شناسی مربی رجوع شود

وظایف نسبت به متربیان

- ۱- بالا بردن سطح اخلاقی، معرفتی و بصیرتی از طریق سرگروه
- ۲- نظرات بر سیر محتوایی گروه سرگروه‌ها و رشد فردی متربیان از طریق سرگروه
- ۳- پاسخگویی و رفع شبهات تربیتی، معرفتی، بصیرتی متربیان با استفاده از معین‌های معرفتی، بصیرتی و سایر امکانات
- ۴- آسیب شناسی تربیتی، معرفتی و بصیرتی گروه‌های تربیتی سرگروه‌ها و متربیان و ارائه راهکارهای برون رفت از آنها

وظایف نسبت به متولیان امر تربیت

- ۱- همکاری، هماهنگی و همفکری با متولیان امور فرهنگی در راستای اجرای برنامه‌های تربیتی و فرهنگی
- ۲- ارتباط و تعامل سازنده با ائمه جمعه و علمای موثر در امور تربیتی و بصیرتی
- ۳- ارتباط و تعامل سازنده با امام جماعت و فرمانده پایگاه و سایر متولیان مسجد جهت آماده سازی مسجد در امور تربیت
- ۴- تکیه بر مسجد بعنوان محور فعالیتهای تربیتی نسل جوان

وظایف نسبت به طرح صالحین

۱- کمک به ایجاد بستر مناسب برای تحقق طرح صالحین

مهم‌ترین بستر مناسب برای تحقق طرح صالحین رفتار سازی تربیتی می‌باشد. ایجاد برخی از زمینه‌های لازم جهت تحقق طرح صالحین را به شرح زیر متذکر می‌شویم.

الف: جذب نیروهای دارای شرایط برای مسئولیت سرگروهی

ب: رشد و تکامل سرگروه‌ها.

ج: تلاش در جهت تقویت انگیزه سرگروه‌ها

د: جذب اعضاء مستعد جهت کادرسازی زود بازده

هـ: آسیب شناسی به موقع و اقدام سریع جهت رفع آنها

و: ارزشیابی مستمر

ز: تعامل با فرمانده پایگاه، امام جماعت مسجد، هیات امناء مسجد و ارگانهای مرتبط

ح: تسلط به وظایف محوله و محقق ساختن آنها با مهارتهای متناسب با هر کدام.

۲- شناسایی سرگروه‌های مستعد و ارتقاء آنها تا سطح مربی در طرح صالحین

باید توجه داشت که هدف نهایی در تحقق طرح صالحین کادرسازی بوده، لذا مربی در فرایند اداره گروه، سرگروه‌های مستعد را شناسایی کرده و آنها را با قصد تربیت مربی ارتقاء داده تا در آینده به عنوان مربی گروه‌های تربیتی سرگروه‌ها بکار گیری شوند. سرگروه‌ها می‌توانند به چند صورت شناسایی شوند:

الف: از درون گروه سرگروه‌ها

ب: از درون گروه تربیتی متریان.

ج: و از بیرون گروه‌های تربیتی.

منظور از ارتقاء آن است که در صورتی که شرایط لازم را نداشته سعی کند شرایط را برای ایشان محقق نموده و با تربیت و آموزش‌های لازم وی را برای دریافت مسئولیت مربی گری آماده نماید.

وظایف نسبت به سایر مربیان

۱- ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در فعالیت‌های تربیتی

۲- همکاری و مساعدت در اجرای برنامه‌های یکدیگر

۳- تبادل تجربیات در روش‌های اداره گروه سرگروه‌ها به روش مطلوب

۴- تهیه سیر محتوایی متناسب با شرایط سنی، تحصیلاتی،

سرگروه‌ها با مشورت سایر مربیان

۵- شرکت فعال و موثر در گروه مربیان و دریافت اعمال سیاست‌ها و تدابیر سرمربی مربوطه

وظايف نسبت به سازمان

۱- هماهنگی و ارتباط لازم با رده مربوطه در سازمان بسیج

منظور از رده مربوطه برای مربی گروه‌های تربیتی سرگروه‌ها، پایگاه مقاومت و حوزه مقاومت می‌باشند. لازم و ضروری است مربی با فرمانده و مسئول طرح صالحین پایگاه مقاومت هماهنگی و ارتباط موثر داشته باشد. منظور از هماهنگی و ارتباط لازم با رده مربوطه، ارتباطات سازمانی بوده و مربی جهت محتوا و کیفیت افزائی گروه‌ها باید با سرمربی هماهنگ باشد. ارتباطات سازمانی از قبیل:

الف) هماهنگی جهت سرکش مسوولین سازمانی از فعالیتهای انجام شده

ب) ارائه گزارشاتی که سازمان نیاز دارد

ج) توجه به انجام مقدمات جهت برگزاری مراسمات، اردوها و برنامه‌های ابلاغی و... از قبیل مسائل امنیتی، درمانی، اعتبارات اماکن مورد نیاز و...

وظايف نسبت به سرمربی

۱- شرکت فعال و موثر در گروه مربیان و دریافت و اعمال سیاست‌ها و تدابیر سر مربی مربوطه

همانگونه که یک مربی از سرگروه‌ها انتظار دارد به صورت منظم و فعال در گروه شرکت نمایند وی هم می‌بایستی به همین صورت در گروه مربیان و در نزد سرمربی حضور یافته تا بتواند سیاستها و تدابیر مورد نیاز را از ایشان دریافت کرده و در گروه سرگروه‌ها اعمال نماید. البته این بدان معنا نیست که مربی حق نداشته باشد با دیگران مشورت و یا نظر خواهی نماید بلکه او می‌تواند با هماهنگی و تایید سرمربی به این کار اقدام نماید. سیاستها و تدابیر سرمربی بر اساس رسالت، حیطة و وظایف سرمربی در موارد ذیل انجام می‌پذیرد:

الف: تربیت و رشد مربیان

ب: تربیت و رشد سرگروه‌ها

ج: تربیت و رشد متربیان

یکی از اهداف دنبال شده در این بخش پرهیز از سلیقه ای عمل نمودن می‌باشد. از آنجایی که طرح صالحین دارای سیاستها و تدابیر کلانی است که در راس آن مرکز تولید اندیشه بوده و تمام ارکان شجره می‌بایستی از همان سیاستها - بیروی نمایند لذا مربی گروه سرگروه‌ها باید در گروه مربیان حضور فعال و موثر داشته باشد تا شجره گرفتار دوگانگی نشود.

۲- تعامل و ارتباط سازنده، مستمر و موثر با سرمربی مربوطه

فقط ارتباط دوستانه داشتن با سرمربی کافی نیست بلکه باید این ارتباط تاثیر گذار تربیتی

داشته باشد. مستمر بوده تعامل به این معنی است که مقطع زمانی خاص نباشد، بلکه همیشگی و تداوم داشته باشد.

نشانه‌های تعامل و ارتباط:

۱- مشورت

۲- بکارگیری راه کارهای سرمربی

۳- ارائه گزارش به صورت مستمر و منظم

۴- شرکت نمودن مستمر در گروه مربیان

فصل سوم:
سرمری





بخش اول: تعريف سرمربی

تعريف سرمربی صالحين

سرمربی فردی است مجرب، دارای بصیرت، ولایی، انقلابی، تکلیف‌گرا، آشنا به مبانی، اصول و مسلط به روش‌های تربیت اسلامی که رسالت هدایت، رشد و تکامل علمی و عملی مربیان را عهده‌دار می‌باشد و پس از استادیار مسئول هدایت و رهبری ۱۰ تا ۲۰ مربی در سطح مساجد می‌باشد.

بخش دوم: ویژگی‌های سرمربی

ویژگی‌های سرمربیان در طرح صالحین شباهت بالایی به ویژگی‌های استادیاران دارد لذا تفصیل این ویژگی‌ها در فصل آتی قابل دستیابی است. ریشه این مساله به سطح این دو لایه و همچنین انتظارات مشابه از آن‌ها باز می‌گردد.

۱. معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
۲. اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه
۳. دارای روحیه و بینش ولایی و انقلابی
۴. دارای مقبولیت مردمی و حسن سلوک اجتماعی
۵. دارای انگیزه و توانایی رشد و ارتقاء مربی
۶. آشنا به مبانی انسان‌شناسی اسلامی
۷. مسلط به مبانی معرفت دینی و اصول و روش‌های تربیت اسلامی
۸. مسلط به آسیب‌شناسی تربیتی و ارائه راهکارهای برون رفت از آنها
۹. قابلیت الگو بودن در امور معنوی
۱۰. توانایی هدایت‌گری تربیتی و رفتاری
۱۱. دارای شناخت و قدرت تحلیل و روشنگری جریان‌های سیاسی
۱۲. تسلط لازم به مبانی اندیشه حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
۱۳. دارای توان تأثیرگذاری و ایجاد انگیزه مثبت در دیگران
۱۴. دارای روحیه جهادی و انقلابی
۱۵. معتقد به لزوم پیشرفت معنوی در محضر یک استاد
۱۶. دارای روحیه ساده زیستی و فاقد روحیه تجمل‌گرایی و اسراف
۱۷. حداقل دارای مدرک سطح ۲ حوزه علمیه

بخش سوم: وظایف و انتظارات از سرمربی

۱. بررسی و تأیید شرایط تخصصی مربیان؛
۲. تشکیل و اداره حلقه مربیان و رشد و تکامل تربیتی، معرفتی، بصیرتی، مهارتی و تقویت انگیزه مربیان؛
۳. تبیین مبانی انسان شناسی اسلامی برای مربیان و برای سرگروه‌ها به اقتضاء؛
۴. تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اسلامی، معرفت دینی و بصیرت سیاسی برای مربیان و برای سرگروه‌ها به اقتضاء؛
۵. تطبیق برنامه‌ها و فعالیت‌های طرح صالحین با شاخص‌ها و معیارهای اندیشه حضرت امام (قدس) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و انتقال آن به مراجع ذی‌ربط (ارکان تربیتی و مدیریتی طرح صالحین)؛
۶. هدایت مربیان در پیشبرد رسالت و وظایف محوله؛
۷. پاسخگویی مستقیم به سؤالات و شبهات مربیان و سرگروه‌ها به اقتضاء؛
۸. جریان‌سازی و ایجاد بستر مناسب برای تحقق طرح صالحین؛
۹. نظارت بر عملکرد مربیان و روند تحقق صحیح اهداف طرح صالحین؛
۱۰. شناسایی مربیان مستعد و ارتقاء آنها تا سطح سرمربی و معرفی به استادیار؛
۱۱. آسیب شناسی تربیتی، معرفتی، بصیرتی و حتی مهارتی حلقه‌های تربیتی مربیان، سرگروه‌ها و متربیان و ارائه راهکارهای برون رفت از آنها؛
۱۲. ارزشیابی مستمر مربیان به لحاظ حفظ صلاحیت‌های مربوطه؛
۱۳. شرکت فعال و موثر در برنامه‌های حلقه‌ی سرمربیان و دریافت و اعمال سیاست‌ها و تدابیر استادیار مربوطه؛
۱۴. مسئولیت برگزاری هیئت عاشقان ولایت در سطح حوزه؛
۱۵. هماهنگی و ارتباط لازم با رده‌های سازمان بسیج مستضعفین.

فصل چہارم: استاديار





بخش اول: تعريف استاديار

تعريف استاديار صالحين

استاديار فردی است فاضل، بصيرت بخش، ولايي، انقلابي، تکليف گرا و مسلط به مباني، اصول و روش های تربيت اسام که رسالت هدايت، رشد و تکامل علمی و عملی سرمربیان را عهده دار بوده و پس از استاد، مرجع تربيتی طرح صالحين در سطح ناحیه و شهرستان مربوط بوده و مسؤليت هدايت ۱۰ تا ۲۰ سرمربی را قبول می کند.

بخش دوم: ویژگی های استاديار

استادياران در طرح صالحين نقشی خاص و مهم ایفا می نمایند. ارتباط مستقيم ایشان با اساتيد در گروه استادياران امکان دريافت مستقيم سياست های کلان و راهبردهای اصلی طرح صالحين را برای ایشان فراهم آورده است. ایشان هم چنین به عنوان هدايت گر گروه سرمربیان، از طرفی نقش انتقال این سياست ها و راهبردها به این گروه و از طرف دیگر با رصد و پیگیری رشد و ارتقاء سرمربیان نقش مدیریت عملیاتی شدن سياست ها در شبکه تربيتی صالحين را به عهده دارند.

در این میان توجه به جامعه مخاطب یک استاديار در سطح ناحیه، بر اهميت کار یک استاديار می افزاید. یک استاديار به طور مستقيم با حدود ۲۰ نفر سرمربی که دارای مدرک سطح ۲ حوزه و یا کارشناسی از دانشگاه می باشند، مرتبط می باشد و به رفع نیازهای معرفتی، تربيتی، بصيرتی و مهارتی ایشان می پردازد. وی همچنین به صورت غیرمستقيم با حدود ۵۰۰۰ نفر متربی^۱ در سطح ناحیه مرتبط بوده و برای رشد ایشان در چهار عرصه مذکور، برنامه ریزی می نماید.

ایفای این نقش مهم و اثرگذار در شبکه تربيتی صالحين، استادياران را ناگزير از احراز شرایط و ویژگی های اختصاصی می نماید. اگرچه در بدو تصدی این مسؤليت، بررسی احراز این شرایط بر عهده استاد محترم قرار گرفته است، اما لازم است استادياران با اطلاع از این شرایط و در نظر داشتن آن ها، بر تثبيت و تعمیق آن ها در خویش ممارست داشته باشند.

۱ هر ناحیه، به طور متوسط، دارای ۱۰ حوزه می باشد و هر حوزه به طور متوسط، ۱۰ پایگاه بسیج را تحت پوشش خود دارد. که بر این اساس، هر ناحیه تقریباً ۱۰۰ پایگاه بسیج را شامل می شود. اگر در هر پایگاه ۵ سرگروه و هر سرگروه با ۱۰ متربی در ارتباط باشد، در مجموع در هر پایگاه ۵۰ متربی خواهیم داشت که با ضرب این عدد در تعداد پایگاه های هر ناحیه، هر ناحیه، ۵۰۰۰ متربی را در برخواهد داشت، که این تعداد، مخاطب غیر مستقيم یک استاديار در سطح ناحیه می باشد.

۱. اعتقاد قلبی به نظام جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه

ولایت فقیه در امتداد ولایت پیامبر اسلام و ائمه معصومین^(ع) می‌باشد. پیشوایی و رهبری مورد نظر اسلام بر جامعه، ریشه در ولایت اهل بیت^(ع) دارد. رهبری، فقیهی جامع‌الشرایط، آگاه به زمان، مدیر، مدبر، بصیر، جهادی و انقلابی که به پیامبر و اهل بیت^(ع) اقتدا نموده است.

در عصر حاضر و غیبت معصوم نمی‌توان بدون تبعیت از ولایت فقیه، در پهنه اطاعت از امام معصوم سربلند شد. امام زمان در توقیع خویش می‌فرماید: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»

اعتقاد قلبی به نظام جمهوری اسلامی و نیز روحیه و بینش ولایی و انقلابی برای دفاع از این نظام انقلابی، به همراه التزام علمی و عملی به ولایت مطلقه فقیه حاکم بر این نظام، از اولین ضرورت‌های یک استادیار در مدیریت راهبردی طرح صالحین به شمار می‌رود. تنها در جامعه‌ای که ولایت فقیه در همه شریان‌های حساس آن جریان دارد و همه افراد وارگان‌های آن گوش به فرمان ولی زمانه هستند، بستر تربیت و انسان‌سازی به سرانجام حقیقی خود می‌رسد.

اگر خط ولایت فقیه گم یا فراموش شود، مسیر تربیت به گمراهی می‌انجامد و حتی ممکن است قشر تحصیل کرده، روشنفکر و روحانیون جامعه به خطا بروند. این اعتقاد می‌بایست خود را در عرصه‌های مختلف و میادین عمل، به ظهور و بروز برساند؛ شرکت در راهپیمایی‌ها و تجمعات در حمایت و دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی، تلاش عملی در جهت تبلیغ اصول و مبانی اندیشه امام خمینی و رهبر معظم انقلاب^(مدظله‌العالی)، برنامه‌ریزی برای اجرایی ساختن دغدغه‌ها و تدابیر رهبر معظم انقلاب در سطح جامعه و انجام سایر فعالیت‌هایی که در راستای پیشبرد اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران مؤثر هستند، به صورت انفرادی یا در کنار افرادی که استادیار در قالب شبکه تربیتی در ارتباط با ایشان است (استاد، سایر استادیاران و سرمربیان)، از این جمله می‌باشند.

۲. داشتن مقبولیت مردمی و حسن سلوک اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی

انسان، موجودی اجتماعی است. اجتماعی بودن انسان، مقتضی شناخت خود و شناخت روابط خود با دیگران و سامان دادن آن به شکل صحیح می‌باشد. از همین روست که دین اسلام به عنوان مکتبی جامع، بخش بزرگی از احکام و قوانین را در حوزه رفتار اجتماعی و چگونگی روابط مربوطه ارائه نموده است؛ تا در این زندگی دنیوی، که از آن با تعبیری چون «مزرعه آخرت» یاد شده است، بتواند

۱ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۰

فرد را با ایمان و عمل صالح فردی از سویی و دعوت و توصیه دیگران به ایمان و عمل صالح از سوی دیگر، از حسرت در روز قیامت رهایی بخشد. اهمیت مسئولیت آدمی و خصوصاً انسان کامل در قبال دیگران، در ضمن توجه به مقام هدایت‌گری انبیاء الهی، بیشتر روشن می‌گردد؛ در واقع انسان کامل همانطور که خود را مطابق خواست خداوند ساخته و پرورش داده است، در مقام خلیفه الهی به تعامل با دیگران و رشد دادن آن‌ها می‌پردازد.

از آنجایی که انسان موجودی خاص است، خداوند به‌عنوان خالق حکیم، بایستی اصولی را در این راستا به واسطه عقل و شرع در اختیار بپوشاند. در این راستا «ایمان» و «عمل صالح» نقش خاص و مهمی دارد. اگر کسی به طور کامل و تمام به همه آموزه‌های وحیانی خداوند ایمان داشته و از آن اطاعت کند- اگرچه برایش گران و سخت باشد- آن موقع است که محبوب خداوند می‌شود و از آثار این محبوبیت آن است که در میان مردم محبوب می‌گردد و همگان از جان فدای او می‌کنند و او را بر خود اولی و برتر می‌شمارند و از خود برای او می‌گذرند. البته حسن فعلی خودش ممکن است سبب جذب قلوب مردم گردد، ولی هنگامی که با نیت خالصی همراه شده و دارای حسن فاعلی نیز گردد، در میان خلق هم محبوب خواهد گشت.

متخلق بودن به حسن معاشرت و نیز آموزش آن تنها منحصر به انسان‌های کامل نیست. خداوند معاشرت سالم و درست را به واسطه پیامبران به مؤمنان و مردم می‌آموزد، اما گاه مستقیماً با مؤمنین و انسان‌ها سخن گفته و آدابی را به آن‌ها آموزش داده است.^۲

حتی انسان‌های دیگر نیز در آموزش اخلاق و سلوک اجتماعی دارای نقش و مثر ثمر هستند؛ از همین روست که خداوند در آیه‌ای از قرآن براهمیت و ارزش آموزش و عمل به آداب معاشرت توجه داده و از والدین خواسته تا آداب معاشرت را در حوزه رفتارهای اجتماعی در خانه و جامعه به فرزندان بیاموزند.^۳

آموزه‌های قرآن در خصوص آداب معاشرت و سلوک اجتماعی، نکاتی سلبی و ایجابی به دست می‌دهد، که بایستی در روابط اجتماعی افراد مورد توجه قرار گرفته و بر آن اهتمام ورزیده شود. الف- «رفتارهای بهنجار» آن دسته سلوکی هستند که در نگاه قرآنی، مطلوب روابط اجتماعی

۱ - وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ... (الأنعام/ ۵۴)

۲ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ^۴ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ عِقَابِهِ (۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲) (حجرات/ ۲۰۱)

۳ یا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَنَزَّلْنَا حَبَّةً وَفِي صُحُورَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۱۶) يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷) وَلا تَضَعُ حَذَّكَ لِلنَّاسِ وَلا تَمْسِسْ فِي الْأَرْضِ مَرْحَأً إِنَّ اللَّهَ لَاجِبٌ كُلَّ مَخْتَالٍ فَحُورٌ (۱۸) وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُدْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹) (لقمان/ ۱۶-۱۹)

هستند و باید معاشرت را بر آن‌ها بنا نهاد؛ از جمله زبان نرم و بیان خوش، صبر و استقامت در مقابل حرف‌ها و سخنان دشمنان^۲، رابطه احترام‌آمیز و بدون تکبر با دیگران^۳، تعظیم شعائر اسلامی^۴، همکاری و تعاون در خیر^۵، پنهان‌کاری در خیر و نه نافرمانی خداوند^۶...

ب- «رفتارهای نابهنجار» آن دسته از سلوکی هستند که می‌توانند روابط اجتماعی را خدشه‌دار نموده و معاشرت را غیرممکن و یا دشوار سازند. برخی از رفتارهای نابهنجار، با توجه به آیات قرآن عبارت‌اند از: اختلاف و کشمکش^۷، منت گذاشتن به دنبال لطف به دیگران^۸، نفاق و دورویی^۹، تهمت و افتراء^{۱۰}، تمسخر کردن و بدنام نمودن^{۱۱}، بغض و کینه^{۱۲}، ظن و گمان بد، تجسس کردن در خصوص مسائل شخصی دیگران، غیبت^{۱۳}، پذیرش شایعات بدون

۱ فُقُولَا لَهُ قَوْلًا لَبِيًّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه/۴۴)

۲ لَتَلْبَسُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَى كَثِيرًا وَإِنْ تَضَيَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران/۱۸۶)

۳ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا (النساء/۳۶)

۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوْا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَانُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا... (المائدة/۲)

۵ ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (المائدة/۲)

۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (المجادلة/۹)

۷ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران/۱۰۳)

۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَتَلْتُمْ مَتَلًا صَفْوَانٍ عَلَيْهِ ثُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (البقرة/۲۶۴)

۹ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (منافقون/۱۷)

۱۰ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ تَرِبَةً فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (النساء/۱۱۲)

۱۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (الحجرات/۱۷)

۱۲ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (الحشر/۱۰)

۱۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِمَّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ (الحجرات/۱۲)

تحقیق کردن^۱، تکبر و فخر فروشی^۲، توهین به منحرفان اعتقادی^۳، پرخاش و ستیزه‌جویی^۴، عیب‌جویی^۵ و....

انجام رفتارهای بهنجار و اجتناب از رفتارهای نابهنجار، نه تنها موجب می‌گردد، استادیار در میان اطرافیان خود در محیط‌های اجتماعی از جمله کوچه، بازار، محله، مسجد، ناحیه و حوزه‌های بسیج، محل کار و تحصیل و... از مقبولیت مردمی برخوردار گردد، بلکه مبتنی بر روایت «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»^۶ الگو و نمونه عملی ظهور اخلاق و رفتار اسلامی برای سرمربیان، مربیان، سرگروه‌ها و متربیان بوده و اخلاق اسلامی را به شیوه‌ای مؤثرتر برای ایشان درونی می‌سازد.

بر این اساس، با توجه به تأکید و تکیه آیات قرآنی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک استادیار موفق در طرح صالحین، برخورداری از «مقبولیت مردمی» و «حسن سلوک اجتماعی» است. در پایان خاطر نشان می‌گردد که انجام رفتارهای صحیح و حسن سلوک اجتماعی، مسأله‌ای است که برای هر مسلمانی لازم است، اما توجه به آن، به طور خاص برای کسانی که متولی امر تربیت بوده و الگوی سایرین قرار می‌گیرند، لازم‌تر و نیکوتر است. امام صادق (علیه السلام) در این خصوص خطاب به یکی از اصحاب خویش می‌فرماید: «ان الحسن من کل احد حسنٌ و انه منك احسن لمكانك منا، و ان القبيح من کل احد قبيح و انه منك اقبیح»^۷

۳. انگیزه و توانایی کار تربیتی

«تربیت» به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء، کمال خود را باز یابد. برای مثال تربیت یک نهال، یا یک بوته گل، به این معناست که ما این نهال یا این بوته گل را رشد و نمو بدهیم تا برگ و بار پیدا

کند و میوه بدهد و ضمن اینکه خود این نهال یا بوته، از لحاظ ظاهری و جسمی و زیبایی باید شکل کامل خودش را پیدا کند، میوه‌اش هم باید میوه سالم و شیرینی باشد. بنابراین وقتی تربیت را این‌گونه معنا کنیم وسعت زیادی پیدا می‌کند و مستلزم این می‌شود که ما

۱ وَلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (النور/۱۲) لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شَهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَافِرُونَ (النور/۱۳)

۲ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان/۱۸)

۳ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَيَّ رُدُّهُمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الأنعام/۱۰۸)

۴ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (النساء/۱۴۸)

۵ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جَهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (التوبة/۷۹)

۶ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹

۷ سفينة البحار، ج ۱، ص ۷۰۸

انسان را چگونه و به چه شکلی رشد بدهیم تا از هر جهت کامل بشود. یعنی انسان دارای سلامت جسمی همراه با عقل و سلامت فکری و پرورش علمی و اخلاقی باشد و یک انسان کامل بشود.^۱

«کار تربیتی» بر این اساس، لوازم و پیش‌نیازهای گوناگونی دارد. یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای آن داشتن «انگیزه» کافی برای هدف‌گذاری، پیگیری و به نتیجه رساندن این فرایند است. رفتارسازی اسلامی و نهادینه شدن عمل صالح در متربیان در نتیجه این فرایند نیازمند تلاش، پشتکار و انگیزه بسیار فراوان است. «انگیزه» را می‌توان به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار تعبیر نمود. انگیزه، امری درونی است که سبب انگیزش فرد به کاری می‌شود و رفتار وی را به سمت هدفی خاص هدایت می‌کند. بنابراین یکی از ویژگی‌های مهم که می‌توان به‌عنوان پایه و اساس کار استادیار نام برد، داشتن انگیزه کار تربیتی است؛ چراکه به استادیار انرژی داده و سبب می‌شود که به‌طور دائم توجه وی نسبت به تعیین هدف و عدم انحراف از آن و نیز نسبت به حرکت تا رسیدن به هدف حفظ گردد؛ یعنی همواره علاوه بر اینکه در حال پیش رفتن است بداند که به کجا سعی دارد برسد؛ هدف را گم نکند و راه را درست برود.



تصویر: نشست عمومی استادیاران استان گیلان با حضور آیت الله فلاحتی - ۱۳۹۸

استادیار علاوه بر اینکه خود باید دارای انگیزه بالا در کار تربیتی باشد، بایستی این انگیزه را در سرمربیان نیز ایجاد نماید. این امر به این معناست که آنان را برای یادگرفتن نکات کاربردی جدید و ضروری در کار تربیتی آماده سازد، سپس آن‌ها را در طول فرآیند فعالیت‌های تربیتی گروه و نیز جلسات گروه فعال نگه دارد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این کار، ایجاد

۱ رهبر معظم انقلاب؛ ۶۵/۷/۲۱

رغبت و انگیزه در مخاطب است. عوامل تقویت این انگیزه دو گونه است: عوامل درونی که منشأ آن اعتقاد راسخ، باور جازم و یقین لازم (حق الیقین) در خود فرد است و عوامل بیرونی که محیط بر او تأثیر می‌گذارد. عوامل درونی می‌تواند تأثیرات بیشتر و عمیق‌تری در افزایش انگیزه فرد برای انجام فعالیت داشته باشد؛ به گونه‌ای که فرد از درون، نسبت به امری اشتیاق پیدا می‌کند و دیگر نیازی به تشویق‌های بیرونی نیست. این نوع انگیزه، در هر کس باشد، معمولاً در پیشرفت و ادامه کار به آسانی متوقف نمی‌شود، برخلاف انگیزه‌هایی که خاستگاه آن محیط بیرونی است. این انگیزه‌ها به تشویق‌کننده‌های بیرونی نیاز دارند و با به دست آوردن آن مشوق، انگیزه کاهش می‌یابد و تشویق و تحریک‌کننده جدید پیدا می‌شود. انگیزه‌هایی که از عوامل درونی سرچشمه می‌گیرند، ماندگار، زیربنایی و عمقی هستند و در مقابل انگیزه‌های ناشی از عوامل بیرونی، زودگذر، روبنایی و سطحی‌اند.

روش‌هایی که می‌توان در خصوص افزایش انگیزه‌های فرد به کار برد برگرفته از اصل «مفید، کاربردی و جذاب بودن مباحث گروه» هستند. استادیار بایستی در طرح مباحث درون گروه، متوجه اقتضائات و نیازهای سرمربیان گروه خویش باشد. روش ارائه بحث نیز بسیار مهم و مؤثر در ایجاد انگیزه است؛ روش‌های اکتشافی و دو سویه که میزان مشارکت بیشتری نسبت به روش‌های انفعالی برای فراگیران (در اینجا سرمربیان) ایجاد می‌نماید، در این خصوص مؤثرتر است.

در اینجا به بیان برخی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده انگیزه‌های تربیتی می‌پردازیم:

۱-۳. توجه به عمق و گسترش پیشروی دشمن در عرصه جنگ نرم

در جهان امروز قدرت‌های استکباری شرق و غرب با استفاده از ابزار نرم، همه مساعی خود را برای ناکامی انقلاب اسلامی به کار گرفته‌اند. ترویج فرهنگ پوشش بیگانه، عادی‌سازی روابط دختر و پسر و ارتباط با نامحرم، بارداری قبل از ازدواج، فرزندآوری نامشروع، خیانت همسران به یکدیگر، ترویج سبک زندگی غربی، تبلیغ و ترویج ابتلا به انواع مواد مخدر، شکست حریم‌های خانواده و مواردی مذهبی-فرهنگی از این قبیل (بعد اخلاقی) از یک سو و اختلاف‌افکنی و ایجاد شکاف میان مردم و دولت اسلامی (بعد سیاسی) و نیز متزلزل ساختن اعتقادات دینی، مذهبی و آئینی (بعد اعتقادی) از سوی دیگر از مهم‌ترین دغدغه‌های بیش از ۱۵۰ شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان است که از سوی دشمنان نظام و انقلاب راه‌اندازی شده است. در حال حاضر، اغلب برنامه‌های ماهواره‌ای در شبکه‌های فارسی‌زبان به دست صهیونیست‌ها اداره می‌شوند. صهیونیست یک دشمن اصلی در دنیا برای خودش می‌شناسد و آن اسلام است و در برخورد با این مذهب یک کشور را می‌شناسد که اصلی‌ترین مانع او در رسیدن به اهداف جهان‌خوارانه‌اش محسوب می‌شود و آن، کشور ایران است. آن‌ها به‌صورت رسمی

اعلام نمودند که ما برای غلبه بر ایران باید با ابزار رسانه وارد شویم و ابزار نظامی کارساز نیست.^۱ با توجه به این تهدیدات موجود، طرح صالحین با پشتوانه الهی و تحقق حاکمیت قانون الهی^۲، ظرفیت قدرت نرم بسیج ده‌ها میلیونی را با هدف مقابله با جنگ نرم تحمیلی و صیانت قلب‌ها و مغزهای جامعه در برابر این تهدیدات به‌کارگیری نموده است. در این میان، نقش جدی و فعال اساتید و استادیاران طرح صالحین در راستای مقابله با این تهدیدات آشکار می‌گردد. تنها استادیارانی که نسبت به این حرکت عظیم دشمن آگاهی و بصیرت کافی داشته باشد، انگیزه‌های لازم را برای نجات نسل‌های نوجوان و جوان امروز از چنگال شیخون و ناتوی فرهنگی دشمن دارا خواهند بود و بر اساس این انگیزه با بهره‌گیری از محتوای غنی و به‌روز متناسب با تهدیدات نرم دشمن، در راستای مقاوم‌سازی جامعه در برابر این تهدیدات حرکت خواهند نمود.

یکی از مصادیق آشکار «درد» که شهید مطهری، آن را معیار انسانیت معرفی می‌کند، همین درد امروز جامعه را داشتن و توجه به عمق و گسترش پیشروی دشمن در عرصه جنگ نرم و دل و اندیشه نوجوانان و جوانان و نسل‌های مختلف جامعه و عدم وجود مقابله‌ای جدی و حرکتی تأثیرگذار در این عرصه است. درد انسان‌های دیگر را داشتن، باعث و مشوق یک مربی تربیتی برای نجات انسان‌ها و رهنمون شدن ایشان به سوی سعادت است. او درد خدا را دارد و چون درد خدا را دارد، به فکر نجات سایر انسان‌ها نیز هست و درد آن‌ها را نیز دارد.^۳

۲-۳. توجه به الگوها

توجه به الگوهای تربیت و سیره عملی ایشان در تربیت می‌تواند به مثابه نقشه راهی، انگیزه افراد را در انجام فعالیت‌های تربیتی تقویت نماید. ارتباط فراوان با این الگوها و توجه به سیره ایشان به انسان کمک می‌کند تا به‌مرور زمان، اصول و روش‌های تربیتی تبلور یافته در ایشان را کشف و نحوه کاربست آن‌ها را به خوبی بیاموزد و از رهگذر ارتباط مستمر با وی، این اصول و روش‌ها برای وی درونی گردد. بر این اساس الگوها، نقش بی‌بدیلی در ارتقاء انگیزه‌های تربیتی افراد ایفا می‌نمایند. قرآن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، الگوهای بسیاری را برای مؤمنان معرفی می‌کند، که توجه به زندگی ایشان انگیزه‌های عالی را در وجود مؤمنان پرورش داده و بارور می‌سازد.^۴

۱ بشقاب‌های سمی، حسین امانلو، معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین، ص ۶۸-۶۷
 ۲ بسیج نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و جهاد در راه خدا و گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و... است. (بخشی از اساسنامه بسیج مستضعفین)

۳ ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۱۴۰

۴ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/۲۱) قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ

توجه به سیره و رفتار ائمه معصوم در پرداختن به تبلیغ دین و فعالیت‌های تربیتی در درجه اول، بهترین الگوی پیش رو است. پیامبر اسلام با همه مشکلات و سختی‌هایی که برای ایشان به وجود آوردند از جمله تهدید و فشارهای قبیله‌ای^۱، پیشنهاد مصالحه^۲، تطمیع^۳، جنگ روانی و استهزاء علیه پیامبر^۴، آزار جسمی^۵، اهانت و نسبت‌های ناروا^۶، شکنجه یاران و اطرافیان حضرت^۷، شبهه پراکنی در برابر دعوت پیامبر^۸ و... باز دست از جهاد فرهنگی و تربیتی خود برداشت و با اخلاص و انگیزه‌های دو چندان به این امر همت گماشت؛ تا جایی که قرآن در وصف ایشان می‌فرماید: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف/۶). این نشان از رحمت و مهربانی ایشان با همه، خصوصاً مؤمنان بوده است: «لَقَدْ

مَعَهُ (ممتحنه/۴) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (ممتحنه/۶) وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فُزْعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فُزْعُونَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (تحریم/۱۱)

۱ مشرکان قریش به طور دسته جمعی نزد ابوطالب رفتند و گفتند: برادرزاده‌ات خدایان ما را ناسزا می‌گویند و آیین ما را به زشتی یاد می‌کنند و به افکار ما می‌خندند و پدران ما را گمراه می‌دانند. یا از او بخواه دست از ما بردارد یا او را در اختیار ما بگذارد و حمایت خود را از او سلب کن (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۵)

۲ به نقل سیره نویسان و مفسران، سوره کافرون در برابر درخواست چند نفر از اشراف قریش مانند (حارث بن قیس، عاص بن وائل، ولید بن مغیره، امیه بن خلف) مبنی بر پیشنهاد مصالحه ایشان نازل شد (مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۲).

۳ سران قریش تصمیم گرفتند پیامبر را با پیشنهاد منصب، ثروت و تقدیم هدایا و زنان زیبا تطمیع کنند، شاید از دعوت خود دست بردارد؛ لذا با هم به خانه ابوطالب آمدند. یکی از آنان گفت: ای ابوطالب! محمد صفوف فشرده ما را متفرق ساخت و سنگ تفرقه در میان ما افکند؛ اگر محرک او بر این کار نیازمندی است ما ثروت هنگفتی در اختیار او می‌گذاریم. اگر مقام می‌خواهد، او را فرمانروای خود می‌کنیم و سخن او را می‌شنویم اگر بیمار است، بهترین پزشک‌ها را می‌آوریم و... (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۵).

۴ استهزاء به‌عنوان یکی از فشارهای روحی در تاریخ زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله ثبت شده است حتی ابن سعد، ابن اسحاق و بلاذری اسامی استهزاء کنندگان را ضبط کرده‌اند (طبقات کبری، ج ۱، ص ۲۰۰).

۵ عقبه‌بن ابیمعیط پیامبر را در حال طواف دید و ناسزا گفت و عمامه‌اش را به دور گردنش پیچید و او را کشید که البته عده‌ای از ترس بنی‌هاشم پیامبر را از دست او گرفتند (بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۴). همو عیایش را بر گلوی حضرت انداخت و تا حد کشتن او را فشار داد (المصنف، ابن ابی‌شیبیه، ج ۷، ص ۳۳۱).

۶ مشرکان با واژه‌هایی چون «دروغگو» «جادوگر» «دیوانه» «جنزده» «شاعر» و... تلاش می‌کردند قداست پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله را بشکنند. لذا قریش در برابر سؤال مسافران که از پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله می‌پرسیدند، او را به‌عنوان ساحر و شاعر معرفی می‌کردند (سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۷۱).

۷ بلال حبشی، عمار یاسر و پدر و مادر او، عبدالله بن مسعود، ابوذر و... از جمله یاران پیامبرند که آزار زیادی از قریش دیدند.

۸ قرآن، شبهات گوناگونی که کفار و اهل کتاب در برابر دعوت پیامبر مطرح می‌نمودند را گزارش نموده است. به‌عنوان نمونه: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا؛ وَقَالُوا أَطِيبُوا الْأُولَىٰ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (فرقان/۳۴)

جاءكم رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸). همچنین سیره علماء و بزرگانی چون امام خمینی (ع) در بحث تربیت از دیگر الگوهای برجسته و قابل توجه در این امر می‌باشند، که خود الگو گرفته از سیره معصومان می‌باشد. آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی تعریف می‌کنند زمانی که امام در پاریس بودند، اغلب در آنجا می‌دیدم که نشسته و برای ۵ تا ۶ نوجوان دختر و پسر جلسه‌ای ترتیب داده با آن‌ها صحبت می‌کنند و برای ساختن و آماده کردن و روشن نمودن آن‌ها وقت طولانی مصرف می‌کنند. گاهی من تعجب می‌کردم از اینکه مثلاً یک مرجع بزرگی یک ساعت نشسته برای عده‌ای نوجوان دارد اوضاع سیاسی را تحلیل می‌کند و مسائل اسلام را تشریح می‌کنند. این تواضع و اخلاص امام و احساس تکلیف، در همه بخش‌های زندگی ایشان نمایان است. ایشان درباره ابراز علاقه شاگردان خود و فعالیت آن‌ها برای مرجعیت ایشان، می‌فرمود: «من راضی نیستم کسانی که به من علاقه‌مند هستند، علاقه‌شان از قلب تجاوز نماید و آن را ابراز نمایند. هر کسی به من علاقه دارد بگذارد در همان محدوده قلب بماند. کسی برای ریاست من، حتی یک وجب هم قدم بر ندارد»^۱.



تصویر: نشست استادیار و سرمربیان ناحیه شاهرود - ۱۳۹۸

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، درباره این شخصیت بزرگ می‌فرماید: «نقطه اساسی کار او هم، محو در اراده الهی و تکلیف شرعی بود؛ هیچ چیز غیر از این مطرح نبود...عبودیت الهی و عبودیت در مقابل پروردگار و تسلیم در مقابل او، کار را برای رضای خدا کردن، راز اصلی

۱ برداشت‌هایی از سیره امام خمینی قدس سره، ج ۱، ص ۱۶۴

۲ سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۳، ص ۱۸

موفقیت‌های ملت ما بود و امام ما مظهر کامل این روحیه بود... توفیقات امام در درجه اول از اخلاص ایشان ناشی می‌شد. یعنی در واقع مخلص خدا بود و کار را صرفاً برای خدا انجام می‌داد و لاغیر^۱!

همچنین سیره ایشان در توجه به مشکلات و گرفتاری‌های شاگردان قابل توجه است. یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: من مریض شدم و مدت یک ماه در حجرهٔ مدرسهٔ حجتیه بستری بودم. در طول این مدت، روزهای چهارشنبه، امام همراه یکی از دوستان به حجره مدرسه می‌آمدند و از من عیادت می‌کردند؛ در صورتی که من طلبهٔ گمنامی بیش نبودم. این‌گونه برخورد‌های امام، برای من قابل توجه بود^۲. بر این اساس، آنچه در سیرهٔ پیامبر گرامی اسلام (ص) و نیز امام خمینی (ره) برای الگوگیری از ایشان بسیار خودنمایی می‌کند، اخلاص و تکلیف‌گرایی است که توجه به نقش الگویی این بزرگواران، موجب انگیزه‌سازی بسیاری در راستای تحقق این ویژگی‌ها در انجام فعالیت‌های تربیتی می‌گردد.

این مسئله (اخلاص و تکلیف‌گرایی) همچنین در منطق فکری و عملی رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی مشاهده می‌شود. ایشان در دیدار با مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی می‌فرمایند:

«در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان‌جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همهٔ کارها به شما متوجه است. چند ماه قبل از رحلت امام رضوان‌الله‌علیه، مرتب از من می‌پرسیدند که بعد از اتمام دورهٔ ریاست جمهوری می‌خواهید چه کار کنید... گفتم اگر بعد از پایان دورهٔ ریاست جمهوری، امام به من بگویند که بروم رئیس عقیدتی، سیاسی گروهان ژاندارمری زابل بشوم حتی اگر به‌جای گروهان، پاسگاه بود من، دست زن و بچه‌ام را می‌گیرم و می‌روم! و الله این را راست می‌گفتم و از ته دل بیان می‌کردم؛ یعنی برای من زابل مرکز دنیا می‌شد و من در آنجا مشغول کار عقیدتی، سیاسی می‌شدم؛ به نظر من بایستی با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید؛ در این صورت، خدای متعال به کارمان برکت خواهد داد»^۳.

بعد از ائمه و علمای بزرگ دینی، سیرهٔ شهدا یکی از بهترین الگوهای کار تربیتی است؛ وجه شاخص سیره ایشان، مواجههٔ مجاهدانه با کمبودها و مشکلات و غلبه بر آنها برای رسیدن به اهداف عالی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. ایستادگی هشت سالهٔ رزمندگان و شهدا در جنگ تحمیلی دولت‌های جهان علیه ایران، شاهد گویای این مقاومت و مجاهدت در اوج کمبودهای مادی و مالی است. رزمندگان و شهدا همچنین سختی‌ها و مشقت‌های بسیاری را در مقابله با این دشمنان متقبل شدند؛ به‌عنوان نمونه زمانی که در منطقه پلائی، میزان اجرای آتش توپخانه و ادوات ارتش عراق بیش از ده‌ها هزار گلوله توپ، کاتیوشا و خمپاره بود

۱. رک: سخن آفتاب، ص ۱۲۰-۱۱۱

۲. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۴، ص ۱۰۹

و اصطلاحاً زمین را شخم می‌زدند، رزمندگان با تمام قوا ایستادگی و منطقه را حفظ نمودند؛ چنانکه شهید عبدالله میثمی که در آنجا حاضر بود می‌گفت: «هر کس در طلائی‌ه ایستاد، اگر در کربلا هم بود، می‌ایستاد!».

در این میان یکی از بهترین الگوهای پیش روی استادیاران، در نظام تربیتی طرح صالحین، اساتید محترم شجره هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش انگیزه، توجه به سیره تربیتی ایشان و نقشه راه قرار دادن آن و نیز ارائه این الگو به سرمربیان، سرگروه‌ها و مربیان تحت نظر خود است. چه‌بسا که سوز و گداز یک استاد در امور تربیت، چنان اثری در استادیاران، سرمربیان، مربیان و سرگروه‌ها به جای گذارد که بسیاری جلسات و کتاب‌ها چنین تأثیری را ایفا نکند. بر همین اساس دعوت از استاد جهت حضور در حلقات سرمربیان، نقش بسزایی را در رشد انگیزه استادیاران و سرمربیان ایفا می‌نماید. مشاوره و ارتباط فردی با استاد، شرکت منظم و فعال در جلسات حلقه استادیاران، ارتباط خارج از جلسه گروه با استاد و... از دیگر عوامل افزایش انگیزه استادیار در کار، با اثرپذیری از نقش الگویی استاد به شمار می‌رود.

سیره عملی و تربیتی استاد و تجارب وی می‌تواند برای بسیاری از استادیاران، سرمربیان، مربیان، سرگروه‌ها و حتی متربیان مفید باشد. یکی از اساتید شجره تعریف می‌کرد: «سعی کردم با الگوگیری از سیره پیامبر اسلام، ارتباط نزدیک و عاطفی خوبی با کودکان برقرار کنم؛ حتی سعی می‌کنم با آن‌ها رفیق شوم؛ پدر یکی از این کودکان می‌گفت وقتی سخنرانی شما را از سیمای استانی پخش می‌کنند، فرزندم شما را نشان می‌دهد و می‌گوید: این دوست من است که دارد حرف می‌زند...»

اینگونه رفتار محبت‌آمیز علاوه بر آثار تربیتی آن، تأثیر بسزایی در ساخت عزت‌نفس انسانی از کودکی در فرد به جای می‌گذارد. همه ما از این تأثیر آگاه هستیم؛ اما مشاهده آن در سیره تربیتی استاد می‌تواند انگیزه خوبی برای کاربرست آن از سوی ارکان شجره را فراهم آورد. یا در خاطره‌ای از حجت‌الاسلام قرائتی می‌خوانیم: «در یکی از کلاس‌هایم عنوان بحثم این بود: خداوند چرا در دنیا ما را به جزای اعمالمان نمی‌رساند؟ برای این سؤال چند جواب آماده کرده بودم. ولی قبل از پاسخ به سؤال، به جوان‌ها گفتم: شما نیز فکر کنید و جواب بدهید. یکی از جوان‌ها جوابی داد، دیدم جواب خوبی است و آن جواب در یادداشت‌های من نیست. قلم و دفتر خود را برداشتم و همانجا یادداشت کرده و آن جوان را هم تشویق کردم و گفتم: من این

۱ اطلس جغرافیای حماسی جنگ، ص ۱۸۰

۲ روزی پیامبر اسلام برای نماز، به مسجد می‌رفت. در راه، گروهی از کودکان بازی می‌کردند، تا پیامبر را دیدند، دور آن حضرت را گرفتند و هر کدام فریاد می‌زد: «کن جملی»؛ شتر من باش. پیامبر مدتی با آن‌ها بازی کردند و چون وقت نماز نزدیک می‌شد، به آن‌ها گفت: «شتر خود را می‌فروشید؟» آن‌ها قبول کردند. پیامبر تعدادی گردو به آن‌ها داد و خود را از آن‌ها خرید و به مسجد رفت تا کودکان را ناراحت نکرده باشند.

را بلد نبودم. روز آخری که خواستم از اهواز بیرون بیایم، یکی از دبیران گفت: عکس‌العمل شما در مقابل آن دانش‌آموز و قبول و یادداشت جواب او، از همه سخنرانی‌های شما اثر تربیتی‌اش بیشتر بود.»^۱

چهبسا برخوردی اینچنین از سوی یک استادیار در مقابل سرمربی، مربی یا سرگروه‌ها، انگیزه حضور او را در گروه و اهتمام وی برای انجام فعالیت‌های تربیتی در گروه خود را افزایش دهد. بنابراین استادیار نیز می‌تواند با تعاملات و رفتارهای خود، موجبات افزایش انگیزه ارکان پایین دستی در انجام فعالیت‌های تربیتی را فراهم آورد.

۳-۳. توجه به اهمیت و ضرورت فعالیت در طرح صالحین

با توجه به آنچه در فصل اول، در بخش مبادی و زمینه‌های شکل‌گیری طرح صالحین گذشت، اعم از طراحی نظام تربیتی طرح صالحین بر اساس چشم‌انداز آینده جامعه اسلامی و به‌منظور ارائه الگویی عملی-اسلامی برای پیشبرد فرایند تربیتی در نظامات اسلامی دنیا، رویکرد شبکه‌ای این نظام در مبارزه با تهدیدها و جنگ نرم، در نظر گرفتن عوامل موفقیت پایگاه‌ها در طراحی جزء جزء فعالیت‌های شجره، توجه ویژه به دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب در امر تربیت و تربیت تشکیلاتی، شرایط ویژه حاکم بر شجره در مقایسه با سایر فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی و... اهمیت و ضرورت فعالیت در این شکل و نظام عظیم بسیجیان به روشنی تبیین می‌گردد. توجه به جوانب گوناگون این جریان همچنین موجب افزایش انگیزه مسئولان امر در پیگیری امور مربوط به این شجره، بیش از گذشته می‌گردد.

۳-۴. شناخت و تخصص نسبت به کیفیت و ابعاد کار تربیتی از طریق تداوم و استمرار آن

شناخت کامل ابعاد یک فعالیت، اولین گام در ایجاد انگیزه فرد در اقدام عملی نسبت به آن می‌باشد. هر مقدار سرمربی مواجهه و تداوم بیشتری نسبت به انجام فعالیت‌های تربیتی داشته باشد، بیشتر نسبت به کیفیت و ابعاد آن عمل آگاهی یافته و انگیزه او برای انجام دوباره آن کار افزایش می‌یابد.

بر این اساس استادیاران محترم می‌توانند با تشریح ابعاد فعالیت‌های تربیتی به‌صورت دقیق و کاربردی برای سرمربیان و نیز همراهی با ایشان در طی نمودن و به نتیجه رساندن فرایند تربیتی تحت نظر وی (در حلقات مربیان، سرگروه‌ها و متربیان) انگیزه‌های وی را در این مسیر ارتقاء بخشند.

۳-۵. آگاهی از نتایج دنیایی و اخروی کار

توجیه شناختی و آگاهی یک استادیار، سرمربی، مربی یا سرگروه نسبت به نتایج دنیایی و اخروی کار تربیتی، گامی دیگر در مسیر افزایش انگیزه وی در انجام فعالیت‌های خود است.

هر چند لازمه چنین فعالیت‌هایی نیت خالص الهی و توکل بر او به‌عنوان یگانه مؤثر در جهان می‌باشد، اما توجه به نتایج مثبت مادی و معنوی و دنیایی و اخروی کار، در وجود آدمی امید می‌آفریند و تحمل هر مشکلی را در راه کسب این نتایج و مقامات معنوی آن آسان می‌سازد و با جاذبه این امید، انگیزه‌های انسانی را تقویت نموده و وی را آماده قبول زحمت‌ها می‌کند. اهمّیت تعلیم و تربیت در منابع دینی انکارناپذیر است. قرآن کریم، «ترکیه»، «تعلیم کتاب و حکمت» و «آنچه نمی‌دانستید» را از اهداف بعثت پیامبران دانسته است.^۱ پیامبر اسلام نیز از میان دو گروه‌ای که در مسجد، مشغول نماز و دعا و نیز تعلیم و تعلّم بودند، گروه تربیتی تعلیم و تعلّم را برگزیدند و هدف رسالت خود را تعلیم و تربیت انسان‌ها بیان فرمودند.^۲ اهمّیت تربیت دینی بسیار در سیره معصومان مورد تأکید قرار گرفته است. رسول خدا (ص) خطاب به یکی از اصحاب خود فرمود: «لئن یهدی الله بک رجلاً واحداً خیر لک من الدنیا و ما فیها»؛^۳ اگر خداوند به دست تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از دنیا و هر آنچه در آن است. اهمیت کار یک سرگروه، مربی، سرمربی و استادیار آن اندازه زیاد است که اگر در این راه مقدس، مخلصانه تلاش کند، قدم در راه رسول خدا (ص) گذاشته است؛ چرا که آن بزرگوار فرمود: «اللّهُمَّ اِزْحَمْ خُلَفَائِی قَبْلِی یا رَسُوْلَ اللهِ وَ مَنْ خُلَفَاؤُکَ قَالَ الَّذِیْنَ یَأْتُوْنَ مِنْ بَعْدِی یَزُوْوْنَ حَدِیْثِی وَ سُنَّتِی»^۴. و چه پاداشی از این بالاتر، که مقام او از هزار عابد بیشتر است: «الرَّوْبَةُ لِحَدِیْثِنَا یَشُدُّ بِهٖ قُلُوْبَ شِیْعَتِنَا اَفْضَلُ مِنْ اَلْفِ عَابِدٍ»^۵؛ کسی که احادیث ما را روایت کند و دل‌های شیعیانمان را بدان محکم سازد از هزار عابد بهتر است.

توجه به این نتایج معنوی می‌تواند انگیزه ارکان شجره در پیشبرد فعالیت‌های تربیتی در حلقات خود را افزایش دهد. البته از این نکته نیز نباید غافل شد و همواره سرمربیان، مربیان و سرگروه‌ها را به این مسئله می‌بایست متوجه کرد که دیر بازده بودن فعالیت‌های تربیتی نباید موجب کاهش انگیزه‌های فرد شود؛ چراکه کار تربیتی، کاری است نیازمند استقامت و صبر. چند روزه و چند ماهه نمی‌شود همه‌چیز را درست کرد. باید صبر داشت و ناامید نشد. ما معمولاً با چند بار امر و نهی کردن خسته می‌شویم و شروع به گله و شکایت می‌کنیم که نمی‌شود و فایده ندارد! و آخر هم ممکن است کار را رها کنیم؛ در حالیکه کسی همچون رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله در این کار آنقدر استقامت می‌کرد که این کفار بودند که هر جا می‌رسیدند از او شکایت می‌کردند و هر جا او را می‌دیدند دست بر گوش خود می‌گذاشته

۱ مَا أَرْسَلْنَا فِیْکُمْ رَسُوْلًا مِّنْکُمْ یَتْلُوْا عَلَیْکُمْ ءَایَاتِنَا وَ یُرِکِیْکُمْ وَ یُعَلِّمُکُمْ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُعَلِّمُکُمْ مَا لَمْ تَکُوْنُوْا تَعْلَمُوْنَ (بقره/۱۵۱)

۲ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۶

۳ منیة المرید، ص ۱۰۱

۴ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰

۵ الکافی، ج ۱، ص ۳۳

و فرار می‌کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر استقامت کرد که کسانی که روزی به او سنگ می‌زدند، حال او را در آغوش می‌گرفتند و برای یک لحظه دیدارش لحظه شماری می‌کردند و کسانی که روزی دشمن او بودند، برای شهادت در رکابش، در انتظار فرصتی بودند.

۴. تسلط بر مبانی معرفت دینی و اصول و روش‌های تربیت اسلامی

برای شناخت دقیق هر علمی بایستی نسبت به فهم مبانی، مبادی، اهداف، اصول و روش‌های آن اقدام نمود. هنگامی که انسانی در مسیر تربیت اسلامی گام برداشته و نقش معلّم و مربی را ایفا می‌نماید، بایستی با احاطه بر این مباحث زمینه بهره‌گیری از این یافته‌ها را در مسیر رشد دیگران فراهم نماید. از این رو هم بایستی به مباحث دینی و هم به اصول و روش‌های تربیت اسلامی احاطه داشته باشد.

انسان همواره سؤالات فراوانی در حوزه‌های مختلف اعم از هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و... دارد. سؤالات مربوط به حوزه معرفت‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی در این میان پیچیدگی خاصی دارند. در این خصوص لازم است استادیار نسبت به اساسی‌ترین مباحث معرفت‌شناسی مثل علم حضوری، علم حصولی و حقیقت صدق و معیار آن و...؛ همچنین مباحث مربوط به معرفت دینی و مبانی آن مثل تعدد قرائت‌ها از دین، پلورالیسم دینی، تعارض معرفت‌های دینی و... آگاهی و تسلط داشته باشد. همچنین در خصوص معرفت دینی، وی باید بتواند به پرسش‌هایی همچون راه‌های معرفت به دین، میزان قابل اعتماد بودن معرفت‌های حاصل از آن و معیار اعتبار آن‌ها پاسخ دهد.

محور دوم آگاهی و شناخت استادیار از اصول و روش‌های تربیت اسلامی است. «اصل تربیتی» به مجموعه مبادی و مبانی حاکم بر آموزه‌های تربیتی اطلاق شده و «روش تربیتی» عبارت است از سبک و اسلوب‌های بکار گرفته شده از سوی مربی برای تحقق بخشیدن به اصول تربیتی. به‌عنوان نمونه ذیل اصل تربیتی «عینیت‌بخشی به آموزه‌ها»، روش‌های «قصه‌گویی»، «تمثیل^۱»، «ایفای نقش و نمایش^۲»، «استفاده از ابزارها^۳» و ذیل اصل تربیتی «نهادینه

۱ «سَأَلَ تَصْرَافِي الشَّامِ الْبَاقِرَ عَ عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ كَيْفَ صَارُوا يَأْكُلُونَ وَ لَا يَتَغَوَّطُونَ أَعْطَانِي مَثَلَهُمْ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ هَذَا الْجَنِينُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُ أُمُّهُ وَ لَا يَتَغَوَّطُ» (الكافي، ج ۸، ص ۱۲۲)

۲ «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ نَزَلَ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ انْتُوا بِحَطَبٍ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ مَا بِهَا مِنْ حَطَبٍ قَالَ فَلْيَأْتِ كُلُّ إِنْسَانٍ بِمَا قَدَرَ عَلَيْهِ فَجَاءُوا بِهِ حَتَّى رَمَوْا بَيْنَ يَدَيْهِ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ هَكَذَا تَجْتَمِعُ الدُّنُوبُ ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الدُّنُوبِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ظَالِيًّا أَلَا وَ إِنَّ طَالِبَهَا يَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَرَهُمْ...» (الكافي، ج ۲، ص ۲۸۸)

۳ عن ابن مسعود قال: خَطَّ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَ خَطًّا مَرْتَبَعًا وَ خَطَّ وَسْطَ الْخَطِّ الْمَرْبَعِ خَطًّا وَ خَطَّوْطًا

ساختن یاد مرگ در فکر و ذهن»، روش‌های تربیتی «تذکره^۱»، «موعظه^۲»، «مراقبه و محاسبه^۳»، «استفاده از فرصت‌ها» تعریف و تبیین می‌گردد.

در اینجا می‌بایست به اساس این بخش یعنی «عمل صالح» توجه جدی نمود. در واقع به شکل مستقیم و غیرمستقیم -در قالب اعمال و ارائه اصول و روش‌های تربیتی- مبانی سبک زندگی اسلامی بایستی به سرمربیان آموزش داده شود و البته استادیار خود نیز به آن‌ها عامل باشد و از این طریق مصداق «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم» گردد. وی با بکارگیری روش‌های تربیتی علاوه بر اینکه سعی در رشد و ارتقاء معرفتی، تربیتی و بصیرتی سرمربیان گروه خویش دارد -به نحوی که برای ارتقاء سرمربیان که استعداد و صلاحیت بیشتری دارند به سطح استادیار می‌کوشد- توجه جدی نیز نسبت به حلقات پایین‌دستی مبدول داشته و با مدیریت شبکه‌ای و با سرکشی مستمر، زمینه‌های رشد معرفتی، تربیتی و بصیرتی آن‌ها را فراهم می‌نماید.

۵. تسلط بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی

انسان‌شناسی از جمله دانش‌هایی است که از دیر زمان مورد توجه مکاتب مختلف بشری در شرق و غرب بوده است. هر منظومه معرفتی را که به بررسی انسان یا بعد یا ابعادی از وجود او، یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد می‌توان انسان‌شناسی نامید^۵. انسان‌شناسی به اعتبار روش‌شناسی، به انسان‌شناسی ارزشی یا اخلاقی، عرفانی یا شهودی، فلسفی یا عقلی، دینی یا مذهبی و علمی یا تجربی انشعب می‌یابد. در امواج پرتلاطم عصر جدید، انسان‌شناسی دینی راه صحیح شناخت انسان و بحران‌های پیش روی اوست. در میان انسان‌شناسی‌های موجود، انسان‌شناسی اسلامی از امتیازات برتری

الی جانب الخط الذی وسط المربع، و خطاً خارج الخط المربع، ثم قال: أتدرون ما هذا؟ قالوا: الله ورسوله اعلم. قال: هذا الخط الوسط الانسان و الخطوط الی جانبه الاعراض تنهشه من کل مکان، اذا أخطأ هذا أصابه هذا و الخط المربع الاجل المحيط به و الخط الخارج البعید الأمل» (کنز العمال، ج ۳، ص ۸۱۹، ح ۸۸۵۷)

۱ «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَشْتَأْدُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذَكِّرُوهُمْ مَنَسَى نِعْمَتِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۴۳)

۲ المواعظ صقال النفوس و جلاء القلوب (غیر الحکم و درر الکلم، ح ۴۵۲۴)

۳ «عَبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ تَنْفَسُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْخَنَاقِ وَ انْقَادُوا قَبْلَ غُنْفِ السَّيَاقِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَعْزْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَ زَاجِرٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَ زَاجِرٌ وَ لَا وَاعِظٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۰، ص ۱۲۳)

۴ «قد دخل ع على العلاء بن زياد الحارثي و هو من أصحابه يعود، فلما رأى سعة داره قال: ما كنت تصنع بسعة هذه الدار في الدنيا و أنت إليها في الآخرة كنت أحوج و بلى إن شئت بلغت بها الآخرة تغرى فيها الصيف و تصل فيها الرجم و تُطلع منها الحُفوق مطالعها فإذا أنت قد بلغت بها الآخرة» (نهج البلاغه، كلام ۲۰۹، ص ۳۲۴) «و قيل له ع لو سُدَّ عَلَى رَجُلٍ بَابُ بَيْتِهِ وَ تُرِكَ فِيهِ مِنْ أَيْنَ كَانَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ فَقَالَ ع مِنْ حَيْثُ يَأْتِيهِ أَجْلُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۶)

۵ انسان‌شناسی در قرآن، آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۲۲.

نسبت به انواع بدیل خود برخوردار است. در واقع انسان‌شناسی اسلامی پاسخی است به پرسش‌های بنیادین زیادی که در نگرش آدمی به زندگی و معنای آن و هدفمند نمودن زندگی نقش بسزایی دارد.^۱

اهمیت و ضرورت مبحث انسان‌شناسی از دو حیث قابل توجه و بررسی است:

الف) از حیث معارف بشری

۱. معنادهی به زندگی: اگر تصویر ما از انسان به‌عنوان موجودی دارای هدف معقول باشد که در طول حیات دنیوی خود به سوی آن هدف در حرکت است و با اختیار و اراده خود این توانایی را دارد که سرنوشت خود را رقم بزند، در این صورت زندگی انسان هدفمند خواهد بود. در حالی که اگر تصویر ما از انسان به این صورت باشد که او را موجودی بدون اراده و اختیار قلمداد کنیم، که در زندگی خود هیچ دخالتی در تعیین سرنوشت خویش ندارد، در این صورت زندگی او یک زندگی بی‌معنا و پوچ خواهد بود.

۲. عقلانیت و کارآمدی نظام‌های اجتماعی از قبیل (نظام اقتصادی، سیاسی، حقوقی و تعلیم و تربیت): اگر تصویری که ما از انسان داریم، تصویری صحیح و مطابق با واقعیت انسانی نباشد، قطعاً نیازهای اساسی او هم برای ما روشن نخواهد شد؛ و در این صورت نظام‌های اجتماعی مذکور هم بر پایه نیازهای واقعی انسان پایه‌ریزی نشده، در نتیجه از پشتوانه معقول و منطقی برخوردار نخواهد بود.^۲

ب) از حیث معارف دینی

۱. انسان‌شناسی و مسئله خداشناسی: ادیان توحیدی و به‌ویژه اسلام، شناخت انسان را به‌عنوان راهی برای دستیابی به معرفت خداوند معرفی می‌کنند. در واقع انسان می‌تواند دو نوع شناخت و معرفت داشته باشد: شناخت حصولی و شناخت حضوری. در شناخت حصولی انسان بوسیله صورت‌ها و مفاهیم ذهنی اشیاء به آن‌ها علم پیدا می‌کند و خود شیء در ذهن یا نفس شخص عالم حاضر نیست؛ مانند علم ما به وجود اشیاء خارجی یا وجود درد در دوستان. در علم حضوری برخلاف شناخت حصولی، خود معلوم در نزد عالم حاضر است و عالم به خود معلوم علم پیدا می‌کند، نه اینکه علم او به معلوم از طریق صورت ذهنی یا مفهوم آن معلوم باشد؛ مانند علم ما به وجود خودمان یا احساس درد دندان در درون خودمان. پس انسان نسبت به خودش هم می‌تواند علم حصولی داشته باشد و هم علم حضوری، و اگر گفته شده است که شناخت انسان از خودش منجر به شناختش از خدا می‌شود، شامل هر دو نوع علم حصولی و حضوری می‌شود.

۱ ماهنامه معارف، مقاله تأملی در کتاب انسان‌شناسی اسلامی، ابوذر رجبی.

۲ انسان‌شناسی در قرآن، آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۲۵.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که شناخت حضوری انسان راهی برای آگاهانه شدن معرفت حضوری نسبت به خدا و شناخت حصولی انسان هم طریقی برای شناخت حصولی نسبت به خداست؛ که اولی با عبادت و تزکیه نفس و سلوک عرفانی حاصل می‌شود و دومی با تأمل و تدبیر در اسرار و حکمت‌هایی که در وجود انسان به ودیعت نهاده شده است. بر این اساس، شناخت انسان به شناخت خدا منجر می‌شود. برخی قرآن‌پژوهان این رابطه معرفتی را اینگونه تصویر نموده‌اند که انسان، روحی الهی دارد که در وی با نفخ ملکوتی دمیده شده است و این روح منفوخ، صبغه تجلی دارد و نه لَوْنِ تجافی؛ خصوصیت ظهور دارد؛ سمت آیت بودن دارد و نه غیر آن. معرفت چنین موجودی بدون شناخت نافخ، متجلی، ظاهر و صاحب آیت یعنی خداوند شدنی نیست؛ انسان خلیفه خداست و صبغه خلافت الهی، همان واقعیت اوست و معرفت خلیفه از آن حیثیت که خلیفه است، به شناخت «مُستخَلَفٌ عنهُ» می‌انجامد و چنین ویژگی‌ای جز در انسان نیست.^۲

۲. انسان‌شناسی و مسئله نبوت: نبوت به این معناست که افرادی به آن مرحله از رشد و تعالی دست می‌یابند که می‌توانند با خداوند ارتباط پیدا کنند و مجرای تحقق معجزات الهی و رساندن پیام‌های خداوند به سایر انسان‌ها قرار گیرند. چنین حقیقتی مستلزم آن است که ما قائل شویم انسان دارای چنین ظرفیت بالائی است.

۳. انسان‌شناسی و مسئله معاد: اعتقاد به حیات پس از مرگ، فرع بر این مطلب است که انسان دارای ساحتی روحانی و مجرد است، که بعد از جدایی از بدن می‌تواند بطور مستقل به حیات خود ادامه دهد و در هنگام قیامت به بدن برگردد.

۴. انسان‌شناسی و نجات از خودفراموشی: هر که به کلی درصدد خودشناسی و ارزیابی ساختار روح و روان خود برنیاید و به تنظیم قوای خود نپردازد، به خطر «خودفراموشی» و «غفلت از خویشتن» مبتلا خواهد شد. در اهمیت خودشناسی همین بس که انسان را از آفات و خطرات «خودفراموشی» می‌رهاند.^۳

۵. انسان‌شناسی و علم اخلاق: شالوده مباحث اخلاقی بر اصل «کمال‌پذیری نفس» و تأثیرپذیری آن از افعال اخلاقی استوار است. ما برای آگاهی از چگونگی تکامل نفس بوسیله افعال اخلاقی، باید کمال نفس را شناخته، رفتارهای اخلاقی خود را به‌عنوان راهی برای رسیدن به آن مقصد اعلی تنظیم کنیم.^۴

۱ شرح جلد هشتم اسفار، آیت‌الله مصباح یزدی، جزء اول، ص ۲۳-۲۴.

۲ آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۶۴.

۳ آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۶۸.

۴ برای مطالعه بیشتر در مورد ضرورت انسان‌شناسی، ر.ک: معارف قرآن، آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۳۲۱-۳۲۴.

بر این اساس، تسلط به مبانی انسان‌شناسی اسلامی یکی از لوازم و نیازهای ضروری استادیاران محترم در تربیت متریبان (هر متربی به مثابه یک انسان) است. برخی از مهم‌ترین سرفصل‌های مورد نیاز استادیاران در این راستا که تسلط ایشان بر محتوای آن و نیز بر نحوه کیفیت ارائه آن‌ها به سرمربیان، مربیان و سرگروه‌ها را اقتضاء دارد، عبارت است از:

۱-۵- انسان‌شناسی خلقت در قرآن (مبتنی بر فطرت)

درباره پیدایش و آفرینش انسان، آیات فراوانی وجود دارد؛ برخی از آیات، آفرینش حضرت آدم را گزارش می‌دهند؛ پاره‌ای دیگر از آفرینش نخستین انسان سخن می‌گویند؛^۲ آیات دیگری نیز به پیدایش همه انسان‌ها می‌پردازند.^۳ در این میان آیاتی از قرآن نیز به بیان هدف از آفرینش انسان پرداخته‌اند و از عبادت،^۴ ابتلاء و امتحان،^۵ رحمت^۶ و نمایش قدرت الهی^۷ به عنوان اهداف آفرینش سخن به میان آورده‌اند. قرآن همچنین خلقت بشر را با فطرت توحیدی معرفی نموده و آن شکل خلقت را تبدیل‌ناپذیر می‌داند: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لِاتَّبَعِدْ لِحَلْقِ اللَّهِ» (روم/۳۰)؛ فطرتی که از منظر امام خمینی^(ره)، بر استقامت و نیکی و حبّ به خیر سرشته شده است اما خود او حجاب‌ها و تارهایی را بر فطرت خویش می‌تند.^۸

قرآن همچنین در باب خلقت با اشاره به آفرینش نفس انسان و اینکه خلقتش مستوی، معقول و بدون نقص و عیب است: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهُ» در بیان استوای خلقت جان آدمی فرموده است: «فَالهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس/۷). در واقع تسویه جان آدمی به همین الهام اوست؛ به گونه‌ای که اگر انسان فجور و تقوای خود را نداند، نفسش موجودی ناقص الخلقه است؛ یعنی اعتدال خلقت انسان به آگاهی او از مایه سعادت و شقاوت خویش است و الهام درست و نادرست به وی سبب تسویه و تعدیل خلقت و آفرینش او می‌شود.^۹ آگاهی یک مربی از این مسئله در مسیر تربیت متربی و استفاده از این الهامات فطری و بهره‌برداری از این زمینه حاضر در وجود متریبان، فرایند تربیت محسوب می‌شود که از سوی شهید مطهری به «فراهم نمودن زمینه رشد استعدادی که در موجودات زنده قرار داده شده است»، تعریف شده.^{۱۰}

۱ و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (حجر/ ۲۸)

۲ و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره/ ۳۰)

۳ هَلْ أُنَبِّئُكَ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا (انسان/ ۱)

۴ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/ ۵۶)

۵ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (ملک/ ۲)

۶ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ لِيذِكَ خَلَقَهُمْ (هود/ ۱۱۹)

۷ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (طلاق/ ۱۲)

۸ امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۴۵.

۹ آیت الله جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۷۱.

۱۰ شهید مطهری (ره)، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۶۴.

۲-۵- انسان‌شناسی فلسفی در قرآن (مبتنی بر جنبه روحانی انسان)

یکی از شاخه‌های مورد توجه قرآن در حوزه انسان‌شناسی، توجه به مفاهیم انسان‌شناسی از جمله مفهوم روح^۱ و نفس^۲، کیفیت آن‌ها و نحوه اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها است. از آن جهت که بحث در حقیقت روح و نفس یک بحث فلسفی و عقلی است، ما در این بخش از نوشتار، از آن به انسان‌شناسی فلسفی تعبیر نموده‌ایم. قرآن انسان را تنها جنبه مادی نمی‌داند، چون این را حیوانات هم دارند. پاره‌ای از آیات^۳ مراحل خلقت انسان را چنین برمی‌شمارد: عصاره‌ای از گل؛ نطفه‌ای در جایگاهی استوار؛ علقه؛ مضغه؛ شکل‌گیری استخوان‌ها و پوشاندن استخوان‌ها با گوشت. همه این مراحل را حیوانات نیز به همین شکل یا با اندکی تفاوت دارند؛ اما در همین آیات، پس از بیان مراحل خلقت جسمی انسان، سخن از انشای خلق دیگری است: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» و این همان وجه تمایز انسان از سایر حیوانات است. و این روح الهی منشأ حیاتی است که فصل الفصول حقیقت انسان است و این فصل الفصول، همان «بیان» است که در سوره مبارک «الرحمن» آمده است؛^۴ شکل تنظیم صدر و ساقه آیات «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن/۱۶) نشان می‌دهد که انسانیت انسان به تعلّم معارف قرآنی است. بنابراین تعلیم معارف قرآن است که به روح انسان شرافت وجودی می‌دهد و انشای چنین خلقی است که «فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» را به دنبال دارد و دمیدن چنین روحی است که امر به سجود را در پی می‌آورد: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/۲۹). پیامبران نیز آمدند تا انسان را در این جنبه روحانی و برای ساخت انسانیت واقعی یاری دهند. امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث می‌نویسد خداوند پس از آنکه فطرت توحید و فطرت معرفت را در وجود انسان نهاد او را به دست خود نسپرد، چون می‌دانست به دلیل گرفتاری به قوای حیوانی شهوت و غضب و قوه واهمه به زودی از نور فطرت محجوب خواهد شد؛ پس پیامبرانی را فرستاد تا او را در ساختن انسانیتش یاری رسانند.^۵

۳-۵- انسان‌شناسی ارزشی در قرآن (مبتنی بر ویژگی‌های ممدوح و مذموم انسانی)

انسان در جهان‌بینی اسلامی دارای ویژگی‌ها و صفات متعددی است و مدح‌ها و مذمت‌های فراوانی از وی شده است. البته این مدح و ذم، بدین معنا نیست که انسان یک موجود دو

۱ اسراء/۸۵؛ سجده/۸؛ تحریم/۱۲.

۲ یوسف/۵۳؛ قیامت/۲؛ فجر/۲۷.

۳ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْقَةً فَيَرْتَدُّ إِلَىٰ أَوَّلِ بَيْتٍ فَمَا يُخْبِرُ فَحَقَّنَا عِلْمًا فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (مؤمنون/۱۴-۱۲).

۴ جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۱۴۱-۱۴۰.

۵ امام خمینی (ره)، چهل حدیث، ص ۱۵۶.

سرشتی است: نیمی از سرشتش ستودنی است و نیم دیگر نکوهیدنی، بلکه بدین معناست که انسان موجودی ذو ابعاد است که همه این کمالات و نواقص را بالقوه دارد و باید کمالات را به فعلیت برساند، و این خود اوست که باید سازنده و معمار خویشتن باشد. آیات قرآن در نکوهش و ستایش انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند. آیاتی به مدح از انسان و شخصیت انسانی پرداخته‌اند و از او به عنوان خلیفه خدا در زمین^۱، موجودی دارای قدرت شناخت و تفکر و برخوردار از ابزارهای آن^۲، دارای فطرت خود آگاه^۳، دارای عنصر ملکوتی و روح الهی^۴، حامل امانت الهی^۵، دارای کرامت و شرافت^۶، مالک نعمت‌های زمین^۷، مختار و انتخاب‌گر^۸ (دارای قوه عقل و اندیشه «حجت باطن در برابر حجت ظاهر») و... نام برده‌اند. از سوی دیگر، آیاتی نیز به مذمت و نکوهش از انسان پرداخته‌اند و از انسان با عناوینی چون ظالم و نادان^۹، ناسپاس در برابر نعمت‌ها^{۱۰}، طغیان‌گر در آسایش و بی‌نیازی^{۱۱}، عجول و شتابزده^{۱۲}، تنگ‌نظر و بخیل^{۱۳}، حریص و اهل جزع و فزع^{۱۴}، مجادله‌گر^{۱۵}، ضعیف^{۱۶} و... یاد نموده‌اند.

مبدأ این ستایش‌ها، فطرت‌گرایی و منشأ این نکوهش‌ها، طبیعت‌گرایی انسان است؛ نه خود طبیعت یا فطرت او، چون این دو، قوای روح و مخلوق تکوینی خدایند. به دیگر سخن، حاکمیت فطرت بر وجود، به رعایت عدالت و حفظ امینانه امانت می‌انجامد و چون انسان به اختیار خویش فطرت را حاکم کرده است، قرآن او را می‌ستاید و کار او را حسن می‌داند. حاکمیت طبیعت بر وجود نیز به ظلم به خویشتن و خیانت در امانت پایان می‌پذیرد و چون

۱ و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره/۳۰)

۲ وَ جَعَلْ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ (نحل/۷۸)

۳ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم/۳۰)

۴ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ (سجده/۹)

۵ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَسْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ (احزاب/۷۲)

۶ وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً (اسراء/۷۰)

۷ خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً (بقره/۲۹)؛ وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً (جاثیه/۱۳)

۸ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكراً وَ إِمَّا كُفُوراً (انسان/۳)

۹ ... وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُوماً جَهُولاً (احزاب/۷۲)

۱۰ وَ هُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُوراً (حج/۶۶)

۱۱ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ؛ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (علق/۶ و ۷)

۱۲ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولاً (اسراء/۱۷)

۱۳ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُوراً (اسراء/۱۰۰)

۱۴ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً؛ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً؛ وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً (معارج/۱۲-۱۹)

۱۵ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (كهف/۵۴)

۱۶ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (نساء/۲۸)

انسان به سوء اختیار خویش طبیعت را حاکم کرده است، قرآن او را نکوهش می‌کند و کار او را زشت می‌شمارد. بر این اساس، در قرآن هر جا نکوهش انسان مطرح است، گفت‌وگو از انسانی است که از خاک آفریده شده است و به سوی آن گرایش تام دارد و هر جا از کرامت و بزرگی مقام انسان سخن می‌رود، درباره انسانی است که مسجود فرشتگان و جانشین خدا در زمین است؛ یعنی نکوهش‌ها به طبیعت‌گرایی انسان و ستایش‌ها به روح فطرت‌خواهی او برمی‌گردد.^۱

بنابر از آنچه گذشت، مشخص می‌گردد انسان‌شناسی اسلامی با معرفی دقیق ابعاد وجودی انسان، زیرساخت‌های معرفتی تربیت و تکامل اجتماعی انسان را فراهم می‌آورد. انسانی که در مباحث انسان‌شناسی، برای خویش مبدأ و مقصدی و روح و روانی قائل شود، انتساب خود به خدای سبحان را بپذیرد و به مسئله خلافت الهی، امانت الهی، کرامت و شرافت، هدف‌داری، انتخاب‌گری و روح الهی توجه نماید، بی‌شک بر روابط و تربیت اجتماعی او اثر می‌گذارد و در انواع ارتباط‌های اجتماعی، اسیر ستمگری، نادانی، ناسپاسی، طغیانگری، شتاب‌زدگی، تنگ‌چشمی، مجادله‌گری، ضعف، حرص و جزع و فزع نمی‌گردد. اگر وی بداند که از کجا آمده و به کجا می‌رود و در این مسیر چه دارایی‌ها و امکانات ارزشمندی دارد، احساس هویت و مسئولیت خواهد کرد و به‌راحتی خود را اسیر ضلالت و اغواء نمی‌سازد.^۲

آسیب‌شناسی یعنی شناسایی عوامل تأثیرگذار منفی در اجرای مأموریت مورد انتظار و رسیدن به هدف. یک «آسیب»، معمولاً سه ویژگی کلی و اساسی دارد: حرکت را کند یا متوقف می‌کند، فراگیر است و رفع آن نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و پیچیده دارد. آسیب‌شناسی استادیار را از فرو رفتن در اشتباهات و لغزشگاه‌ها

۶. تسلط بر آسیب‌شناسی تربیتی و ارائه راه‌کارهای برون‌رفت از آن‌ها

ایمن می‌کند. توانایی شناخت آسیب‌ها یکی از توانمندی‌های لازم برای کسی است که کار تربیتی انجام می‌دهد. به‌عنوان نمونه یکی از آسیب‌های جدی تربیتی، ملازم ندانستن «دانش دینی» با «رفتار دینی» و یا به عبارتی دیندانی با دینداری است. اطلاعات و دانش دینی به‌تنهایی سبب کمال نمی‌شود، بلکه لازم است آموزش دینی به همراه پرورش حس دینی باشد تا بتواند سبب تقویت تمایلات فطری گردد. در واقع این امر با تعریف تعلیم و تربیت ملازم است که کسب علم و سواد هنگامی مؤثر است که به کمک تقویت حس معرفت و حقیقت‌جویی بیاید. بنابراین استادیار بایستی هم این نکته را در نظر خویش داشته باشد و

۱ آیت الله جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۲۱۵-۲۱۳؛ نیز: فطرت در قرآن، ص ۲۳.

۲ ر.ک: مقاله انسان‌شناسی اسلامی به مثابه انسان‌شناسی اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، عبدالحسین خسروپناه، ذیل بخش انواع انسان‌شناسی در قرآن.

هم آن را به مربیان گوشزد نماید.

تعدادی از مهم‌ترین آسیب‌های تربیتی پیش روی طرح صالحین، در فصل چهارم این کتاب، ذیل بخش «نظرات سرمربیان محترم در همایش‌های سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲» -بخش سوم- منعکس گردیده است که استادیاران محترم برای مطالعه این بخش می‌توانند به آن مراجعه نمایند.

۷. قابلیت الگو بودن در امور معنوی

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های یک استادیار، الگو بودن وی برای مخاطبان تربیتی خود است. الگو، فرد یا چیزی است شکل گرفته در یک گروه اجتماعی، تا به‌عنوان مدل یا راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید. افراد در هنگام عمل به‌طور طبیعی با الگوها سرکار دارند و اعمالشان را با آن‌ها تطابق می‌دهند. چراکه انسان طبیعتاً تقلیدگر بوده و در شکل‌دهی رفتار و سلوک، شخص یا اشخاصی را مقتدی، الگو و اسوه قرار داده و مدل رفتاری آنان را سرمشق خویش می‌سازد. زبان الگو، زبان عمل است در نتیجه تأثیری که الگو بر افراد می‌گذارد، بسیار عمیق‌تر و ماندنی‌تر از گفتار است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلْسِنَتِكُمْ»؛ امام صادق (ع) فرمودند: مردم را با عملتان [به خوبی‌ها] دعوت کنید، نه با زبانتان.

به نظر بسیاری از روانشناسان، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، «یادگیری مشاهده‌ای» است. بر همین اساس، یکی از روش‌های تربیت، تربیت به وسیله الگو است. روش تربیت الگویی، یکی از روش‌های فراگیر و بسیار مؤثر در تربیت است. فراگیر بودن آن بدان جهت است که در کلیه امور و مراحل زندگی کاربرد دارد و از آنجا که محتوای تربیت را به‌صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی بسیار مؤثر است.

دین اسلام که با فطرت و سرشت آدمی سازگار و احکام و آموزه‌هایش در جهت به کمال رساندن فطرت انسان زیور صدور یافته‌اند، به این نیاز فطری آدمی توجه کافی مبذول داشته است. قرآن نمونه‌هایی را به‌عنوان الگو و اسوه برای انسان‌ها معرفی و بر پیروی از آنان ترغیب کرده است.^۲ بی‌شک کامل‌ترین اسوه و برترین الگویی که می‌توان تصور کرد، وجود پیامبر اسلام (ص) است که خداوند ایشان را به‌عنوان الگو و سرمشق برای عمل معرفی نموده است:

«لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه». (احزاب/۲۱)

از آنجائی که در لسان قرآن، پیامبر اکرم (ص)، نمونه بارز الگوی اسلامی و معنوی در تمامی جهات

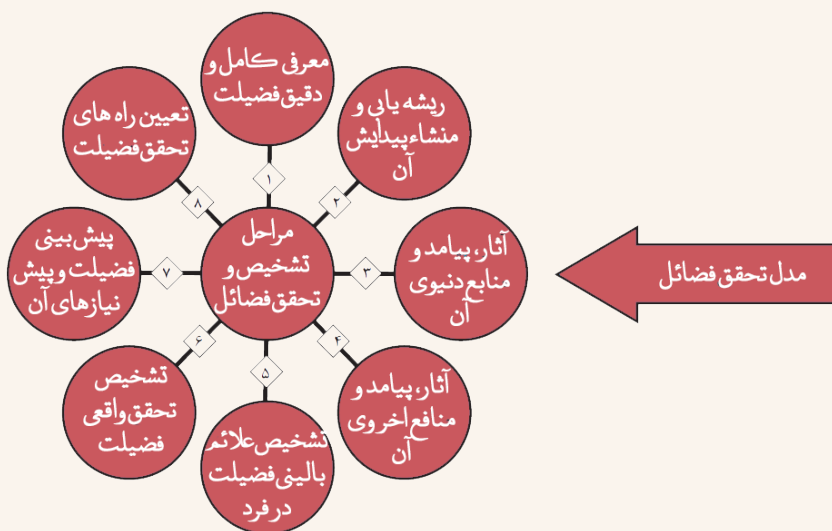
۱ قرب الاسناد، ص ۳۷.

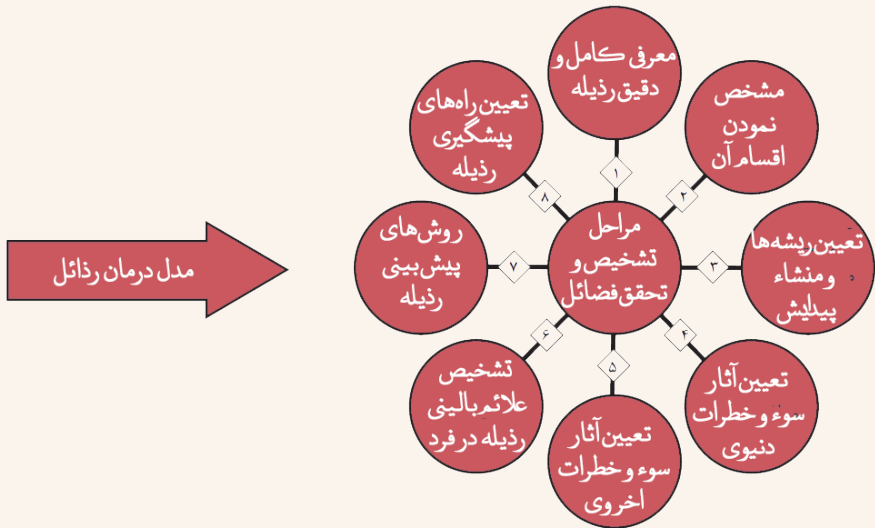
۲ احزاب/۲۱؛ ممتحنه/۴؛ ممتحنه/۶؛ تحریم/۱۱.

زندگی معرفی شده‌اند، با نزدیک نمودن سیره زندگی خود به سیره ایشان، قابلیت الگو بودن برای ما نیز (به میزان این نزدیک ساختن) حاصل می‌شود.
 ذات نایافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش؟
 و یا به فرموده امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «كَيْفَ يُصْلِحُ غَيْرَهُ مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ؟!»؛ کسی که خود را اصلاح نکرده است، چگونه می‌تواند دیگران را اصلاح کند؟
 سرمربیان، مربیان و سرگروه‌ها می‌توانند راهنمای عملی تربیت را در سیره و رفتار استادیاران محترم مشاهده و از آن در تربیت خود و نیز تربیت مربیان، سرگروه‌ها و متربیان الگوبرداری نمایند.

۸. توانمند در حوزه مدیریت تربیتی و رفتاری

مراد از توانمندی در مدیریت تربیتی و رفتاری، تسلط بر مهارت‌ها و روش‌های تبدیل آموزه‌های دینی به رفتار اسلامی و تثبیت و ملکه ساختن آن‌ها در مجموعه تحت نظارت یک استادیار است. به‌منظور رفتارسازی اسلامی و تحقق فضائل یا تشخیص و درمان ردایل اخلاقی و دفع و رفع آسیب‌ها و آفت‌های اخلاقی در این زمینه می‌بایست مدل و نظام مواجهه خود را در برخورد با فضائل و ردایل درونی فرد را مشخص نماییم تا با عملیاتی نمودن آن مدل و در نتیجه آن، رفتارسازی اسلامی رخ دهد. نظامی که می‌تواند این مهارت را در یک استادیار یا سرمربی ایجاد نماید، بدین گونه ارائه شده است:





۹. توانمندی مدیریت شبکه‌ای

اساس نظام تربیتی طرح صالحین بر تربیت شبکه‌ای و تشکیلاتی استوار است. رهبر معظم انقلاب درباره لزوم فعالیت‌های شبکه‌ای برای پیشبرد اهداف انقلاب می‌فرمایند:

«ما اعتقادمان این است که بهترین راه و برترین حربه‌ای که

می‌تواند راه‌ها را باز کند و هدایت الهی را و هدایت انقلابی را در ذهن‌ها و جان‌ها بنشانند و به میوه بیاورد، ثمره کند؛ یک تشکیلات است. ما عقیده داریم که اگر چنانچه کسانی بخواهند برای انقلاب کار کنند و این‌ها متشکل نباشند، متجمع نباشند، نخواهند توانست از لحاظ کمیت آن کاری را بکنند که یک گروه متشکل انجام خواهند داد. تشکیلات یکی از فرائض هر گروه مردمی است که هدفی را دنبال می‌کنند. تشکیلات یعنی نظم، یعنی تقسیم وظایف، یعنی ارتباط و اتصال، و زنجیره‌ای کار کردن؛ این معنای تشکیلات است.»^۱

شهید بهشتی^(ع) در تعریف تشکیلات می‌گوید: «تشکیلات یعنی مجموعه‌ای از افراد که بر اساس آرمان مشترک و ایمان مشترک و باور مشترک و نقطه نظرهای مشترک گرد هم می‌آیند تا جماعت بشوند»^۲ و در این راستا تأکید می‌کند:

«ما برای اینکه بتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم؛ بی‌شک باید متشکل باشیم. رابطه‌های ایمانی و اعتقادی و عملی دیمی سازمان نیافته برای رسیدن به بخشی از اهداف و تحقق

بخشیدن به قسمتی از مراحل یک انقلاب می‌تواند کافی باشد، ولی برای رسیدن به تمام اهداف و تحقق بخشیدن به همه آرمان‌های یک انقلاب کافی نیست. ما در پرتو اعتقاد به اسلام و اعتقاد به وظایف اسلامی در صدد جهاد برآمدیم. ما می‌دانستیم که اسلام زن و مرد مسلمانی را می‌خواهد که نه فقط مراقب مسلمان بودن و مسلمان ماندن خویش هستند؛ بلکه مراقب مسلمان بودن و مسلمان ماندن و مسلمان‌تر شدن محیط اجتماعی هم هستند. ما همه مشتاق بودیم برای ایجاد یک محیط پاک و اسلامی تلاش کنیم. فراوان بودند کسانی که این روحیه و این جوش و خروش را داشتند و انسان‌های تک‌تک متعهد و مسئول فراوان وجود داشت؛ اما اثر کارمان در مقابله با ناپاکی‌ها و ناروایی‌های محیط کم بود. چون نمی‌توانستیم همه با هم کار کنیم. پیروزی بر ستم‌ها و ناروایی‌ها و ناپاکی‌های محیط احتیاج داشت به یک نیروی بزرگ و ما تک‌تک پراکنده بودیم.»^۱

بنابراین ضرورت و اهمیت تحقق و راهبری یک چنین تشکیلات تربیتی در راستای رفتارسازی در جامعه روشن می‌گردد.

در ادامه به برخی از مهم‌ترین اصول مدیریت صحیح شبکه تربیتی می‌پردازیم. وقتی سخن از اصول مدیریت شبکه تربیتی در میان است، مقصود قواعد و معیارهایی است که در فرآیند مدیریت یک شبکه تربیتی باید آن‌ها را مراعات کرد.

اصول مدیریت شبکه تربیتی:

اصل ۱: تعیین و درجه‌بندی دقیق اهداف

مهم‌تر از تعیین اهداف کلی، تعیین و تدقیق اهداف جزئی است که معمولاً تبیین آن، کار دشوار و سختی است. چشم‌اندازی کلی از مطلوب خود داشتن، امر سختی نیست، اما آنگاه که این امر قالب تشخیص و جزئیت به خود می‌گیرد و بایستی ابعاد و زوایای آن روشن شود، دشواری و صعوبت آن آشکار می‌گردد.

در ترسیم هدف‌های شبکه تربیتی باید توجه داشته باشیم که:

اولاً این هدف‌ها قابل فهم باشند. ثانیاً هدف‌ها باید قابل اجرا و دست‌یافتنی باشند. ثالثاً هدف‌ها باید مرتبط با یکدیگر و مؤید هم باشند و نیز در یک راستا و جهت باشند. رابعاً هدف‌ها باید همه‌جانبه باشند؛ یعنی بایستی هم شامل حیطه شناختی (مربوط به سطح باورها و شناخت‌های فرد) باشند و هم احساسات و عواطف فرد را پرورش دهند و تأمین کنند و هم هدایت‌کننده رفتارهای او باشند. بنابراین به عنوان نمونه در مورد هدفی مانند «نماز»، تنها نباید یک هدف شناختی (آموزش صورت خواندن نماز تا برای متریان نسبت به چگونگی

۱ روح تشکیلات اسلامی، گفتاری از دکتر بهشتی، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی:

نماز خواندن شناخت حاصل شود) تعریف کنیم، بلکه هدف اصلی در شبکه تربیتی صالحین، در کنار هدف شناختی پرداختن به هدف عاطفی (تلاش برای علاقه‌مند نمودن متریبان به نماز خواندن) و نیز هدف رفتاری (نماز خواندن متریبان در عمل) است و آن‌ها را نیز باید در نظر داشت. توجه به این نکته بسیار ضروری است که علم بدون عمل در روایات بسیار مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است و از این رهگذر ضرورت کاربردی و بالینی شدن آموزه‌های دینی روشن می‌گردد.^۱

از سوی دیگر، روح کلی اهداف در یک تشکیلات اسلامی، می‌بایست «سیر الی الله» باشد که هیچگاه نباید از آن غافل شد. شهید بهشتی^(ع) در این باره می‌فرماید:
«ما همیشه بر داشتن یک تشکل پافشاری داریم؛ اما با این شروط که:

۱. تشکل باید سازنده ما، آسان‌کننده خودسازی برای ما و کمکی به «سیر الی الله» برای شرکت‌کنندگان در این تشکل باشد.

۲. تشکل باید پاسدار ارزش‌ها باشد، نه پاسدار خود؛ نگهبان ارزش‌ها باشد، نه نگهبان خود.

۳. تشکیلات می‌بایست به درد مردم بخورد، نه اینکه یک باری باشد. در یک تشکل ایمانی، تفوق و برتری کارکرد ساختار اسلامی و نیروهای مؤمن می‌بایست به چشم بخورد. تشکل اسلامی باید به گونه‌ای باشد که خواهر مسلمان و برادر مسلمان ما که از یک هم‌سن و هم‌کلاسی و هم‌رتبه غیرمسلمانانش در مقام عمل دینی صالح‌تر است، در مقام عمل اجتماعی نیز سودمندتر باشد. اگر عمل شما به حال مردم سودمند واقع شود، ماندنی خواهید بود. این بیان قرآن است: «فاما الزبد فیذهب جفاء واما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض» (رعد/۱۷). سودمندی بیشتر ما باعث پیروزی ماست. به همین جهت در خودسازی فردی و جمعی انجمن‌هایتان باید طوری برنامه‌ریزی کنید که در صحنه خدمت به مردم بدرخشید؛ نه برای تعریف مردم بلکه برای خدا.

۴. به آینده امید کامل داشته باشد. هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. آدم‌هایی که ایمان به خدا ندارند، آن‌هایی هستند که از گشایش آفرینی خدا در تنگناها مأیوس می‌شوند. انسان‌های مؤمن همیشه باید امیدوار باشند. نگذارید نیروی ایمان در شماها خدای ناکرده پژمرده و ضعیف شود. این ایمان باید روز به روز تقویت گردد.»^۲

۱ میزان الحکمه، ج ۸، باب «برحذر داشتن از علم بدون عمل».
۲ سخنرانی شهید آیت‌الله بهشتی در جمع انجمن‌های اسلامی بهزیستی

اصل ۲: مخاطب‌شناسی

مخاطب‌شناسی در واقع شناخت مخاطبان، تطبیق مباحث انسان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی اسلامی بر آنان و یافتن دقیق ویژگی‌ها، نیازها، توانایی‌ها، روحیات و استعدادهاى ایشان است تا از این منظر:

۱. رشد معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی متناسب با شناخت از مخاطب رقم بخورد.
۲. جانمایی افراد در اجرای برنامه‌ها و مسئولیت‌های مختلف (ارکان شجره، مدیران و...) متناسب با استعدادها و توانایی‌های ایشان، به صورت صحیح انجام شود.
۳. برنامه‌ها متناسب با نیازها و ویژگی‌های مخاطبان طراحی گردد.
۴. تجزیه، تحلیل و بازخوردگیری‌ها - که وابستگی شدیدی به شناخت مخاطب دارد - به صورت دقیق و صحیح انجام شود.

بر این اساس، اصل مخاطب‌شناسی به‌عنوان دومین اصل اساسی از اصول مدیریت یک شبکه تربیتی اهمیت فراوانی می‌یابد. مخاطب‌شناسی یکی از پیش‌نیازهای کادرسازی است و میزان سرمایه‌گذاری برای کادرسازی به میزان برخورداری مخاطب از قوا و استعدادهاى لازم می‌باشد. با توجه به قوا و استعداد افراد است که در گام‌های بعدی، می‌توان افراد را در مسئولیت‌های مختلف به‌کارگیری نمود. به فرموده شهید بهشتی^(۶): «گاه ما یک فرد متدین و خوبی را می‌گذاریم رأس کاری ولی چون توانایی‌اش ضعیف است، اثر بدی می‌گذارد. شما باید مدیرهای مؤمن و متعهد ۱۰ سال آینده را هم کشف کنید و هم بسازید.»



بازدید استادیاران از گروه‌های صالحین در پایین‌ترین سطح خود یکی از ضمانت‌های لازم برای جلوگیری از انحرافات تربیتی و اشتباهات در سطح مربیگری است.

۱ سخنرانی شهید آیت الله بهشتی در جمع انجمن‌های اسلامی بهزیستی

اصل ۳: توجه به خودسازی و رفع اشکالات و ضعف‌های شخصی

مرحوم آیت‌الله شهید بهشتی، درباره اهمیت این مسئله می‌فرماید: «هر یک از ما وظیفه داریم که آن ضعف‌های شخصی خود را سخت مراقبت کنیم. یک نفر تا بیرون تشکیلات هست اگر نقطه ضعفی دارد، ضعف شخصی محسوب می‌شود ولی وقتی وارد تشکیلات می‌شود، ضعف شخصی‌اش ضعف شخصی همراه با یک نوع امکان سرایت و سوار بر یک مرکب تیزی و تندرو است. در تشکیلات، گسترش ضعف‌ها ممکن است خطرناک‌تر و شدیدتر باشد و به همین دلیل مراقبت از ضعف‌های شخصی افراد لازم است. سوءظن‌ها، بدگمانی‌ها و بدتفسیرکردن‌ها همه از چنین ضعف‌هایی هستند و باید خیلی مراقبت کنیم. برای این‌که این ضعف‌ها تا ضعف شخصی است، یک گناه است ولی وقتی که در یک جمع باشد، گناه مضاعف و هم عقاب آخرتی آن مضاعف است؛ چراکه نتیجه زحمات فراوان انسان‌های تلاش‌گر در راه خدا با یک چنین ضعف‌هایی به هدر می‌رود و حَبَط و ضایع می‌شود و تلاش‌های خود انسان را در آن دنیا هم به هدر می‌دهد. ما باید یک حرکت سازنده و خودساز داشته باشیم. البته آن‌هایی که مربی‌اند، در اثناء تربیت، خودشان هم ساخته می‌شوند. همان‌طور که دارد دیگران را تربیت می‌کند، دارد خودش را هم تربیت می‌کند.»^۱

شهید بهشتی^(۶)، در تبیین اهداف تشکیلاتی حزب جمهوری اسلامی، یکی از مهم‌ترین ضعف‌های شخصی افراد در تشکیلات را «حس ریاست‌طلبی» عنوان نموده و تأکید می‌کنند: «اگر کسانی در این حزب با این روحیه (ریاست‌طلبی) بودند من از همین حالا می‌گویم که حزب جمهوری اسلامی آن‌وقت «حزب‌الشیطان» است و نه «حزب‌الله»، آن وقت روح تشکیلات روح شیطانی می‌شود. مگر شیطان چه کار کرد؟ استکبار کرد. بدترین خصلتی که از شیطان در قرآن یاد می‌شود، استکبار است. خود را بزرگ‌تر تلقی کردن، خودبزرگ‌بینی و بزرگی فروشی که لازمه قدرت‌طلبی است. غالب کسانی که تشنه قدرت‌اند معمولاً هم خودبزرگ‌بین بار می‌آیند -یعنی خودشان را بهتر از آنچه هستند می‌بینند- و هم بزرگی فروشی می‌کنند و مستکبرند و متکبرند و جبارند و حزبی که این افراد همه کاره باشند، حزب‌الشیطان است. در هر نقشی که باشند ولو در نقش یک سخنران ورزیده که وقتی سخنرانی می‌کند، آن چیزی که از آن لذت می‌برد این است که من یک سخنرانی هستم که وقتی سخنرانی می‌کنم، چشم و دل‌ها را به خود خیره می‌کنم. این فرد نمی‌تواند پیام ائمه نور را به مردم منتقل کند... این روح تشکیلات است. لذا ما گفتیم نخستین جا در هر منطقه برای حزب، اول مسجدها و مدرسه‌هاست و چون سازندگی باید داشته باشد، جای

۱ گفتاری از شهید بهشتی (ره)، به نقل از خبرنامه دانشجویان ایران

سیاست‌بازان و سیاست‌پیشگان نیست. جای مجاهدان راه حق است به انواع جهاد و این در سیمای گفتار و رفتار اعضاء حزب باید نشان داده شود...»^۱

اصل ۴: جذب سطوح گوناگون متریبان به صورت مستمر به طرح صالحین

شهید آیت‌الله بهشتی^(ره) در این باره می‌فرماید: «گاهی دافعه خیلی قوی است، اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان، هم دافعه دارد و هم جاذبه. شما باید جاذبه‌تان زیاد باشد، باید کلماتان و رفتارتان چنان باشد که اطرافیان‌تان را یکی‌یکی جذب کنید. اصلاً باید برنامه داشته باشید برای جذب آن‌ها. مبدا فکر کنید این‌هایی که با ما مخالف هستند، دیگر کارشان خراب است و درست شدنی نیستند. خیر، انسان تغییر می‌کند. خیلی‌ها آدم‌های خوبی هستند، می‌لغزند و بد می‌شوند. خیلی‌ها آدم‌های بدی هستند و در اثر ارشاد و معاشرت خوب می‌شوند. تعالیم اسلام یادتان نرود. اسلام می‌گوید تا آخرین لحظات حیات، در توبه باز است.»^۲

بر این اساس، استادیاران محترم می‌بایست برای جذب ارکان مختلف موجود در طرح صالحین، برنامه‌ای از پیش تعریف شده و مشخص داشته باشند که این مهم در ایجاد شبکه تربیتی از یک‌سو و نیز تقویت ساختار شبکه از سوی دیگر نقش بسزایی را ایفا می‌نماید.

اصل ۵: توجه به همه امکانات انسانی و غیر انسانی موجود

یک مدیر شبکه تربیتی در وهله نخست می‌بایست همه امکانات انسانی و غیر انسانی، مادی و معنوی موجود در شبکه را شناسایی کند، تا هم قادر به استفاده صحیح و به‌هنگام از نیروها باشد و هم نسبت به ضعف‌ها و کاستی‌های موجود آگاه گردد و برای جبران و رفع آن‌ها برنامه‌ریزی نماید.

آنچه درباره این امکانات حائز اهمیت است، توجه به ماهیت و نوع این امکانات در شبکه تربیتی است. نگاه حاکم در این زمینه، امکانات زیر مجموعه یک مدیر را منحصر در امکانات مادی و مالی می‌داند و لازمه انجام یک فعالیت تربیتی را بودجه و فراهم آوردن هزینه‌های مادی مورد نیاز تلقی می‌نماید. اما در مقابل، یک مدیر شبکه تربیتی امکانات زیر مجموعه خود را بسیار فراتر از امکانات مادی و مالی در نظر گرفته، اخلاص، پشتکار، انگیزه قوی و سوز و گداز افراد را نیز امکاناتی می‌داند که می‌توانند به عنوان سرمایه‌های او لحاظ گردند. در این حالت است که انجام فعالیت‌های بزرگ با بودجه مالی اندک فراهم می‌گردد. سازماندهی صحیح و دقیق امکانات معنوی، خود بخش مهمی از مدیریت شبکه تربیتی است که با وجود آن، انجام بزرگ‌ترین فعالیت‌ها امکان‌پذیر است و در صورت عدم آن، با وجود بودجه‌های بسیار، کار

۱ روح تشکیلات اسلامی، گفتاری از دکتر بهشتی، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲ سخنرانی شهید آیت‌الله بهشتی در جمع انجمن‌های اسلامی بهزیستی

تربیتی به سرانجام واقعی نمی‌رسد.

رهبر معظم انقلاب در خصوص لزوم استفاده حداکثری از فرصت‌ها و امکانات موجود می‌فرماید: «امروز شما مسئولیت دارید، فرصت خدمت دارید، مدیریت دارید، می‌توانید کار کنید؛ از این فرصت حداکثر استفاده را باید کرد. از ساعات و آنات و امکانات گوناگون که در اختیار شماست، استفاده کنید. هر حرکتی در این نظام اسلامی، در این کشور اسلامی و الهی که خدمتی برای پیشرفت کشور باشد، از لحاظ معنوی، از لحاظ مادی، اجرایی دارد که انسان اگر در روز قیامت ببیند که کسانی برخوردارند و او محروم است، دچار یک چنین حسرتی خواهد شد.»^۱



ایشان با اشاره به لزوم توجه به استعدادها و ظرفیت‌ها نیز فرمودند: «در بدر امکانات کم بود، اما غلبه حاصل شد. امکانات طرف مقابل، چندین برابر؛ شاید در بعضی بخش‌ها، غیرقابل مقایسه با امکانات جبهه اسلام بود. در خیبر سختی وجود داشت؛ رفتند مدت‌ها آنجا ماندند؛ مقاومت دشمن شدید بود؛ اما غلبه پیدا کردند. چالش هست؛ اما در قبال چالش، توان و قدرت و استعداد و ظرفیت هم وجود دارد... این ظرفیت را به میدان آوردیم، اگر نقاط ضعف را کم کردیم، پیشرفت خواهیم کرد.»^۲

ایشان در تبیین این فرموده امام که «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، می‌فرمایند: «در چنان شرایطی که غم، دل‌ها را فرا گرفته و رجز خوانی‌های عراق همه دنیا را پُر کرده بود، نیروهای ما از کمترین امکانات مادی برخوردار نبودند. این‌که می‌گوییم کمترین امکانات مادی، یک حقیقت است. من

فراموش نمی‌کنم، یکی از سرداران و فداکاران آن روز به اتفاق چند نفر در اهواز پیش ما آمدند و چند قبضه خمپاره‌انداز می‌خواستند تا بتوانند قدری در مناطق جلوتر ایستادگی و مبارزه کنند؛ اما کسی نبود به این‌ها این چند قبضه خمپاره‌انداز را بدهد! ما برای سیم خاردار و گلوله و آرپی‌جی مشکل داشتیم؛ تانک و نفربر و امثال این‌ها که به جای خود. آنچه در اختیار ملت ایران بود، عبارت بود از یک اراده قوی و نشاط همه‌جانبه که برخاسته از ایمان و آگاهی بود. این‌که امام فرمودند خرمشهر را خدا آزاد کرد، یعنی این.»^۱

یکی از اساتید طرح صالحین نیز با تأکید بر همین مسئله می‌فرمود: «ویژگی مسجدی‌ها و بسیجی‌ها این است که کارشان کم‌هزینه و پرفایده است. امکانات، انسان را تربیت نمی‌کند و بودجه، توفیق به همراه ندارد. ما باید با اخلاص، اراده قوی، پشتکار، اتحاد، هماهنگی و پیگیری مستمر و هوشمندانه عمل کردن اقدام کنیم؛ چراکه این عوامل برای ما توفیق به همراه دارد... نبرد ما نبرد اراده‌هاست. در جنگ ۳۳ روزه لبنان بچه شیعیان ما بر اسرائیل غلبه کردند؛ نمی‌توان گفت جمعیت کم و یا جمعیت زیاد عامل شکست و یا پیروزی است بلکه اراده تعیین‌کننده است... اگر همت بلند و اراده قوی و ایمان به هدف باشد، امکانات فراهم می‌شود؛ اما اگر ارزش‌های اصلی نباشد هیچ کاری به سرانجام نخواهد رسید.»^۲

اصل ۶: سازماندهی صحیح و دقیق نیروها بر اساس استعدادها و قوای افراد

سازماندهی عبارت از فعالیت‌هایی است که به کارها و فعالیت‌ها نظم و ترتیب می‌دهد و برحسب توانایی افراد و میزان مهارت آن‌ها، وظایف و تکالیف را بین آنان تقسیم می‌کند. در این بخش، ابتدا مجموعه فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی ساختارمند شده و سپس همه منابع و امکانات انسانی و غیرانسانی برای اجرای فعالیت‌ها، لحاظ می‌گردند. به دیگر بیان، سازماندهی در مدیریت شبکه تربیتی طرح صالحین عبارت است از به‌کارگیری سرمربیان، مربیان، سرگروه‌ها و متربیان با توجه به استعدادها و نیازهای موجود به‌صورت صحیح و دقیق در گروه‌های خود و در قالب تشکیلات؛ بر اساس یک طرح از پیش برنامه‌ریزی و زمان‌بندی شده.

شهید بهشتی با طرح این دغدغه درباره اهمیت ساماندهی نیروها در یک تشکیلات می‌فرماید: «نیروهای مخلص مسلمان در جامعه ما فراوانند و جامعه ما یک باطری بسیار پرارزش از نیروهای نهفته است. انبار و خزینه و گنجینه نیروهاست ولی این نیروها یکدیگر را درست نمی‌شناسند و از وجود یکدیگر به اندازه کافی خبر ندارند. بطوریکه اجمالاً ما می‌دانیم، جامعه ما یک جامعه‌ای است پر از نیرو، اما وقتی دست به هر کاری می‌زنیم در همان قدم اول و دوم

۸۱/۳/۱۱

۲ حجت‌الاسلام و المسلمین نطافت؛ در ششمین دوره آموزشی اندیشه‌های آسمانی؛ تالار ابن‌هیثم مرکز تربیت معلم شهید بهشتی مشهد؛ ۹۲/۶/۴

می‌بینیم نیرو کم داریم. بعد وقتی هم شناسایی می‌کنیم، باز قدرت سازمان دادن و سامان دادن نداریم و تجربهٔ تشکیلاتی ما کم است. گاهی هم می‌بینیم که نیرو فراوان است و کار زیادی انجام نمی‌گیرد. بنابراین خیلی روشن به این نتیجه می‌رسیم که ما دچار ضعف تشکیلاتی هستیم و همواره از این یاد می‌کردیم که ایجاد تشکیلات اجتماعی بر پایهٔ اسلام از واجبات اساسی هر انسان متعهد، آگاه و مسلمان است.»^۱

اصل ۷: انعطاف منطقی و پویایی در عین پافشاری بر اصول

محتوای معرفتی، تربیتی و بصیرتی را می‌توان به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم کرد. در میان محتوای متغیر، بخشی از این تنوع به تکثر نیازهای آدمی و شیوه‌های گوناگون پاسخ‌گویی به آن‌ها باز می‌گردد و بخشی دیگر ناشی از همجواری یک فرهنگ با فرهنگ‌های دیگر و تعامل و تبادل و گاه تراحم با فرهنگ‌های دیگر است.^۲ امام علی(ع) در زمینهٔ انعطاف در برخوردها می‌فرماید: «فرزندم! هرگاه در میان قومی بودی آداب آن‌ها را پاس دار».^۳

انعطاف‌های عقلایی اسلام و برخورد پویا و انعطاف‌پذیر از جمله عوامل جذب افراد به فرهنگ اسلامی در سطح جهانی است. برنارد شاو نویسندهٔ معروف انگلیسی، با نظر به پویایی و انعطاف‌پذیری اسلام می‌گوید: «من همیشه نسبت به دین محمّد(ص) به واسطهٔ خاصیت زنده بودن عجیبش، نهایت احترام را داشته‌ام. به نظر من، اسلام تنها مذهبی است که استعداد برتری و تسلط بر حالت‌های گوناگون و متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد. چنین پیش‌بینی می‌کنم که ایمان به محمّد(ص) مورد قبول اروپای فردا خواهد بود.»^۴

بسیاری از فعالیت‌های تربیتی طرح صالحین از این پویایی و انعطاف برخوردار است. مانند «آب» که مایه حیات است و زنده بودن موجودات وابسته به اوست و در عین حال بسیار انعطاف‌پذیر است. آب را در هر ظرفی بریزیم، به شکل ظرف خواهد شد، اما ذات و ماهیت آن تغییر نمی‌کند و آثار و خواص خود را از دست نمی‌دهد. رشد و تربیت در عرصه‌های معرفتی، تربیتی و بصیرتی با روش‌های مختلف و در بسترهای متفاوت قابلیت اجرا دارد؛ در مساجد و محلات به شکلی و در سایر اقصاء، هر یک متناسب با اقتضائات خود به اشکال دیگر؛ با حفظ مبانی و اصول کار می‌توان ظروف گوناگونی را برای رسیدن به هدف تعریف نمود. برای مخاطب کودک ممکن است از ظرف بازی و برای مخاطبان دیگر به اقتضاء از جلسهٔ گروه و... بهره جست.

۱ روح تشکیلات اسلامی، گفتاری از دکتر بهشتی، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی:

<http://www.irdc.ir/fa/content/۶۳۳۹/print.aspx>

۲ فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، مقاله بررسی هوش فرهنگی، مؤلفه‌ها و راهبردهای آن در سازمان با رویکرد اسلامی، علی عسکری

۳ شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷

۴ مجموعه آثار، استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۱۹، ص ۱۰۱

بنابراین یک مربی با تجربه می‌تواند یک مطلب و محتوای دینی را با رعایت اصول لازم (مثلاً محکم و با استدلال سخن گفتن) متناسب با شرایط مخاطبان خود منتقل نماید. آیت‌الله حائری به‌عنوان نمونه خطاب به یکی از مربیان کودک می‌فرماید: «نگو من مربی بچه‌ها هستم تا سست و آبی صحبت کنی. آسان بگو ولی سست نگو! به شکلی این نسل را بساز و برای آن‌ها سخن بگو که اگر دیگران آمدند، بتوانند بقیه راه را ادامه دهند و آن‌ها را بسازند.»^۱

اصل ۸: مشارکت دادن صحیح ارکان طرح صالحین و نیز مسئولان ذی‌ربط

از جمله اصول مهم مدیریت شبکه تربیتی، استفاده مؤثر از ارکان شجره و مسئولان ذی‌ربط به اقتضاء در برنامه‌ها است. ماهیت برنامه‌ها و فعالیت‌های طرح صالحین چنین اقتضا می‌کند که از توان حداکثری مخاطبان برای پیشبرد اهداف تربیتی استفاده شود. مشارکت دادن صحیح و دقیق فرمانده ناحیه، مسئول تعلیم و تربیت ناحیه، سرمربیان، مربیان، سرگروه‌ها و مربیان به اقتضاء، در برنامه‌های مختلف صالحین، زمینه رشد و بالندگی شجره را بیش از پیش فراهم می‌آورد.

شهید بهشتی^(ره) پیرامون اهمیت مشارکت و تقویت ارتباط میان اعضا در تشکیلات می‌فرماید: «وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگ‌تر شوند. وقتی که همه یکجا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدرت بیشتر می‌کنید.»^۲

اصل ۹: زمان‌شناسی

در مدیریت شبکه تربیتی، «زمان» از جهات گوناگونی حائز اهمیت است. «زمان» یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها برای دولت‌ها، مدیریت‌ها و سازمان‌ها به حساب می‌آید و بهره‌گیری صحیح از زمان است که موفقیت یا شکست را رقم می‌زند. «سازمان‌دهی صحیح زمان»، بی‌تردید یکی از نخستین بندهای هر دستورالعمل برای موفقیت است.

مدیر تربیتی موفق کسی است که نسبت به هر یک از سه زمان حال، گذشته و آینده، برنامه و ایده مشخصی داشته باشد. گذشته هر جامعه‌ای سرشار از وقایع و حوادث شیرین یا تلخ است. وقایع شیرین به عنوان تجربه مفید و نقشه عمل در آینده می‌تواند مفید باشد. وقایع و حوادث اسفناک و تلخ گذشته نیز باید در خاطره‌ها زنده بماند تا از آن عبرت گرفته شده، دیگر تکرار نگردد.

بعد دیگر زمان، حال است. منظور از زمان حال، وضعیت و فرصتی است که هم‌اکنون در اختیار ما است و از آن در مسیر اهداف تربیتی استفاده می‌گردد. زمان آینده سومین جنبه زمان‌شناسی است. از این حیث، دوراندیشی و آینده‌نگری برای یک مدیر تربیتی موفق ضروری است.

۱ خاطرات حجت الاسلام قرائتی، ج ۱، ص ۴۸

۲ سخنرانی شهید آیت الله بهشتی در جمع انجمن‌های اسلامی بهزیستی

از سوی دیگر «زمان‌شناسی» به معنای درک و شناخت صحیح مقتضیات و موانع حال و روز و نیز آینده، از دیگر جنبه‌های مورد نیاز یک استادیار و مدیر تربیتی است. امام صادق(ع) از جمله فواید زمان‌شناسی - به این معنا- را این می‌داند که اشتباهات و شبهه‌ها و لوابس فرد را فرا نمی‌گیرد و راه خروج از آن‌ها را تدارک می‌بیند: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»^۱ در حقیقت ثمره مهم زمان‌شناسی «بصیرت» است که تأثیر خود را بر رفتارهای دیگر مدیر می‌گذارد. پیامبر اکرم (ص) از جمله ویژگی‌های انسان عاقل را بصیرت به زمان و احوال آن می‌داند: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ...»^۲

شناخت جریان‌های تربیتی و فرهنگی موجود در هر جامعه، احزاب و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها و نوع تفکرات رایج در هر جامعه و به دنبال آن اشخاص صاحب فکر و نفوذ در آن جامعه، از دیگر ضرورت‌های لازم برای شناخت زمان است.

اصل ۱۰: نظارت و سنجش عملکردها با استفاده از ابزارهای انسان‌شناسی اسلامی

نظارت بر اجزای شبکه و سنجش عملکرد نیروها در آن، ضرورت و اهمیت بسیاری دارد. رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت این مسئله می‌فرماید: «مجموعه تشکیلاتی، حیاتش به این است که از بالا مرتب زیر نظر باشد. یعنی یک نفر، دائم به آن تشکیلات نگاه کند. این نگاه، مثل نور چراغ قوه است و تا زمانی که به یک نقطه افتاده باشد، آن نقطه روشن است. اما به مجردی که چراغ قوه را گردانید، دیگر آن نقطه روشن نیست. کسی که بالا سر است، باید دائم مجموعه را زیر نظر داشته باشد و با چشم و نگاه اوست که مجموعه جان می‌گیرد.»^۳

شهید بهشتی (ره) نیز در این خصوص تأکید می‌کند: «هر سازمانی باید وضع گذشته خودش را به طور کلی و به صورت علمی بررسی کند. این بررسی‌ها باید علمی، مستند به آمارها، ارقام و گزارش‌های قابل استناد باشد. نظر ما بر این است که پرونده‌های شما از این به بعد می‌بایست مشتمل بر آمارها، نمودارها و ابزارهایی که مطالعه دقیق علمی مستند را درباره وضع گذشته شما برای یک مطالعه‌گر آسان کند، باشد»^۴.

در این راستا می‌بایست ابزار و مهارت‌های مورد نیاز سنجش و ارزشیابی یک شبکه تربیتی اسلامی را مورد توجه قرار داده و پیش نیازهای آن را در خود فراهم نمود. آنچه در نظارت و ارزیابی یک شبکه تربیتی اهمیت دارد، لزوم توجه به مبانی انسان‌شناسی اسلامی در سنجش اجزاء شبکه است. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در انسان‌شناسی اسلامی، بحث از «حجت ظاهری» و «حجت باطنی» است. فعال‌سازی حجت باطنی (عقل) در مخاطب، واعظ درونی

۱ الکافی، ج ۱، ص ۲۶

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹۱

۳ ۷۳/۴/۲۲

۴ گفتاری از شهید بهشتی (ره)، به نقل از خبرنامه دانشجویان ایران

وی را فعال می‌کند و به دنبال آن فرد، اصلاح خود و اصلاح عملکرد خویش را از درون آغاز می‌کند. اینجاست که فرد خود مسئول ارزیابی خویش می‌گردد و سهم قابل توجهی از نظارت و سنجش به خود فرد واگذار می‌گردد. البته این به معنای واگذار نمودن فرد به خود نیست و همانگونه که رهبر معظم انقلاب نیز تأکید نموده‌اند، حیات یک مجموعهٔ تشکیلاتی به این است که مرتب از بالا زیر نظر باشد. خصوصاً در مورد طرح صالحین - که جنس کار در آن تربیتی و انسان‌سازی است - حضور یک مربی تربیتی که مجموعه را دائماً از بالا رصد و نظارت کند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

این نظارت از سوی یک استادیار آگاه، بیش از اینکه آسیب‌ها و مشکلات تربیتی شبکه را مورد توجه قرار دهد - که البته در جای خود اهمیت دارد - موانع رشد و فعال‌سازی حجت‌های باطنی افراد را مورد توجه قرار داده و با رفع و دفع این موانع، هدف این سنجش و ارزیابی که رشد و ارتقاء شبکه تربیتی می‌باشد را محقق می‌سازد.

۱۰. قدرت شناخت، تحلیل و روشنگری جریان‌های سیاسی

جریان‌شناسی را شناخت فرآیند شکل‌گیری یک اندیشه به همراه بررسی مبانی فکری و اعتقادی آن و تحلیل دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دسته‌ای از احزاب، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی که دارای همسویی در مواضع، رویکردها و گفتمان‌ها باشند، تعریف نموده‌اند.^۱ در این راستا احاطه و آگاهی از مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با بحث (مانند سیاست، قدرت، حزب، جامعهٔ مدنی، انقلاب رنگی و مخملی، چپ و راست، کثرت‌گرایی یا پلورالیسم و...)، شناخت تاریخچه، جایگاه و دسته‌بندی احزاب در ایران (از جمله اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان، جریان دوم‌خرداد و طیف‌بندی‌های آن و...) و دیگر مطالب مرتبط، به فرد در ارائه تحلیل سیاسی صحیح و بصیر بودن در مواجهه با جریان‌ها و اتفاقات یاری می‌رساند.

از جمله ضرورت‌های شناخت جریان‌ها و اتفاقات سیاسی این است که فرد با به دست آوردن قدرت شناخت و تشخیص درست دوستان و دشمنان بر اساس آموزه‌های توفی و تبری، قادر به مواجهه و موضع‌گیری صحیح در برخورد با جریان‌ها و اتفاقات سیاسی بر اساس رسالت پاسداری از انقلاب و نظام اسلامی باشد که لازمهٔ دستیابی به این توانایی، توجه به رشد عقلانی فرد است و قدرت تحلیل و شناخت حق از باطل، ریشه در رشد و تربیت عقلانی انسان دارد. فرد با تقویت قدرت تحلیل عقلانی در خود، کیفیت فهم و اندیشیدن را می‌آموزد نه صرفاً برخی

۱ رک: درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشهٔ اجتماعی دینی در ایران معاصر، محمدتقی سبحانی، فصلنامه نقد و نظر، ش ۴۵-۴۶؛ ص ۲۱۸

مفاهیم و اندیشه‌ها را و در طی این فرایند، ظرفیت‌های اکتسابی ذهنی و ارزش‌های عقلی نظری و عملی را در خود رشد داده و شکوفا می‌سازد. نتیجه چنین رشد و عقلانیت فردی و اجتماعی‌ای، تشخیص و تمییز صحیح حق از باطل (در حوزه سیاست و غیر آن) در پرتو آموزه‌های دینی خواهد بود. بر همین اساس آموزش تفکر انتقادی و خلاق، از مؤلفه‌های مهم تربیت عقلانی شمرده می‌شود.^۱

۱۱. تسلط بر مبانی اندیشه حضرت امام خمینی رحمة الله علیه و رهبر معظم انقلاب مد ظله العالی

در شیعه زعامت و رهبری در غیاب امام معصوم بر عهده فقیهی با ویژگی‌های ویژه در امر اجتهاد و توانمند در هدایت درست مسائل جامعه اسلامی به سمت تعالی است. امام خمینی و رهبر معظم انقلاب در میان فقهای شیعه معاصر خویش علاوه بر تسلط بر علوم رایج و متداول که در حوزه‌های علمیه فرا گرفته می‌شود، از نکته‌سنجی و نگاه عمیق سیاسی و

بصیرت نیز در حد اعلاي خویش برخوردار بوده‌اند.

حرکت در مسیر استنباط مبانی و محتوای معرفتی، تربیتی و بصیرتی بر مبنای اسلام ناب و با استفاده از ابزار اجتهاد در سیره علمی و عملی ایشان مشهود است. مبنای این استنباط و تسلط، احاطه تام ایشان بر فقه و اصول از یک‌سو و مبادی و مبانی «حکمت عملی» از سوی دیگر است. حکمت عملی نزد فلاسفه و حکمای اسلامی در سه مؤلفه «تهذیب نفس و اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن» سامان می‌یافت که فصل مشبعی از آراء و نظریات اندیشه اجتماعی-سیاسی اسلامی را شامل می‌شود. بنابراین احاطه داشتن بر مبانی و مبادی آن برای اداره جامعه اسلامی ضروری و اساسی است و امام خمینی و به دنبال ایشان رهبر معظم انقلاب هم از این خصیصه به نیکی بهره برده‌اند. این امر، یعنی اهمیت حکمت عملی در واقع ریشه در فلسفه اجتماعی-سیاسی «جمهوری اسلامی» هم دارد و از خصایص بنیادی آن محسوب می‌شود؛ خصیصه‌ای که همان قدر که حکمت نظری را گرامی می‌دارد، حکمت عملی و تطورات منطقی زمان و مکان را هم مطمح نظر خود قرار می‌دهد. بر این اساس مبتنی بر این استنباط جامع، این دو رهبر فرزانه، امر اداره جامعه و ولایت فقیه را به صورت عملی به ظهور رساندند.

رهبر معظم انقلاب در عصر حاضر به‌عنوان شاگرد ممتاز مکتب فقهی، فلسفی و عرفانی حضرت امام خمینی ^(ع) چنان طراوت و تیزهوشی از خود نشان داده‌اند که هم حقانیت نظری

۱ مفهوم تربیت عقلانی در سبک اسلامی تربیت دینی، ابوالفضل ساجدی و حسین خطیبی، ماهنامه معارف، شماره ۹۷.

ولایت فقیه استحکام بیش از پیش یافته و هم مقبولیت مردمی رهبر و ولی را به طریقی شایسته امتداد داده‌اند. تندبادهای سیاسی و بعضاً نظری که در دوران زعامت ایشان رخ داد، هر کدام می‌توانست خدشه‌هایی بنیادین بر بنای «جمهوری اسلامی» وارد آورد، اما حفظ بی‌نظیر وجه مقبولیت و جمهوریت نظام توسط ایشان باعث شد که ملت با شغف و شوری مجاهدانه، در عرصه‌های عمومی حاضر باشند تا از این رهگذر هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی حقانیت و مقبولیت جمهوری اسلامی محفوظ باقی بماند. ایشان در دوره هدایت جامعه اسلامی در سایه یاد خداوند توانستند نه تنها تشیع و ایران را در بحران‌ها و مشکلات به نحو مطلوبی هدایت نموده و از گردباد حوادث ویرانگر به سلامت بگذرانند، بلکه در اتحاد جهان اسلام و استکبارستیزی نقش مؤثری ایفا نمایند؛ چالش‌هایی همچون جنگ تحمیلی، تحریم‌ها، احزاب و جریان‌های معاند و برانداز و فتنه‌گران، مسئله فلسطین و حضور بیگانگان و دشمنان در کشورهای همسایه و... از این جمله هستند.

ریشه این امر را می‌بایست در اندیشه سیاسی ایشان و قدرت بصیرت و استنباط ایشان از مسائل جست‌وجو کرد. ایشان در واقع اندیشه‌های امام خمینی^(ع) در باب ولایت فقیه و ماهیت حکومت اسلامی را بسط دادند و ترجمان عملی از آن ارائه کردند که تاکنون از حقانیت و مقبولیت نظام اسلامی مبتنی بر فرهنگ ناب اسلامی به بهترین وجه حراست معنوی و عملی نموده‌اند؛ چراکه از دیدگاه امام، فرهنگ، اساس سعادت یا شقاوت یک ملت است و رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیاء فرهنگی امکان‌پذیر است. از نگاه امام، فرهنگ دارای دو ساحت اصلی است: نخست بعد فردی فرهنگ که با انسان و سعادت او ارتباط دارد و دیگری بعد اجتماعی فرهنگ که در عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها حضور دارد. با این نگاه، فرهنگ موضوعی است ویژه انسان و ارتباطی وثیق با هدایت و تربیت او دارد. ایشان در بُعد فردی مسائل فرهنگی، سال‌ها به خودسازی و تربیت خویش و دیگران پرداختند و در قالب سلوک اخلاقی و عرفان عملی اسلام، نمونه‌ای از انسان تربیت یافته الهی را به جهان امروز معرفی نمودند. در ابعاد اجتماعی نیز تئوری اصلاح فرهنگی امام در قالب انقلاب اسلامی معرفی و تبیین شده است. از نگاه امام، فرهنگ مطلوب یک جامعه باید حاوی سه ویژگی زیر باشد:

(۱) دارای یک نظام تربیتی برای رشد و تعالی انسان باشد؛

(۲) فعال، پیشرو و روزآمد باشد و هیچ‌گاه دچار تحجر، انفعال و غرب‌زدگی نشود؛

(۳) با محوریت فرهنگ خودی، تأمین‌کننده استقلال فرهنگی باشد.

به هر روی، تسلط بر مبانی اندیشه و نگاه عمیق این رهبران که با مطالعه سیره آن‌ها و نیز اندیشه‌های ایشان به دست می‌آید، ضمانت‌کننده تسری اندیشه ناب ایشان در کالبد جامعه

است و بر این اساس یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های مورد نیاز استادیاران محترم در هدایت شبکه تربیتی صالحین کشور، تسلط بر این مبانی و محتوای فکری می‌باشد.^۱

۱۲. روحیه جهادی

جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمن انجام می‌گیرد. هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است.^۲ جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می‌شود جهاد.^۳ ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می‌شود؛ این می‌شود مبارزه. جهاد یعنی یک چنین مبارزهای، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه تقدّس هم پیدا می‌کند.^۴

دیگر ویژگی مهم استادیاران محترم طرح صالحین، داشتن روحیه جهادی در عرصه فرهنگی و فعالیت‌های تربیتی است. جهاد در راستای بنای جامعه اسلامی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های دینی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب بوده است: «همچنین جهاد بنای جامعه اسلامی، جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر رویش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی، این‌ها هر کدام یک جهاد است».^۵

در این میان توجه به برخی از مهم‌ترین الزامات و شاخصه‌های روحیه، تفکر و حرکت جهادی بسیار مهم و ناگزیر است که در ادامه به پاره‌ای از این ویژگی‌ها در کلام ولایت اشاره می‌نمائیم:

الف- ایمان و توکل بر خدا

«عزیزان من! ما در میدان‌های جهاد در راه خدا در صورتی می‌توانیم مقاومت کنیم که دلمان لبالب باشد از ایمان به خدا و سرشار از توکل به خدای متعال؛ بدون معنویت نمی‌شود حرکت کرد، بدون ایمان قوی نمی‌شود گرده‌های دشوار را پیمود، بدون توکل به خدای متعال نمی‌شود چشم بر هیمنه ظاهری قدرت‌ها بست و قدرت حقیقی را دید؛ توکل لازم است، ایمان لازم است، حُسن‌ظنّ به وعده الهی لازم است».^۶

۱ برای مطالعه بیشتر رک: مقاله «مبانی اندیشه امام خامنه‌ای»، امیر علی محقق، پایگاه مرکز منابع انقلاب اسلامی، نیز: مقاله «مبانی اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، اسدالله افشار، روزنامه اطلاعات پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۰

۲ رهبر معظم انقلاب؛ ۹۳/۴/۱۱

۳ ۸۹/۴/۲۳

۴ ۸۳/۴/۱۴

۵ ۹۲/۵/۲۵

۶ ۹۲/۶/۲۰

ب- اخلاص در عمل و با انگیزه خدمت به مصالح کشور

«این مسئولیت‌ها اگر به‌طور جدی، به‌دور از انگیزه‌های شخصی، به‌دور از هرچیزی جز انگیزه خدمت به مصالح کشور انجام گیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است؛ کار جهادی یعنی این؛ انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد.»^۱

«پایه اصلی کار بسیجی، اخلاص است. گمنام، از جمله تعبیرات امام است: مکتب شاهدان و شهیدان گمنام. گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن.... بسیجی اینجوری فکر می‌کند؛ لذاست که اخلاص به خرج می‌دهد، مخلصاً لله کار را انجام می‌دهد. اخلاص، یکی از خصوصیات است. اگر اخلاص شد، آن‌وقت خودپرستی‌ها و خودمحوری‌ها و این‌ها برکنار خواهد شد؛ ثروت‌اندوزی برای خود، دست دراز کردن به اینجا، به آنجا، دیگر ممنوع خواهد شد. این‌ها همه‌اش ناشی از شرک است؛ شرک پنهان. وقتی که اخلاص بود، شرک نبود، این‌ها دیگر از بین خواهد رفت. روحیه بسیجی این است. در مدیریت‌های کشور، در نظام عمومی کشور و سازماندهی عمومی کشور، در فعالیت‌های گوناگون، در فعالیت‌های مرسوم دولتی، در فعالیت‌های شخصی، همه‌جا روحیه بسیجی می‌تواند خودش را نشان بدهد.»^۲

ج- خودباوری و اعتماد به نفس

«من امروز می‌خواهم به شما و همه ملت ایران عرض بکنم ملت ما یکی از داروهای بسیار لازم و مؤثری که نیاز دارد -داروی روحی و فکری- و باید این را در میان خود توسعه و ترویج کند، داروی اعتماد به نفس است. ملت ایران باید اعتماد به نفسی را که به برکت انقلاب و به برکت ایستادگی در میدان پرخطر انقلاب به دست آورد و بعد در میدان دفاع مقدس با همه آن مشکلات با ایستادگی خود، این اعتماد به نفس در او تقویت شد، این اعتماد به نفس را باید حفظ کند. این اعتماد به نفس، به ملت ایران این جرئت را، این همت را، این توانائی را می‌دهد که این راه طولانی تا آرمان‌های ترسیم شده برای جامعه اسلامی را طی بکند؛ بدون او نمی‌شود. بدون اعتماد به نفس نمی‌شود این راه را رفت.»^۳

د- تداوم و استمرار

«جهاد مداوم، نیاز همه است. همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است.»^۴ «یکی از مهم‌ترین نقاط قوت سپاه، ایستادگی و استقرار و ثبات‌قدم در این راه نورانی است... سپاه اولاً بایستی همواره بداند که چه کار می‌خواهد بکند، از چه چیزی می‌خواهد پاسداری کند؛ ثانیاً ثبات قدم خود را که مؤلفه اصلی هویت پُرافتخار سپاه است،

۹۳/۳/۴ ۱

۹۰/۷/۲۲ ۲

۸۶/۱۰/۱۲ ۳

۹۲/۲/۱۱ ۴

فراموش نباید بکند؛ این را همه، در همه سطوح توجه داشته باشند.^۱ «جوان‌های امروز ما، جوان‌های نسل معاصر ما و جوان‌هائی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم.»^۲

«در میدان جهاد وقتی در مقابل تهاجم دشمن قرار گرفتید، ایستادگی کنید و ذکر کثیر خدا بکنید. «اثبتوا و اذکروا الله کثیرا»؛ ثبات قدم به خرج بدهید، ایستادگی کنید و ذکر خدا کنید... ذکر خدا پشتوانه ثبات قدم است.»^۳ «جنگ، جنگ اراده‌هاست؛ جنگ عزم‌های راسخ است؛ هر که عزمش بیشتر بود، او برنده است.»^۴

ه- جدیت و پرهیز از تنبلی و نیز جامعیت در حرکت

«این الزامات عملی، الزامات جهادی، الزامات اجتماعی، کارهایی است که بایستی انجام بگیرد؛ یعنی تقویت خصال نیک در خود، برخورد مهربان و خدوم و تحسین برانگیز با محیط، عمل جدی در همه جبهه‌ها -هم در جبهه علم، هم در جبهه فعالیت‌ها و خدمات مردمی، هم در جبهه کار، هم در جبهه سیاست، هم در جبهه تولید- در هر جا که حضور دارید، کار جدی و بدون احساس خستگی و با پرهیز از تنبلی؛ کار کنیم.»^۵

«روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم -نه فقط به‌عنوان اسقاط تکلیف- بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.»^۶

و- احساس مسئولیت واقعی

«ما هر کدامان در هر جایی که هستیم، باید برای سرنوشت کشور و برای آینده کشور، احساس مسئولیت و تعهد کنیم و بدانیم که می‌توانیم نقش ایفا کنیم. یک دانشجو، یک استاد، یک معلم، یک دانش‌آموز، یک کشاورز، یک فعال صنعتی و یک سرمایه‌گذار در بخش‌های گوناگون کشاورزی یا صنعتی، همه باید احساس مسئولیت کنند. با احساس مسئولیت همگانی و همه‌جانبه و با هدایت دستگاه‌های مسئول کشور -دستگاه‌های دولتی و مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه- ملت ایران خواهد توانست بر همه این موانع و مشکلاتی که دشمنان

۹۲/۶/۲۶ ۱

۸۷/۳/۱۴ ۲

۹۲/۵/۱۳ ۳

۸۹/۶/۲۵ ۴

۹۲/۸/۲۹ ۵

۹۰/۱/۱۶ ۶

جهانی می‌خواهند بر او تحمیل کنند، فائق بیاید و با قدرت و با حکمت خود، جامعه نمونه‌ای را که اسلام برای مسلمان‌ها خواسته است، تشکیل بدهد.^۱

«پایه فکری بسیج، احساس مسئولیت الهی است؛ نه فقط مسئولیت در برابر خود و خانواده خود و نزدیکان - که این هست- بلکه مسئولیت در قبال حوادث زندگی، در قبال سرنوشت جهان، سرنوشت کشور و سرنوشت جامعه، چه مسلمان یا غیرمسلمان. پایه اصلی بسیج، این احساس مسئولیت است. این تفکر مسئولیت انسان، جزء بیّنات اسلام است؛ یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند در این تردید کند که اسلام، انسان را اینطور موجودی می‌داند: موجودی که مسئول است و کار از او خواسته شده است.»^۲

۱۳. اعتقاد به لزوم پیشرفت معنوی در محضر یک استاد

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ»^۳. اساس طرح صالحین بر این استوار شده است که هر یک از ارکان، تحت نظارت و رشد تربیتی رکن بالادستی خود می‌باشد. استادیاران محترم نیز تحت نظر تربیتی استاد (بالاترین رکن تربیتی طرح صالحین) هستند. اعتقاد به ضرورت و لزوم پیشرفت معنوی در محضر یک استاد از سوی استادیاران، مقدمه استفاده از محضر وی و مشوق ایشان برای حضور در محضر استاد است.

علمای اخلاق بر این نکته بسیار تأکید دارند که وقتی در مسائل ظاهری و مادی می‌گویید باید به استاد مراجعه کنیم، چگونه می‌شود ما در بیماری‌های روحی خود نیازمند به یک پزشک روحانی نباشیم؟ زمانی که هر علمی مادی استاد و راهنما لازم دارد (لزوم عقلی مراجعه به متخصص)، برای رسیدن به مراتب روحی ضرورت وجود استاد، بسیار روشن‌تر است.

استاد با توجه به اینکه خود روزی شاگردی کرده، فراز و نشیب راه تربیت را دیده و مراحل را طی کرده است، می‌داند که این راه چگونه است و چگونه باید طی شود. در سیره و روش آیت‌الله کشمیری، بارها از ایشان شنیده شد که: «استاد جزء لوازم اولیه تهذیب و جهاد اکبر است و بدون آن بسیار مشکل است، چه آنکه آفات و عوارض و شهوات نفس را کسی می‌تواند مداوا کند که خود این راه را رفته باشد و حاذق باشد.»^۴

بهره‌مند شدن یک استادیار (با هر سطح علمی و معنوی) از یک استاد، فواید فراوانی برای وی و ارکان تحت نظارت وی می‌باشد. از جمله آنکه:

۸۷/۲/۱۱

۹۳/۹/۶

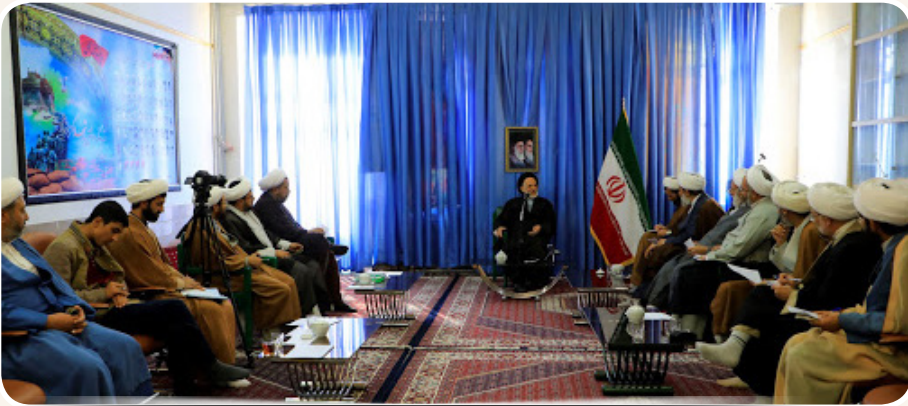
۳ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۵۹

۴ جملات قصار آیت‌الله کشمیری: <http://erfanekeshmiri.ir/pages/ghesar>

- اطلاعات وسیع و تجارب گسترده استاد، می‌تواند اطلاع و آگاهی استادیار را افزون کند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «جایس اهل الورع والحکمة واکثر مناقشتهم فانک ان كنت جاهلاً علّموک و ان كنت عالماً ازددت علماً؛ با اهل ورع و حکمت مجالست داشته باش و بسیار با آن‌ها به گفت‌وگو بپرداز که در آن صورت اگر جاهل باشی به تو آموزش خواهند داد و اگر عالم باشی بر میزان معلومات تو افزوده خواهد شد.»^۱

- وجود استاد و درک محضر او، می‌تواند ایجاد شوق و انگیزش نماید و هر از چندی انسان شور و نشاط تازه‌ای پیدا کند.

- وجود استاد می‌تواند برای اهداف کمالی انسان، تجسّم عینی داشته باشد و این موضوع نقش بسیار حساسی در پرورش و ترقی انسان خواهد داشت؛ چون نفس انسان الهام‌پذیر است و خواه ناخواه رفتار دیگران در او اثر می‌گذارد؛ به‌ویژه اگر کسی مورد علاقه و محبت او باشد، این اثر نافذتر است.



تصویر: نشست مجمع استادیاران گروه های صالحین بسیج استان با حضور استاد صالحین استان حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علیرضا عبادی، نماینده ولی فقیه در خراسان جنوبی و امام جمعه بیرجند

۱۴. روحیه ساده‌زیستی و فاقد روحیه تجمل‌گرایی و اسراف

روحیه زهد و ساده‌زیستی به معنای پرهیز از تجمل برای رسیدن به درد جامعه است. تجمل‌گرایی از آنجا که موجب می‌گردد آدمی به مرور زمان، درد جامعه و طبقات نیازمند آن را فراموش کند، مذموم و ناپسند است. «زاهد» به معنای فقیر

نیست، زاهد یعنی کسی که اسیر ماده نیست. روایات گوناگونی به بیان ویژگی‌های انسان‌های زاهد در دنیا پرداخته‌اند: «سُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنِ الرَّاهِدِ فِي الدُّنْيَا قَالَ الَّذِي يَبْتَزُّكَ حَلَالًا هَا مَخَافَةٌ حِسَابِهِ وَ يَبْتَزُّكَ حَرَامًا هَا مَخَافَةٌ عَذَابِهِ» امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «أَبْيَهَا النَّاسُ الرَّهَادَةَ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَ التَّوَضُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ»^۲ یکی از دعا‌های امام عصر (عج) درباره علما و رهبران دینی، دعا برای زهد و دوری از تجملات دنیایی نسبت به ایشان بوده است.^۳

این روحیه برای انسان و خصوصاً یک رهبر تربیتی، آثار و فواید بسیاری دارد و از این رو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک استادیار موفق مورد توجه قرار می‌گیرد. زهد دل آدمی را از دنیا آزاد کرده و زمینهٔ دریافت حکمت و معارف الهی را برای وی به ارمغان می‌آورد،^۴ چون از دنیا گذشته است، سخاوت و انفاق برایش آسان می‌شود،^۵ حرص نمی‌ورزد و جسم و روحش در آسایش است؛^۶ محبوب مردمان می‌شود،^۷ عیوب و آسیب‌ها را بهتر درک می‌کند،^۸ راه علم و دانش به سویش گشوده می‌شود،^۹ تحمل مصیبت و دشواری‌ها برایش آسان می‌گردد^{۱۰} و.... همچنین این منش در زندگی اجتماعی موجب الگوگیری سرمربیان و دیگر ارکان پایین‌دستی می‌شود.^{۱۱}

از سوی دیگر، دنیاطلبی^{۱۲} و روی آوردن افراطی به امیال انسانی^{۱۳} از یک‌سو و غفلت از مرگ و معاد^{۱۴} از سوی دیگر از مهم‌ترین موانع زهد و ساده‌زیستی بیان شده است که همه می‌بایست از آن احتراز جویند.

۱ اُمالی صدوق، ص ۳۵۸

۲ نهج البلاغه، خطبه ۸۱

۳ و تفضل علی علمائنا بالزهد والنصيحه و علی المتعلمين بالجهد والرغبة (مصباح الكفعمي، ص ۲۸۰)

۴ بالزهد تثمر الحكمة (غررالحکم، ص ۲۷۶)

۵ رأس السخاء الزهد فی الدنيا (غررالحکم، ص ۲۷۵)

۶ الزهد فی الدنيا راحة القلب و البدن (تحف العقول، ص ۳۵۸)

۷ أَرْهَدُ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يَجِيءُ النَّاسُ (أُمالی طوسی، ص ۲۰۱)

۸ أَرْهَدُ فِي الدُّنْيَا يَبْتَزُّكَ اللَّهُ عِيُوبَهَا (غررالحکم، ص ۲۷۶)

۹ العلم یرشدک إلى ما أمرک الله به و الزهد یسهل لک الطريق إليه (غررالحکم، ص ۶۳)

۱۰ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ (کافی، ج ۲، ص ۵۰)

۱۱ به حضرت علی علیه‌السلام در حالی که پیراهنش را وصله می‌کرد، گفته شد: «لم تر قع قميصک؟ قال: یخضع القلب و یقتدی به المؤمنون» (بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۶۰).

۱۲ کیف یعمل للآخرة من لا ینقطع من الدنيا رغبتة و لا تنقضی فیها شهوته (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۴)

۱۳ کیف یصل إلى حقيقة الزهد من لم تمت شهوته (غررالحکم، ص ۲۷۶)

۱۴ کیف یرزهد فی الدنيا من لا یعرف قدر الآخرة (غررالحکم، ص ۱۴۶)

۱۵. حداقل دارای مدرک سطح ۳ حوزه علمیه یا اتمام کفایتین

با توجه به اهمیت نقشی که استادیاران در هدایت و راهبری طرح صالحین ایفا می‌نمایند، می‌بایست ضرورات و مقتضیات این مدیریت را نیز در خود فراهم آورند. با بررسی‌های صورت گرفته از سوی متخصصان تربیت اسلامی، حداقل مدرک تحصیلی مورد نیاز یک استادیار در این سطح اثرگذاری- سطح ۳ حوزه علمیه و یا اتمام کفایتین در نظر گرفته شده است. متخصصان سه استناد مهم بر این ادعای خود اقامه نموده‌اند:

الف- استادیار مسئول ارتقاء فکری و معنوی طرح صالحین در سطح خود، سرمربیان، مربیان، سرگروه‌ها تا مربیان است. او متکفل رشد مباحث فکری، مبانی اعتقادی، معرفتی و معنوی افراد است. لازمه این رشد دادن، تحصیلات عالی استادیار و رشد و تکامل وی در مباحث منطق، فلسفه و کلام اسلامی، علم اصول، فقه استدلالی و... در سطحی قابل قبول از یک سو و نیز رشد معنوی لازم وی از سوی دیگر است. استادیار حداقل با خواندن کفایتین و اتمام سطح ۳ حوزه علمیه می‌تواند این رشدها را در خود ایجاد نماید و توانایی رشد دادن نسبت به دیگران را نیز کسب کند.

ب- رشد و تکامل تحصیلی در حوزه شامل ۶ مرحله اساسی است: • پیش مطالعه؛ • خوب گوش کردن و فراگیری دقیق از استاد در کلاس؛ • مطالعه و تسلط بر محتوای درس به عنوان پیش نیاز مباحثه؛ • مباحثه درس در جمع دوستان و اهل فن؛ • نوشتن نکات اساسی و یافته‌های خود از درس؛ • تدریس همان درس.

تدریس یک درس نشان از آن دارد که فرد درس را خوب فرا گرفته است و در آن محتوا وزانت علمی کافی را پیدا نموده و می‌تواند نسبت به دیگران نقش آموزشی را ایفا نماید. تدریس، توان علمی فرد را بیش از پیش رشد می‌دهد و فردی که سطح ۳ را در حوزه به اتمام رسانده است، موقعیت‌های تدریس بیشتری داشته و وزانت علمی کافی برای حضور در رأس یک تشکیلات تربیتی را داراست.

ج- شبکه‌ای از مربیان در سطوح گوناگون سنی و علمی از سرمربی تا مربی زیر نظر تربیتی یک استادیار است. تعداد افراد موجود در این شبکه به صورت تقریبی ۵۰۰۰ نفر است. کسی که می‌خواهد پاسخگوی نیازهای تربیتی، معرفتی، بصیرتی و مهارتی این تعداد افراد با اقتضائات گوناگون باشد، می‌بایست به لحاظ علمی، معنوی و سابقه فعالیت‌های تربیتی به درجه‌ای از توانمندی و رشد رسیده باشد، که توانایی راهبری این شبکه عظیم را دارا باشد؛ که این مهم تنها با حداقل اتمام سطح ۳ حوزه حاصل می‌شود.

بخش سوم: وظایف و انتظارات از استادیار

هدف اصلی طرح صالحین تربیت نیروهای مؤمن، بصیر و توانمند است و مبتنی بر این هدف مهم، مأموریت‌های هر یک از ارکان شجره تعریف و تبیین می‌گردند. با توجه به اینکه تحقق مأموریت‌های استادیار، مستلزم آگاهی از وظایف خود است، در این فصل به اختصار به بیان اهم وظایف استادیار خواهیم پرداخت. این وظایف به نسبت افراد و مخاطبان، در پنج قسمت تبیین می‌گردد:

الف- وظایف استادیاران نسبت به استاد مربوطه

هر یک از استادیاران در فرایند تربیت اعضای گروه تربیتی سرمربیان، به مشاوره و هدایت فردی توانمند و متخصص در عرصه‌های معرفتی، تربیتی، بصیرتی، مهارتی احتیاج داشته که در طرح صالحین به عنوان «استاد» شناخته می‌شود. استاد نقش هدایت‌گری و مشاوره را برای استادیاران تربیتی خواهد داشت. مهم‌ترین وظایف استادیاران نسبت به اساتید مربوطه عبارتند از:

الف-۱. تعامل و ارتباط سازنده، مستمر و مؤثر با استاد مربوط

ارتباط مستمر و مؤثر با استاد، امری است مهم و اساسی که شایسته است استادیار نسبت به آن اهتمام ویژه داشته باشد. از آنجایی که استاد علاوه بر هدایت و رهبری حلقه استادیاران، مسئولیت نظارت و اشرافیت کلی بر همه گروه‌های تربیتی را نیز بر عهده دارد، لذا استادیار باید با برقراری ارتباط مستمر با وی، از توانمندی‌ها و حمایت‌های استاد بهره کافی ببرد. استادیار، علاوه بر حضور در حلقه استادیاران، در مجالس خصوصی و یا به صورت تلفنی و... با استاد ارتباط برقرار می‌کند. برقراری ارتباط با استاد با دو هدف مهم انجام می‌شود: الف) این ارتباط به رشد فردی استادیار و کسب علوم و معارف لازم و نیز افزایش توان مدیریتی وی منجر خواهد شد؛

ب) مسائل و مشکلات ارکان شجره توسط استاد بررسی و راهکارهای رشد و ارتقاء آنان، به استادیار ارائه می‌شود.

الف-۲. ارائه مستمر گزارش وضعیت تربیت‌یافتگی هر یک از سرمربیان به استاد

استادیاران محترم به منظور استفاده از راهنمایی‌های استاد مربوطه در راستای رشد تربیتی سرمربیان (به صورت مستقیم) و مربیان، سرگروه‌ها و متربیان (به صورت غیرمستقیم)، گزارش وضعیت تربیتی ایشان را به صورت مستمر به استاد ارائه می‌نماید. این گزارش می‌تواند مشتمل بر این بخش‌ها باشد:

- طرح مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف حلقات سرمربیان و نیز مربیان و سرگروه‌ها و فرصت‌ها،

تهدیدها و آسیب‌های پیش روی این حلقات (ترسیم وضعیت موجود) به‌منظور استفاده از راهنمایی‌های استاد در رفع موانع و آسیب‌ها؛
- بیان راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی پیشنهادی جهت ایصال به وضعیت مطلوب،
به منظور تأیید و اصلاح آن‌ها از سوی استاد.

الف-۳. دعوت از استاد جهت شرکت در جلسات حلقه خود و زمینه‌سازی ارتباط مستقیم سرمربیان و مربیان با استاد.

آشنایی مستقیم و بدون واسطه استاد با وضعیت گروه سرمربیان و مربیان و فضای حاکم بر آن‌ها، در نحوه راهنمایی‌های استاد و کاربردی و مؤثر بودن مشاوره‌های ایشان -متناسب با وضعیت حلقات- بسیار اثرگذار خواهد بود. در این راستا استادیاران محترم می‌توانند با دعوت از استاد جهت حضور در جلسات سرمربیان و مربیان، زمینه این آشنایی و ارتباط را فراهم آورند. همچنین این جلسات موجب آشنایی هر چه بیشتر سرمربیان و مربیان با استاد مربوطه شده و زمینه برقراری ارتباط از سوی آن‌ها با استاد را فراهم می‌آورد.

هر استادیار به‌عنوان یکی از اعضای گروه تربیتی استادیاران به ایفای نقش می‌پردازد و با حضور منظم، مستمر و فعال در جلسات این گروه، به پویایی و ارتقاء تربیتی خود و گروه، همت می‌گمارد.

جهت ارتقاء رشد معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی استادیاران زیر نظر استاد و افزایش بازدهی گروه استادیاران، این گروه در قالب چهار کارگروه تخصصی معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی، به ایفای

نقش و بررسی مسائل و موضوعات می‌پردازد. هدف از تأسیس این کارگروه‌های تخصصی تقویت شبکه تربیتی و اتقان محتوایی طرح صالحین با بهره‌گیری از توانمندی‌های تخصصی استادیاران است و این انتظارات را دنبال می‌نماید:

• تقویت پویایی حلقه استادیاران در جهت طرح مباحث مؤثر و کارآ در تحقق طرح صالحین؛

• تهیه محتوای لازم در جهت تصمیم‌سازی هر چه بهتر اساتید در خصوص مسائل کلان طرح صالحین؛

• رصد حلقات و ترسیم وضع موجود، تعیین وضع مطلوب و نحوه رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب در عرصه تخصصی خویش؛

• اطلاع‌رسانی آسیب‌ها، موانع و ارائه راهکارهای گذر از آن‌ها در عرصه تخصصی کارگروه به مجمع اساتید در جهت اتخاذ سیاست‌های کلان؛

ب- وظایف استادیاران نسبت به حلقه استادیاران

• شناسایی و پیگیری مرتفع نمودن آسیب‌ها در عرصه تخصصی کارگروه در گروه‌های پایین‌تر.

هر یک از استادیاران به‌منظور ایفای نقش در گروه، می‌بایست در یکی از چهار کارگروه معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی عضویت داشته باشد. هر کارگروه از منظر این‌که در کدام عرصه تخصصی بحث می‌نماید، از دیگر کارگروه‌ها تمایز می‌یابد. البته باید توجه داشت هدف از این تفکیک انجام مباحث تخصصی در هرکدام از عرصه‌ها می‌باشد وگرنه در عرصه عمل تربیتی این عرصه‌ها همپوشانی داشته و چندان قابل تفکیک نیستند.

ب-۱. موضوعات کارگروه‌های تخصصی

ب-۱-۱. کارگروه تخصصی معرفتی

این کارگروه امور مربوط به بعد معرفت دینی گروه‌های صالحین را دنبال می‌کند؛ منظور از بعد معرفت دینی همه مباحث معرفتی و شناختی است که زیربنای گرایش و رفتار در عرصه‌های عقاید اسلامی، احکام شرعی، تاریخ، سیره، قرآن و عترت می‌باشد. تبیین مباحث معرفت دینی برای گروه‌ها و هم‌چنین رصد، پیش‌بینی و پیش‌گیری از آفت‌ها و آسیب‌ها و شبهات معرفتی حلقات تربیتی از جمله وظایف این کارگروه است.

ب-۱-۲. کارگروه تخصصی تربیتی

کارگروه تربیتی به بُعد تربیتی گروه‌های صالحین نظیر مبانی، اصول و روش‌های تربیت اسلامی می‌پردازد. مباحث این کارگروه کمک بسیاری به سایر کارگروه‌ها ارائه می‌کند؛ به‌عنوان نمونه مباحث این کارگروه شالوده لازم برای کارگروه مهارتی که مهارت‌های تربیت اسلامی با تأکید بر گروه را مورد توجه قرار می‌دهد، فراهم می‌آورد. تبیین مبانی و اصول تربیت اسلامی با تأکید بر نظام تربیتی شبکه‌ای صالحین، تبیین مبانی انسان‌شناسی اسلامی، رصد، پیش‌بینی و پیش‌گیری از آسیب‌های تربیتی در حلقات از جمله وظایف این کارگروه می‌باشد. به‌عنوان نمونه ارتباط میان تربیت با رفتار بایستی در این کارگروه تبیین و برای حلقات جا بیافتد.

ب-۱-۳. کارگروه تخصصی بصیرتی

کارگروه بصیرتی، بُعد بصیرت سیاسی و انقلابی حلقات تربیتی را مورد توجه قرار می‌دهد. تطبیق برنامه و فعالیت‌های شبکه تربیتی صالحین با شاخص‌ها و معیارهای اندیشه حضرت امام خمینی قدس سره و رهبر معظم انقلاب مدظله العالی و انتقال آن به حلقات، رصد، پیش‌بینی و پیش‌گیری و رفع آفت‌ها و شبهات بصیرتی حلقات، تبیین و ترویج گفتمان ولایت به واسطه رصد نمودن سخنان رهبر معظم انقلاب مدظله العالی در خصوص مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و انتقال آن به حلقات از جمله وظایف کارگروه تخصصی بصیرتی است. ثمره عملکرد این کارگروه در حلقات مترببان بایستی پرورش افرادی بصیر باشد که

آگاهی سیاسی داشته، می‌توانند علاوه بر تحلیل، به عمل مناسب در موقع لازم دست بزنند و البته در عمل رضایت خداوند را بر هر چیزی مقدم دارند.

ب-۱-۴. کارگروه تخصصی مهارتی

کارگروه مهارتی به مهارت‌های مورد نیاز حلقات صالحین در سطوح مختلف پرداخته و نحوه دستیابی و پرورش این مهارت‌ها را پیگیری می‌نماید. رشد و تقویت مهارت‌های تربیتی و مهارت‌های تشکیلاتی و نیز مدیریت کیفی‌سازی گروه از جمله وظایف این کارگروه است. به‌عنوان نمونه می‌توان به مهارت مدیریت و رهبری، مهارت مخاطب‌شناسی، مهارت جذب، مهارت ارتباطی، مهارت‌های اداره جلسه گروه، مهارت امر به معروف و نهی از منکر، مهارت برگزاری اردوها، مهارت مشاوره دادن، مهارت معرفت‌افزایی، مهارت تحقق فضائل، مهارت زدودن رذایل، مهارت بصیرت‌افزایی، مهارت پاسخگویی به سؤالات و شبهات و... اشاره نمود. این مهارت‌ها در تمام سطوح گروه‌ها مورد نیاز است و به تناسب مخاطب و متریبان متفاوت، مهارت‌های متفاوتی مورد نیاز مربی تربیتی می‌باشد.

نکته قابل توجه اینکه هر یک از این چهار عرصه، شامل سه گام کلی هستند که بایستی در مجموعه مباحث کارگروه مورد توجه قرار گیرند. در گام اول دارا بودن دانش آن عرصه مورد توجه قرار می‌گیرد، اما صرف دانشمند بودن کافی نیست و باید مهارت به‌کار بردن آن دانش را نیز داشته باشد ولی این دو، منجر به ظهور رفتار نمی‌شوند و بایستی عمل کردن نیز به عنوان جزء اخیر علت تامه مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت کارگروه‌های تخصصی بایستی مباحث نظری خویش را به سمت راهکارهای عملیاتی پیش برده و در پی حصول نتیجه تربیتی مدنظر در گروه متریبان باشند. بنابراین یکی از وظایف عمده و مشترک تمام کارگروه‌ها بازدید میدانی از حلقات تربیتی و انتقال مباحث کارگروه‌های تخصصی استادیاران به سرمربیان است.

ب-۲. رسالت کارگروه‌های تخصصی

از آنجا که هدف اصلی کارگروه تقویت فرآیند تحقق شبکه تربیتی صالحین و اتقان محتوایی این شبکه است، رسالتی که این کارگروه‌ها دارند در دو رویکرد نظری و عملی مورد تأکید است؛ به عبارت دیگر این کارگروه‌ها نباید تنها به مباحث نظری اکتفا نمایند بلکه علاوه بر آن در خصوص عملیاتی نمودن این مباحث و دستیابی به حلقات الگو اقدام نمایند.

برای رسیدن به چنین هدفی شایسته است هر کارگروه، بحث اختصاصی خود را در شش بخش به شرح زیر در کارگروه پی گرفته و همزمان نسبت به عملیاتی نمودن آن اقدام نماید. به عبارت دیگر هر چهار کارگروه بایستی در این بخش‌ها بحث و اقدام نمایند.

ب-۱۲. ترسیم وضع مطلوب بر اساس کارکرد کل شبکه با محوریت حلقهٔ متریبان

در این بخش، موضوع بحث هر کارگروه دستاوردهای مقصود و مطلوب است. به عبارت دیگر هریک از کارگروه‌ها به تناسب عرصهٔ تخصصی خویش، یکی از دستاوردهای معرفتی، تربیتی، مهارتی و بصیرتی را که در گروه متریبان مورد انتظار است در ابعاد بینشی، گرایشی و رفتاری مورد بحث قرار می‌دهد. (نکته‌ای که در اینجا قابل توجه است توجه داشتن به نقش سایر ارکان در کسب دستاورد مورد نظر و لزوم همکاری و تعامل تمامی ارکان بالادستی برای ایجاد آن در گروه متریبان است که این امر در گام سوم و هنگام بحث از نحوهٔ رسیدن از وضع موجود به مطلوب مورد اشاره واقع می‌گردد).

شاخص‌های وضع مطلوب: وضع مطلوب در واقع بیان آن مقصودی است که در عرصهٔ مربوط به هر کارگروه، شبکهٔ تربیتی صالحین بایستی به آن برسد. وضع مطلوب ترسیم شده بایستی دست‌یافتنی باشد؛ برای احتراز از اینکه وضع مطلوب ترسیم شده صرفاً یک امر کمال‌گرایانه و آرمانی بوده که خیلی کلی بیان گشته و قابلیت ارزیابی ندارد، لازم است هر کارگروه در تعیین وضع مطلوب به دو جنبه توجه داشته باشد:

وضع مطلوب ترسیم شده دارای گام‌های زمانی باشد؛ در ابتدا شایسته است کارگروه، وضعیت مطلوب شبکهٔ تربیتی صالحین در عرصه تخصصی با تأکید بر گروه متریبان را ترسیم نماید. مثلاً کارگروه مهارتی وضعیتی که بایستی حلقات متریبان در این عرصه دارا باشند را تبیین نماید. از جمله شاخص‌های وضع مطلوب در حلقهٔ متریبان سطوح حلقات، نوع حلقات ویژه، الف و ب، میزان رشد و ارتقاء در عرصه‌های معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی، مدت تشکیل گروه، حاکمیت نگاه تربیت‌محوری و... است. در آن وضع مطلوب هم ویژگی‌های کیفی مورد انتظار بیان شود و هم ویژگی‌های کمی مورد انتظار از شبکه صالحین در استان.

منابع تدوین وضع مطلوب: کارگروه برآیند نظرات تخصصی اعضای کارگروه که به مجموعه راهنماها، دستورالعمل‌ها و مستندات معاونت تعلیم و تربیت در خصوص صالحین و خصوصاً شاخص‌های مربوط به حلقات متریبان (از جمله راهنماهای تشکیل و راه‌اندازی و کیفی‌سازی حلقات) مستند شده‌اند را مبنای تدوین وضع مطلوب قرار می‌دهد.

ب-۲۲. تبیین وضع موجود بر اساس کارکرد کل شبکه با محوریت حلقهٔ متریبان

در این بخش، کارگروه بایستی وضعیت فعلی شجره اعم از عملکرد و عوامل محیطی مؤثر بر شجره طیبه را ترسیم نماید.

منابع استخراج وضع موجود: برای شناخت هرچه بهتر وضع موجود، از منابع اطلاعاتی که دارای منابع مرتبط و مورد نیاز هستند می‌توان بهره برد؛ از جمله فرمانده سپاه استان، فرمانده ناحیه، حوزه نمایندگی، حفاظت اطلاعات سپاه، آموزش و پرورش، فرمانداری، صداوسیما،

ارکان شجره (استاد، استادياران، سرمربیان و...) و.....

حیطه يا گستره موضوعات وضع موجود: موضوعات مورد بحث هر کارگروه تا حد امکان محدود به عرصه تخصصی کارگروه که يا معرفتی، يا تربیتی يا بصیرتی و يا مهارتی است، می باشد. هر کارگروه وضعیت فعلی شبکه تربیتی با تأکید بر حلقات متریبان را ترسیم می نماید. مثلاً کارگروه معرفتی نحوه آموزش مباحث، دستیابی سرگروه ها به محتوای لازم و مباحثی از این دست را مورد توجه قرار می دهد.

ب-۲-۳. تعیین فاصله وضع موجود در مقایسه با وضع مطلوب و ارائه راهکارهای تحقق وضع مطلوب

از وظایف مهم هر کارگروه نشان دادن نحوه و روش رسیدن از وضع موجود به مطلوب و گذر از موانع پیش رو است. در دو گام قبل، وضع مطلوب معین شده و با تعیین وضع موجود -اینکه به چه میزان به وضع مطلوب نزدیک شده ایم- نشان داده می شود. حال بایستی نحوه پیمودن بقیه راه را نیز معین کرد. بنابراین نشان دادن اینکه شجره در هریک از ابعاد چهارگانه چگونه می تواند به وضع مطلوب خویش برسد و نحوه راهبری این حرکت مهمترین هدف این بخش است. البته هر کارگروه علاوه بر اعلام نظر شایسته است به ایفای نقش لازم در این خصوص نیز پرداخته و تا رسیدن به نتیجه، کار را پیگیری نماید.

ب-۲-۴. عملیاتی نمودن راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب

نباید کارگروه صرفاً خود را داعیه دار ارائه نظر بدانند و به همین اکتفا کند. شایسته است مسئول کارگروه با طراحی تدبیر لازم در کارگروه، نحوه عملیاتی شدن نظرات و نقش هر رکن را در گروه ارائه نموده و پس از بحث در گروه استادياران و تأیید و امضاء فرمانده سپاه و استاد محترم در صورت نیاز مجوز لازم از معاونت تعلیم و تربیت، عملیات مورد نظر را پیگیری نماید.

ب-۲-۵. ارزشیابی میزان اثربخشی راهکارهای عملیاتی

اینکه راهکارهای پیشنهادی به چه میزان کارآیی و اثربخشی داشته است و به عبارت دیگر اینکه آیا راهکارهایی که در مرحله قبل مورد استفاده قرار گرفته اند، به سمت هدف مورد نظر حرکت کرده اند و در دستیابی به هدف به چه میزان موفق بوده اند مقصود اصلی ارزشیابی است. کارگروه در این خصوص بایستی با اندیشیدن و چیدن سازوکار به رصد میزان اثربخشی و کارآیی راهکارهای عملیاتی در ابعاد کمی و کیفی بپردازد.

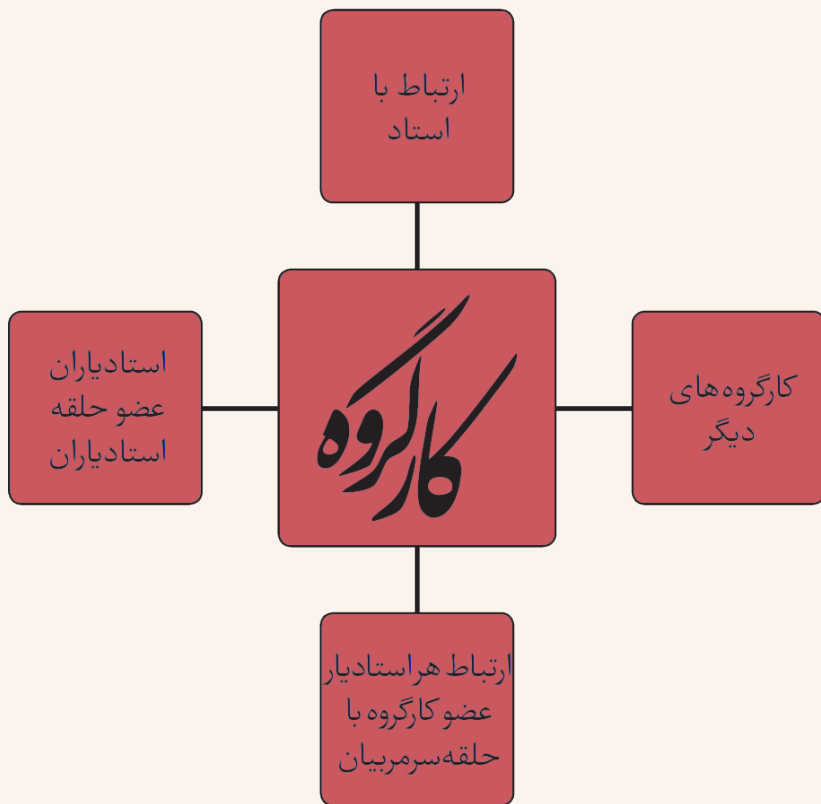
ب-۲-۶. بازنگری، اصلاح و جایگزینی راهکارهای غیر اثربخش

آخرین مرحله فرآیند بهبود تحقق شبکه تربیتی با تأکید بر حلقات متریبان، براساس تشکیل کارگروه های تخصصی بازنگری در راهکارها است. با توجه به اینکه در یک بازه زمانی خاص برنامه ها اجرا می گردند، این بازنگری کمک می کند تا برنامه هایی که به میزان لازم قابلیت

عملیاتی شدن نداشته و یا در راستای هدف مورد نظر نبوده‌اند، از برنامه‌های سال بعد حذف و یا اصلاح گردند.

ب-۳. سطوح ارتباطی کارگروه

هر کارگروه گروه استادیاران در دو سطح طولی و عرضی و مانند شکل زیر چند نوع می‌تواند ارتباط برقرار نماید:



در سطح طولی ارتباط یا با رکن بالادستی یعنی استاد و یا با رکن پایین‌دستی یعنی گروه سرمربیان برقرار می‌گردد. در سطح طولی نیز دو نوع ارتباط وجود دارد: یکی ارتباط گروه با دیگر کارگروه‌های حلقه استادیاران و دیگری با استادیاران گروه. شرح این چهار نوع ارتباط به شرح زیر است:

دو نوع ارتباطی که در سطح گروه استادیاران کارگروه برقرار می‌نماید:

۱. ارتباط هر کارگروه با کارگروه‌های دیگر؛ و به این معناست که با مشخص شدن تعاملات و هم‌پوشانی‌های میان عرصه‌های معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی، زمینه کار مشترک کارگروه‌ها فراهم می‌آید.

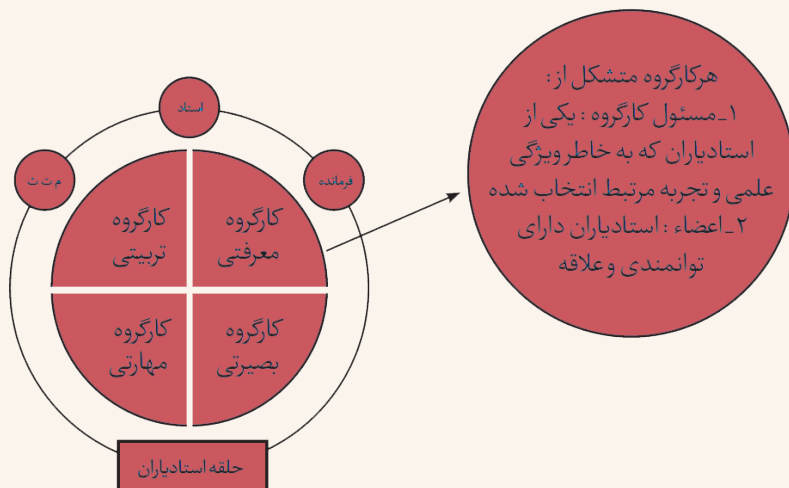
۲. ارتباط هر کارگروه با هر کدام از استادیاران قطع نظر از اینکه وی در چه کارگروه تخصصی دیگری است. این ارتباط ناظر به بحث و تبادل نظری است که در گروه استادیاران نسبت به مباحث هر کارگروه در می‌گیرد.

دو نوع ارتباطی که هر کارگروه به صورت عرضی برقرار می‌نماید:

۳. ارتباط با رکن بالایی: هر کارگروه در مبحث تخصصی خویش با استاد گروه ارتباط یافته و زمینه بحث فراهم می‌گردد. با توجه به حضور استاد در مجمع اساتید، و نقش سیاستگذاری این مجمع برای طرح صالحین، این مباحث تخصصی زمینه مناسبی برای تصمیم‌سازی ایشان فراهم می‌آورد.

۴. ارتباط با رکن پایینی: هر استادیار به عنوان عضو یک کارگروه تخصصی حلقه استادیاران، یک گروه سرمربیان نیز دارد. او در عین حال که در یک کارگروه تخصصی مثلاً معرفتی مشغول به فعالیت و بحث است، با بهره‌ای که در دیگر عرصه‌های تخصصی از مباحث کارگروه‌های دیگر برمی‌گیرد، امکان انتقال این محتوای تخصصی و علمی را به سرمربیان فراهم می‌آورد. از طرف دیگر ارتباطی که استادیار با ارکان پایین‌تر صالحین دارد، امکان تسری مباحث تخصصی مطرح شده در گروه و اجرایی شدن آن‌ها در نظام تربیتی شجره را فراهم می‌آورد.

ب-۴. ترکیب گروه استادیاران بر اساس کارگروه‌ها



ب-۵. انتخاب اعضای کارگروه‌های تخصصی

مراحل کلی تعیین اعضای کارگروه به شرح زیر است:

۱- تعیین مسئول کارگروه؛

۲- انتخاب اعضای کارگروه توسط مسئول کارگروه؛

۳- تأیید نهایی کارگروه‌ها توسط مسئول کارگروه، استاد محترم، فرمانده محترم و مسئول محترم تعلیم و تربیت.

شرح جزئی‌تر این مراحل عبارت است از:

۱- تعیین مسئول کارگروه: مسئول تعلیم و تربیت با توجه به شرایط علمی و توان و علاقه‌مندی ۴ نفر از استادیاران گروه را به‌عنوان مسئولین کارگروه‌های چهارگانه به استاد معرفی نموده و پس از بررسی‌های لازم توسط استاد نسبت به دعوت از آن‌ها اقدام لازم به عمل آورده شود تا توسط استاد توجیه و منصوب گردند و سپس در جمع استادیاران در گروه معرفی می‌شوند.

۲- تعیین اعضای کارگروه: هرکدام از استادیاران با توجه به توانمندی و علایق خویش فقط در یکی از کارگروه‌های چهارگانه بایستی عضو شوند. شایسته است هر کدام از مسئولین کارگروه‌ها با توجیه دیگر استادیاران نسبت به کارگروه، لیست اسامی پیشنهادی کارگروه خود را به مسئول محترم تعلیم و تربیت تحویل نمایند. با توجه به ضرورت شکل‌گیری هر چهار گروه در اثربخشی این برنامه، نیاز است تا استاد محترم تأیید نهایی اعضا را به‌گونه‌ای که هر چهار کارگروه فعال گردند به انجام رسانند.

با توجه به احتمال توزیع نامتقارن اعضاء کارگروه‌ها، مسئول تعلیم و تربیت در خصوص تشکیل همه کارگروه‌ها و توزیع مناسب کمی و کیفی استادیاران در کارگروه‌ها، هماهنگی‌های لازم را با استاد محترم انجام دهد. در این خصوص لازم است مبنای اصلی تقسیم‌بندی را توانمندی علمی و تخصصی استادیاران قرار داده و از معیارهایی همچون نزدیکی جغرافیایی استادیاران، مشابهت قومی و زبانی و.... اجتناب شود.

ب-۶. ویژگی‌های اعضای کارگروه‌ها

مسئول کارگروه:

- تخصص نسبتاً بیشتر در موضوع کارگروه از دیگر استادیاران و دارای سابقه علمی و تخصصی در موضوع؛

- مقبولیت در بین اعضای کارگروه؛

- توانایی مدیریت علمی و هدایت اعضای کارگروه؛

- دارای مهارت مدیریت تشکیلاتی.

اعضاء کارگروه:

- برخورداري از تجارب موفق کاري در موضوع کارگروه؛
- داراي پيشينه تحقیقی در موضوع کارگروه؛
- صاحب نظر بودن در موضوع کارگروه؛
- علاقه و توانمندی در پيشبرد موضوع کارگروه.

ب-۷. نحوه فعالیت کارگروهها در حلقه استادیاران

با توجه به مقطع کنونی که مراحل اولیه شکل گیری و راه اندازی کارگروههاست، اولین تأکید بر شکل دادن هرکدام از چهار کارگروه می باشد. در این خصوص همکاری جدی مسئول تعلیم و تربیت، فرمانده سپاه استان و استاد محترم و مسئول کارگروه مورد تأکید است. سپس شایسته است مسئولین کارگروهها نسبت به تشکیل جلسات تخصصی کارگروهها با دستور جلسه معین اقدام نمایند. به عنوان نمونه به دستور جلسه «طراحی وضع مطلوب» که در هرکدام از عرصه های چهارگانه باید دست یافت اشاره می گردد.

هدف و خروجی جلسه این است که هر یک از کارگروهها با توجه به اسناد موجود، بایستی آنچه می خواهند در عرصه تخصصی این کارگروه در نظام تربیتی صالحین در استان به دست آید را تعیین نمایند. در این راستا مراحلی به شکل زیر قابل انجام است:

- تبیین مسئله توسط مسئول کارگروه و کنترل جلسه نیز توسط ایشان انجام می گیرد. پس از بحث کافی در این خصوص، وضع مطلوب آماده شده در هر چهار عرصه، به تمام اعضای گروه استادیاران ارسال گردد تا مطالعه نمایند. همچنین مسئول کارگروه، کاربرگ گزارش صورتجلسه کارگروه را تکمیل نموده و در اختیار مسئول تعلیم تربیت قرار می دهد و ارسال آن به معاونت را نیز از ایشان پیگیری می نماید.

- در اولین جلسه حلقه استادیاران هرکدام از مسئولین کارگروهها در زمان مقرر شده، مباحث خویش را ارائه نماید. سپس دیگر اعضای گروه (با توجه به اینکه مباحث را قبلاً دریافت و مطالعه نموده اند) نکات و نقطه نظرات خویش را ارائه نموده و مسئول کارگروه نیز آن ها را برای بهره گیری لازم استماع نماید. در نهایت استاد محترم، نکات تکمیلی را در صورت لزوم در خصوص این عرصه و کارگروه مورد نظر ارائه می نماید. به همین ترتیب بقیه کارگروهها نیز به ارائه بحث در گروه می پردازند.

ب-۸. نقش هر یک از اعضای گروه استادیاران در کارگروه‌ها

در راستای فعالیت‌های کارگروه‌ها، شایسته است هرکدام از اعضای حلقه استادیاران نقش‌هایی را ایفا نمایند:

ب-۸-۱. نقش استاد:

- تعیین موضوعات و مسائل اساسی کارگروه‌ها و هدایت به سمت طرح مباحث کاربردی در جهت کیفی‌سازی شجره؛
- تنظیم زمان جلسه حلقه استادیاران و دادن وقت به مسئولین کارگروه‌ها برای ارائه بحث در هر جلسه؛
- ایجاد هماهنگی میان فرمانده و مسئول تعلیم و تربیت با مسئول کارگروه در راستای تحصیل اهداف کارگروه؛
- تأیید نهایی مصوبات کارگروه‌های تخصصی و امضاء آن قبل از پیگیری‌های بعدی.

ب-۸-۲. نقش فرمانده سپاه استان:

- یاری‌رسانی به مسئول کارگروه در جهت دستیابی به کانال‌های لازم برای کسب اطلاعات مورد نیاز عرصه تخصصی کارگروه؛
- ارائه مشاوره به مسئول کارگروه در جهت کسب شناخت هر چه بهتر از فرصت‌ها و تهدیدها؛
- تأیید نهایی مصوبات کارگروه‌های تخصصی و امضاء آن قبل از پیگیری‌های بعدی.

ب-۸-۳. نقش مسئول کارگروه:

- هدایت مسیر حرکت کارگروه و جریان مباحث؛
- ارائه مشاوره در خصوص موضوعات و هدایت علمی به اعضاء کارگروه؛
- فراهم نمودن زمینه هم‌اندیشی‌ها و تبادل مباحث میان اعضای کارگروه؛
- جمع‌بندی علمی جلسات کارگروه و تهیه صورتجلسه مربوطه و ارائه به استاد و دبیرخانه گروه؛

- تهیه دستورجلسه با توجه به اقتضائات علمی کارگروه؛
- ارائه نتایج به‌دست آمده در گروه استادیاران؛
- ارتباط و تعامل با سایر مسئولین کارگروه‌ها به اقتضاء.

ب-۸-۴. نقش اعضای کارگروه:

- شرکت منظم در جلسات کارگروه؛
- مطالعه و کسب آمادگی جهت شرکت در مباحث کارگروه با توجه به دستورجلسه اعلام شده؛
- یاری رساندن به مسئول کارگروه در انجام وظایف.

ب-۵. نقش مسئول تعليم و تربيت:

- ياری‌رسانی به مسئول کارگروه در جهت دستیابی به اسناد مورد نیاز کارگروه در خصوص صالحين؛
- فراهم آوردن زمینه هماهنگی با مسئول دفتر استاد برای تنظيم وقت ملاقات با مسئول کارگروه؛
- ارائه راهنمایی در خصوص مسائل ساختاری و سازمانی صالحين به مسئول کارگروه؛
- پیگیری فعالسازی کارگروه‌های تخصصی؛
- رصد فعاليت‌های انجام شده کارگروه.

ج- وظايف استادياران
نسبت به حلقه سرمربیان

گروه‌های تربیتی سرمربیان، با توجه به اهميت نقش سرمربی در شجره، در انتقال سياست‌های طرح صالحين و نیز رشد و تربيت اعضا از اهميت ویژه‌ای برخوردار است. این گروه‌ها نیز مانند سایر گروه‌ها، برنامه‌ها و فعاليت‌های تربیتی متعددی دارند که بنا به تشخيص استاديار به تناسب به آن‌ها پرداخته می‌شود. از آنجایی که شايسته است گروه سرمربیان در سراسر کشور از استانداردهای یکسان پیروی نمایند، در این بخش پيرامون گروه‌های تربیتی سرمربیان بحث خواهد شد و استادياران تلاش می‌کنند اهداف طرح صالحين را بر اساس برنامه‌های ارائه شده در این گروه‌ها و فعاليت‌های آن جاری نمایند.

ج-۱. تشكيل و اداره گروه سرمربیان

مهم‌ترین وظیفه استاديار، تشكيل و اداره حلقه تربیتی سرمربیان است که در گام‌های زیر تعريف می‌شود:

ج-۱-۱. بررسی و تأييد شرايط تخصصی سرمربیان

احراز شرايط انتخاب سرمربیان بر عهده استاديار است. استاديار با استفاده از روش‌ها و ابزار ارزشیابی، افراد واجد شرايط را شناسایی و به منظور کسب مهارت‌های لازم، برای شرکت در دوره‌های آموزشی به مسئولین مربوط معرفی می‌نماید. اهم شرايط تخصصی سرمربیان عبارت است از:

- (۱) معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران؛
- (۲) اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه؛
- (۳) دارای روحیه و بینش ولایی و انقلابی؛
- (۴) دارای مقبولیت مردمی و حسن سلوک اجتماعی؛
- (۵) دارای انگیزه و توانایی رشد و ارتقاء مربیان؛

۶) آشنا به مبانی انسان شناسی اسلامی؛

۷) مسلط به مبانی معرفت دینی و اصول و روش‌های تربیت اسلامی؛

۸) مسلط به آسیب شناسی تربیتی و ارائه راهکارهای برون رفت از آنها؛

۹) قالبیت الگو بودن در امور معنوی؛

۱۰) توانایی هدایت‌گری تربیتی و رفتاری؛

۱۱) دارای شناخت و قدرت تحلیل و روشننگری جریان‌های سیاسی؛

۱۲) تسلط لازم به مبانی اندیشه حضرت امام خمینی (قدس) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)؛

۱۳) دارای توان تأثیر گذاری و ایجاد انگیزه مثبت در دیگران؛

۱۴) دارای روحیه جهادی و انقلابی؛

۱۵) معتقد به لزوم پیشرفت معنوی و رشد همه جانبه در محضر استادیار؛

۱۶) دارای روحیه ساده زیستی و فاقد روحیه تجمل گرایی و اسراف؛

۱۷) دارا بودن حداقل مدرک سطح ۲ حوزه علمیه.

تبصره ۱: در صورت عدم ویژگی در ردیف ۱۷، به شرط احراز سایر شرایط و با صلاحدید و تأیید سایر توانمندی‌ها توسط استادیار معرفی بلا مانع می باشد.

تبصره ۲: استثنائاً اگر در یک حوزه، سرمربی واجد شرایط (طلبه) به هیچ وجه یافت نشد، امکان بهره‌گیری از اساتید، معلمان و... وجود دارد.

ج-۲-۱. اداره جلسات گروه سرمربیان

فعالیت‌ها و برنامه‌های حلقه سرمربیان، با محوریت تربیت و رشد فردی آن‌ها و سایر ارکان و اعضای طرح صالحین انجام می‌گیرد. نظر به اهمیت استانداردسازی فعالیت‌ها و برنامه‌های این حلقات، در این جدول به بیان مهم‌ترین نکاتی که در تشکیل جلسات حلقات سرمربیان می‌بایست به آن‌ها توجه داشت، می‌پردازیم:

اداره جلسات گروه	
تعداد اعضا	حداکثر ۲۰ نفر
دوره برگزاری	به صورت منظم و حداقل ماهانه یک‌بار برگزار می‌شود (در صورت توافق اعضای گروه با استادیار می‌توانند تعداد جلسات را افزایش دهند).
مدت جلسات	بر اساس شرایط و ویژگی‌های سرمربیان و توافق آن‌ها تعیین می‌شود.

اداره جلسات گروه	
مکان برگزاری	به صلاحدید استادیار و با هماهنگی فرمانده و مسئول تعلیم و تربیت ناحیه تعیین می‌شود؛ بهتر است مکان، علاوه بر شرایط مناسب رفت و آمد اعضا، دارای تأثیرات معنوی و رفتاری بر سرمربیان نیز باشد.
موضوع جلسات	بر اساس نیازسنجی (معرفتی، تربیتی و بصیرتی) انتخاب می‌شود. این نیازسنجی می‌تواند بر اساس نیاز سرمربیان یا مربیان، سرگروه‌ها یا مربیان زیر نظر آن‌ها انجام شود. با توجه به اینکه استاد نقش اشرافیت کلی بر فعالیت‌های گروه‌های تربیتی دارد، بنابراین لازم است موضوع جلسات بر اساس سیاست‌های کلان شجره و هماهنگی استاد انتخاب شود.

در اینجا لازم است، نکته‌ای درباره فرآیند تحقق تربیت در گروه تربیتی ذکر گردد که لحاظ نمودن این رویکرد در کیفیت اداره گروه مؤثر است:

تربیت در شبکه تربیتی صالحین، جریانی است دوسویه که دو رکن بالادستی و پایین‌دستی به‌صورت زنده، بالنده، هوشمند، پویا و به‌روز با یکدیگر تعامل دارند. بنابراین در این شبکه جریان تربیت تنها از بالا به پایین نگریده نمی‌شود، بلکه با وجود اینکه رکن بالادستی شأن تربیت‌کنندگی و رکن پایین‌دستی شأن تربیت‌شوندگی دارد، در عین حال، رکن بالادستی خود، در حال تربیت شدن است. این تربیت از دو جهت اتفاق می‌افتد:

الف) فرد احساس می‌کند، برای تربیت غیر، نیاز به پیش‌نیازها و لوازمی درونی دارد که می‌بایست از پیش در خود فراهم نماید؛ یکی از این پیش‌نیازها، اخلاص و خودسازی است که با تلاش در جهت تحقق آن‌ها، تربیت در خود فرد اتفاق می‌افتد.

ب) رکن بالادستی از رهگذر تلاش برای تربیت غیر، به کاستی‌ها و اشکالات خود پی می‌برد و در صدد رفع آن‌ها برمی‌آید. در این حالت رکن بالادستی می‌تواند با نگاهی جامع‌بینانه و دوسویه، از ارکان پایین‌دستی بخواهد تا کاستی‌ها و اشکالاتی که در وی یافته‌اند را برای ایشان بازگو نمایند. این حالت نه تنها موجب تقویت واعظ درونی در فرد می‌شود، بلکه همواره عقل و قدرت تعقل را در ارکان پایین‌دستی پویا و فعال نگه می‌دارد؛ چراکه این ارکان تلاش می‌کنند تا با نگاهی همه‌جانبه و تعقل کافی در مسئله، بازخوردی صحیح را به وی منتقل نمایند.

این انتقال بازخورد، تنها مربوط به رکن بالادستی و روش تربیتی وی نبوده، بلکه شامل محتوای معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی که از سوی رکن بالادستی جهت استفاده در گروه انتخاب

شده است، نیز می‌شود. در این حالت، محتوا در یک سیر نزولی، از ارکان بالادستی به ارکان پایین‌دستی منتقل می‌شود و بازخورد آن (میزان تناسب با نیازهای ایشان، کمیت و کیفیت محتوا و...) در یک سیر صعودی، از ارکان پایین‌دستی به ارکان بالادستی انتقال می‌یابد؛ این بازخورد در مرحله بعد موجب می‌شود، تا محتوای اصلاح شده (بر اساس بازخورد صورت گرفته) دوباره از ارکان بالادستی به ارکان پایین‌دستی منتقل شده و این فرآیند ادامه پیدا کند. بنابر این توضیحات، مراد از دو سویه بودن جریان تربیت در شبکه تربیتی صالحین و نیز زنده، بالنده، هوشمند و پویا بودن این جریان روشن می‌گردد.

ج ۱-۳. برنامه‌های جلسات

در هر جلسه، موضوع اختصاصی جلسه مطرح شده و پیرامون آن بحث خواهد شد. این موضوع متناسب با نیاز سرمربیان در محورهای معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی، با در نظر گرفتن شرایط و نیاز اعضای گروه‌ها برنامه‌ریزی خواهد شد.

نکته: در صورت پیوسته بودن مباحث جلسات گروه، در شروع جلسه خلاصه‌ای کوتاه از مباحث گذشته ارائه می‌گردد.

مطالب مطرح شده در این بخش لازم است از منابع مورد تأیید استاد مربوط باشد و در صورت نیاز، منبع آن در جلسه ذکر گردد.

به‌منظور اداره جلسه و تشریح موضوع، می‌توان از این روش‌ها استفاده نمود:

۱. **هم‌اندیشی:** این جلسه برای به مشارکت در آوردن اعضا در مباحث گروهی برگزار می‌گردد. بدین شیوه که استادیار موضوع را مطرح نموده و ابتدا ابعاد آن را طرح و سپس راه‌حل‌های آن را به بحث می‌گذارد. در این جلسه عمده وظیفه استادیار به دست آوردن جواب از محتوای مطالب ارائه شده توسط اعضا و پروراندن، جهت‌بخشی و نتیجه‌گیری از بحث است.

از کارکردهای این شیوه مشارکت اعضا در بحث، مباحثه افراد با یکدیگر، فراگیری، جدال احسن، آگاهی استادیار از نگاه افراد به موضوع، دریافت نقاط ضعف و قوت در آگاهی افراد و ارتقاء سطح اثرگذاری افراد بر محیط پیرامونی را می‌توان نام برد.

۲. **پرسش و پاسخ:** در این شیوه اعضا می‌توانند سؤالات خود را به صورت کتبی و شفاهی از استادیار خود پرسش نموده و پاسخ خویش را شفاهاً دریافت نمایند. استادیار باید بداند در پاسخ به پرسش‌ها به گونه‌ای پاسخ دهد که جنبه عمومی بحث را در جمع ارائه نموده و اگر موضوع شخصی نسبت به آن فرد وجود دارد، به‌صورت مشاوره فردی با مربی صحبت نماید.

۳. **مباحثه‌ای:** استادیار موضوع را در جلسه قبل مطرح کرده و هر یک از اعضا در این خصوص تحقیق نموده و در جلسه مطالب خود را ارائه نموده و اعضا در بحث شرکت کرده و استادیار در پایان جلسه، جمع‌بندی نموده و نکات اساسی و تأثیرگذار را بیان نماید.

۴. کنفرانسی: موضوع جلسه از قبل به یک یا چند نفر واگذار شده و این افراد پس از تحقیق و مطالعه پیرامون موضوع، نتایج را در جلسه مطرح نموده و به سؤالات سایر اعضا پاسخ داده و استادیار جمع‌بندی نموده و نکات اساسی و اثرگذار را بیان نماید.

ج-۱-۴. محتوای جلسات

برنامه‌های گروه‌های تربیتی به‌منظور جهت‌دهی و اصلاح رفتارها (تحقق عمل صالح) و نظارت بر رشد فردی اعضا شکل می‌گیرد. لذا از باب مقدمه ضروری است معلومات (دانش) اعضا افزایش یافته و در نگرش‌های آنان اصلاحات لازم صورت گیرد. بنابراین استادیار بر اساس نیازسنجی انجام داده پیرامون موضوعات زیر در جلسات گروه‌ها بحث و گفتگو می‌نماید.

محتوای جلسات گروه‌های تربیتی در محورهای چهارگانه زیر تقسیم می‌شوند:

الف) معرفت دینی: این بخش شامل موضوعات قرآن و عترت، احکام، اعتقادات، تاریخ اسلام و انبیاء و نیز مبانی انسان‌شناسی اسلامی است.

انسان‌شناسی اسلامی مهم‌ترین مقصود و از لحاظ نتیجه سودمندترین بهره‌برداری را دارد. سرّ اهتمام به انسان‌شناسی اسلامی به معنای خودشناسی را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا معرفت شهودی قوی‌تر از دانستن حصولی است و شناخت شهودی برتر از فهمیدن مفهومی است و یافتن عینی ثمربخش‌تر از ادراک ذهنی است؛ چنانچه شناخت شهودی علت، بسیار قوی‌تر از ادراک مفهومی علت از راه معرفت حصولی معلول است. اگر انسانی خود را با شناخت شهودی بشناسد و همچنین مبدأ آفرینش خود را با معرفت حضوری بیابد - نه از راه علم حصولی به معلول - چنین معرفتی برترین شناخت‌ها است.

آنچه درباره خودشناسی در انسان‌شناسی اسلامی مهم است، شناخت از درون با علم حضوری است و سایر شناخت‌ها مانند شناخت امور دیگر که بیرون از انسان‌اند یا شناخت انسان مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی غربی، بسان گشودن گره‌های پیچیده و دشواری است که بر در کیسه خالی (و نه انسانی با فطرت الهی) زده شده است.

همچنان که حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام فرمودند: «إنَّ اللهَ علی الناسِ حجَّتینَ حجَّةٌ ظاهراً و حجَّةٌ باطناً»، حجت باطنی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا از انحصار دو حجت در روایت مذکور، یکی (حجت باطنی) به میزان پنجاه درصد نقش ایفا می‌کند و به منزله گیرنده است و دیگری (حجت ظاهری) نیز به میزان پنجاه درصد دیگر نقش ایفا می‌کند و به منزله فرستنده است. حجت ظاهری (پیامبران و ائمه)، پیام‌های فطری و الهی را برای انسان‌ها بازگو و ارسال می‌نمایند و تنها انسان‌های دارای حجت باطنی سلیم (عقل)، به مثابه گیرنده حقیقی این پیام‌ها عمل نموده و پیام‌های الهی را راهنمای زندگی خود قرار می‌دهند.

بنابراین حجت باطن پیش‌نیاز حجت ظاهر است و تا سرمایه‌گذاری بر حجت باطن جهت

فعال نمودن گیرنده نشود، فعال بودن حجت ظاهر مؤثر واقع نمی‌گردد. همچنان که شواهد تاریخی همچون ابولهب‌ها و ابوجهل‌ها و یزیدیان با وجود بهترین و والاترین حجج ظاهری الهی در کنار آن‌ها، به دلیل عدم فعال بودن حجت باطن، از حجت ظاهر بهره‌ای نبرده و به انحراف کشیده شدند که خود گواه ضرورت اهتمام جدی به فعال‌سازی حجت باطنی است. با توجه به اهمیت این مباحث، شایسته است استادیاران تربیتی، مبانی انسان‌شناسی اسلامی را در گروه‌های سرمربیان تبیین و برای حرکت اعضای گروه به سمت انسان کامل، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

ب) تربیت اسلامی: محور تربیت، خود دارای دو بخش کلی زیر است:

۵ مباحث نظری: بحث پیرامون آنچه در حوزه تربیت و اخلاق قرار می‌گیرد.

۵ مباحث عملی: ارائه راه‌کارهای عملی برای تحقق عمل صالح در رفتار.

ج) بصیرت سیاسی: این بخش شامل موضوعات تاریخ تحلیلی، دانش داخلی، دانش بین‌المللی و بینش سیاسی می‌شود. البته استادیاران محترم می‌توانند در این بخش از ظرفیت مهم کارشناسان بصیرتی بسیج (مربیان بصیرتی و هادیان سیاسی) نیز استفاده نمایند. کارشناسان خبره بصیرتی که دوره‌های آموزشی مرتبط با موضوعات بصیرتی و روش‌های بصیرت‌افزایی را گذرانده‌اند؛ در حال حاضر مسئولیت بصیرت‌بخشی آحاد بسیجیان را بر عهده دارند. بنابراین شایسته است استادیاران محترم از این ظرفیت موجود به نحو شایسته استفاده کرده و سرمربیان را نیز به استفاده از این کارشناسان تشویق نمایند. به علاوه استادیاران می‌توانند در ستاد طرح صالحین ناحیه، برای به‌کارگیری ظرفیت این کارشناسان در جهت سیاست‌های کلان خود برنامه‌ریزی و مدیریت نمایند.

د) مهارت تشکیلاتی و تربیتی: این بخش شامل موضوعات و مباحث مهارتی مثل: گروه‌داری، معرفت‌افزایی، بصیرت‌افزایی، رشد تربیتی، نیازسنجی تربیتی، پاسخ به سؤالات و شبهات، مشاوره، مخاطب‌شناسی، تعامل و برقراری ارتباط با افراد و سازمان، آشنایی با سازمان بسیج و سپاه و سایر مهارت‌های لازم یک سرمربی می‌شود. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین وظایف استادیار، تبیین اصول و روش‌های معرفت دینی و تربیت اسلامی و آموزش مهارت‌های لازم در این خصوص برای سرمربیان است.

نکته‌های مهم

۱. استفاده از آثار شهید مطهری به‌عنوان اصلی‌ترین محتوا در گروه‌های تربیتی و به‌منزله ستون فقرات محتواهای گروه‌های تربیتی است و استفاده از آثار سایر متفکرین اسلامی که مورد تأیید اساتید طرح صالحین می‌باشند، نیز مفید خواهد بود.

۲. مراد از «محتوا» در شبکه تربیتی صالحین، صرفاً محدود به منابع و قالب‌های مکتوب (کتاب،

نشریه و...) و دیجیتالی (نرم افزار، سایت، برنامه‌های کاربردی و...) نبوده، بلکه عبارت است از هرگونه پیام رد و بدل شده میان ارکان شجره که در فرایند تربیت و رفتارسازی آن‌ها مؤثر بوده و در تعامل رسمی (جلسات گروه) یا غیررسمی (شبکه‌های اجتماعی، اردو، مشاوره، واسپاری مسئولیت و...) میان ارکان شجره و از رهگذر طرق گوناگونی چون خواندن، مشاهده، شنیدار و ایفای نقش تعریف شده و از ارکان بالادستی به پایین‌دستی یا بالعکس منتقل می‌شود. در این میان خاصیت شبکه‌ای بودن طرح صالحین موجب می‌گردد تا محتوا (یا به دیگر بیان، پیام‌ها) در عین حفظ صحت، با سرعت و حفظ امانت در میان ارکان انتقال یابد.

۳. محتوای گوناگونی تاکنون در قالب‌های مکتوب و دیجیتالی در اختیار ارکان طرح صالحین قرار گرفته است؛ که به صورت اجمالی در اینجا به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۳. محتوای ثابت: این محتوا، مجموعه محتوایی است که سالانه به صورت ثابت در اختیار ارکان طرح صالحین قرار می‌گیرد؛ از جمله:

- مجموعه جزوات، مطالب و پرده‌نگارهایی که در موضوع چپستی طرح صالحین، مراحل تربیت، کیفیت اردو داری، کیفیت اداره گروه و گروه‌داری و... که در دوره‌های آموزشی و تربیتی ویژه سرگروه‌ها و مربیان در اختیار ایشان قرار می‌گیرد.

- نشریه ماهنامه صالحین؛ که مبتنی بر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) و به منظور گفتمان‌سازی اندیشه ولایت و بسط و ترویج آن در میان ارکان طرح صالحین؛ در دو شماره مجزا؛ ویژه سرگروه‌ها و مربیان و به تیراژ ۳۵۰۰۰۰ نسخه از سوی معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج به چاپ رسیده و در اختیار سرگروه‌ها و مربیان قرار می‌گیرد. استکبارستیزی، ماهواره، اقتصاد مقاومتی و... از جمله موضوعاتی هستند که در شماره‌های گوناگون نشریه بدان پرداخته شده و محتوای غنی جهت استفاده در حلقات را پیش روی سرگروه‌ها و مربیان نهاده است.

- کتاب سال صالحین؛ که این مجموعه، ابتدای هر سال در قالب سررسید سال جدید با مجموعه‌ای مطالب آموزنده ویژه سرگروه‌ها، برای سرگروه‌های مساجد و محلات و اقشار به صورت مجزا تولید و جهت استفاده از محتوا در گروه در اختیار ایشان قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که به دلیل انعکاس محتوای تخصصی در سررسیده‌ها، متناسب با جامعه مخاطب سرگروه‌ها، این سررسیده‌ها به تفکیک متریبان کودک، نوجوان و جوان و نیز تفکیک جنسیت به صورت مجزا ویژه سرگروه‌های این حلقات به چاپ می‌رسد.

- دوره‌های آموزش مجازی بسیج؛ پایگاه اینترنتی صالحین به آدرس www.salehin.ir محتوای گوناگونی در قالب دوره‌های آموزش مجازی ویژه سرگروه‌ها بارگذاری نموده است. این دوره‌ها با عناوینی از جمله گروه‌داری، چپستی تربیت دینی، اردو داری، بصیرت

سیاسی و... از طریق ثبت نام سرگروه‌ها و با ارائه نام کاربری و رمز ورود از سوی مدیریت مدرسه مجازی معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج، مدیریت و برنامه‌ریزی می‌گردد.

- نشریه استانی صالحین؛ که این نشریه با تمرکز بر محتوای معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی مورد نیاز سرگروه‌ها و مربیان به صورت دوره‌ای و منظم از سوی معاونت تعلیم و تربیت سپاه‌های استانی تولید و توزیع می‌گردد.

۲-۳. محتوای اقتضائی: این محتوا، به اقتضاء زمانی یا بنا به احساس نیاز از سوی ارکان طرح صالحین، تولید و در اختیار ایشان قرار می‌گیرد. به برخی از مهم‌ترین آن‌ها در اینجا اشاره می‌شود:

- کتاب درس‌نامه‌های گروه‌های تربیتی طرح صالحین؛ این کتاب در چهار عرصه معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی؛ به تفکیک مخاطبان چهارگانه نوجوان سطح ۱، نوجوان سطح ۲، جوان و میان‌سال و پیشکسوت در مجموع بیش از ۶۰۰ درس‌نامه را در قالب معرفی سرفصل‌های ارائه مبحث تدوین نموده است که جهت استفاده از سرگروه‌های بسیج مساجد و محلات در اختیار ایشان قرار گرفته است.

- کتاب‌خانه صالحین؛ که در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ هر پایگاه بسیج به کتابخانه‌ای مشتمل بر ۸۷ عنوان کتاب برای برادران و ۹۵ عنوان کتاب برای خواهران در موضوعات گوناگون معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی از سوی معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج تجهیز گردید. این کتابخانه خود گنجینه‌ای ارزنده جهت استفاده از سرگروه‌ها و مربیان به شمار می‌آید. تعدادی از این کتب در انتهای کتاب (منابع صالحین) معرفی گشته‌اند.

- مجموعه نرم‌افزاری آموزشی ویژه سرگروه‌ها و مربیان؛ این مجموعه در چهار گروه cd به ارائه مباحث کاربردی تربیت در صالحین از زبان برنامه‌ریزان آن و نیز محققان این عرصه پرداخته است. این مجموعه در قالب بیش از ده جلسه فیلم ضبط شده، به بیان مباحثی چون تعلیم و تربیت در اسلام، اهداف تشکیل گروه تربیتی، مدیریت و راهبری گروه، اردوی تربیتی، مراحل تربیت، مخاطب‌شناسی، کادرسازی و... می‌پردازد.

- گنجینه صالحین؛ مشتمل بر محتوای مدون شده و آماده ارائه در حلقات نوجوانان سطح ۱ و ۲ که در قالب درس‌نامه‌های معرفتی، تربیتی و بصیرتی ارائه شده است.

ج ۱-۵. فعالیت‌های حلقه سرمربیان

با توجه به تربیتی بودن ماهیت حلقات ارکان صالحین، فعالیت‌های گروه‌های سرمربیان، منحصر در جلسات گروه‌ها نبوده و بخش عمده برنامه‌های گروه‌ها در خارج از جلسات صورت می‌پذیرد. فعالیت‌های خارج از جلسات، مکمل بخش محتوایی و سیر موضوعات جلسات گروه‌ها است. در این فعالیت‌ها، میزان رشد یافتگی اعضا قابل سنجش است. استادیار می‌تواند

با استفاده از این فرصت، در رشد تربیتی اعضای گروه خود کوشش کرده و با هماهنگی استاد به این روند تسریع بخشد. در این بخش به تبیین این فعالیت‌ها در دو بخش فعالیت‌های دسته‌جمعی و فعالیت‌های فردی خواهیم پرداخت.

• فعالیت‌های دسته‌جمعی

فعالیت‌های دسته‌جمعی به آن دسته از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در آن همه اعضای گروه به صورت جمعی تحت مدیریت و راهبری استادیار با یکدیگر مشارکت دارند و در برنامه حضور می‌یابند. استادیار، اینگونه فعالیت‌ها را با در نظر گرفتن شرایط سرمربیان، با هدف رشد تربیتی اعضای گروه و افزایش انسجام میان ایشان برنامه‌ریزی می‌کند. برخی از فعالیت‌های دسته‌جمعی گروه‌ها عبارت‌اند از:

۱. شرکت هدفمند در اردوهای دسته‌جمعی مانند راهیان نور؛
۲. شرکت در برنامه‌های تفریحی-ورزشی؛ مثل پیاده‌روی، کوهنوردی و...؛
۳. دیدار با خانواده‌های شهدای شهر و جانبازان؛
۴. شرکت در مراسم جمعی مانند جلسات مناجات، دعا، اعتکاف و...؛
۵. دیدار با علماء و بزرگان شهر و استان با هدف کسب معارف و اثربخشی مثبت تربیتی اعضا؛
۶. شرکت در مناسبت‌های سیاسی مانند راهپیمایی‌ها؛
۷.

• فعالیت‌های فردی اعضا

فعالیت‌های فردی، به آن دسته از برنامه‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که اعضای گروه به صورت انفرادی یا با همراهی استادیار خواهند داشت. برخی از فعالیت‌های فردی اعضای گروه سرمربیان عبارت است از:

۱. مسئولیت سپاری خاص درون گروهی و برون گروهی از سوی استادیار؛
۲. مشاوره فردی استادیار به سرمربیان؛
۳. انجام تحقیقات و پژوهش‌های کاربردی؛
۴. نظارت و بازدید هر کدام از اعضا از سایر گروه‌های تربیتی به تشخیص و تدبیر استادیار.

ج-۱-۶. استانداردهای گروه‌های تربیتی سرمربیان

استانداردهای گروه‌های تربیتی سرمربیان در دو بخش زیر قابل تقسیم است:

• استانداردهای کمی و شکلی:

۱. تعداد اعضای گروه‌های تربیتی حداکثر ۲۰ نفر است؛
۲. هر گروه فقط یک استادیار داشته که مسئولیت هدایت و رهبری سرمربیان را بر عهده دارد؛
۳. تعداد جلسات (هر ماه حداقل یک جلسه)؛

۴. شرکت منظم و مستمر اعضا در جلسات؛

۵. ثابت بودن اعضای گروه (جلوگیری از ریزش‌ها و جابجایی افراد)؛

۶. ارتباط منظم و مستمر استادیار با استاد مربوط؛

۷. حضور فرماندهان نواحی شخصاً به‌عنوان دبیر در جلسات گروه سرمربیان؛

۸. مدیریت و اداره جلسات گروه توسط شخص استادیاران و پرهیز از واگذاری آن به غیر؛

• استانداردهای کیفی:

۱. تسلط استادیار بر طرح صالحین و اهداف و برنامه‌های آن؛

۲. محدود نبودن فعالیت‌های گروه به برنامه‌های جلسات و تأکید بر فعالیت‌های خارج از جلسات؛

۳. حاکمیت نگاه تربیتی در تمامی برنامه‌ها و فعالیت‌های گروه‌ها (تبدیل نگاه آموزش‌محوری به تربیت‌محوری)؛

۴. ارتباط صمیمی و دوستانه استادیار با اعضا و اعضا با یکدیگر؛

۵. پذیرش استادیار به‌عنوان الگو و هدایت‌گر توسط اعضا؛

۶. رعایت کرامت نفس و شأن و منزلت اعضا در فرایند تربیت؛

۷. مشارکت فعال و مؤثر اعضا در مباحث و موضوعات جلسات؛

۸. تسلط استادیار بر رفتار، مشکلات و نیازهای اعضا؛

۹. ایجاد تغییرات محسوس رفتاری و اخلاقی در اعضا متناسب با مدت عضویت در گروه؛

۱۰. توجه و تمرکز بر ابعاد چهارگانه محتوایی گروه‌ها (معرفت دینی، تربیت اسلامی، بصیرت سیاسی، مهارت‌تشکیلاتی) متناسب با نیاز اعضا؛

۱۱. بررسی وضعیت تحقق استانداردهای کیفی گروه‌های تربیتی مربیان، سرگروه‌ها و مربیان و مشاوره و یاری در جهت حصول آن‌ها؛

۱۲. تمرکز مباحث جلسات و برنامه‌های گروه بر شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی در حلقات پایین‌دستی؛

۱۳. ارزشیابی مستمر عملکرد سرمربیان و معرفی و تقدیر از مربیان برتر.

ج-۲. پاسخگویی به سؤالات سرمربیان و مربیان

یکی از نیازهای ضروری سرمربی، دستیابی به پاسخ شبهات و سؤالات معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی است. استادیار پاسخ‌های لازم را در جلسات گروه سرمربیان و یا خارج از جلسات به وی خواهد داد.

سؤالات قابل طرح از طرف سرمربیان گاهی یک سؤال یا شبهه ایجاد شده برای مربی، سرگروه یا مربیان مربوط بوده و گاهی نیز کسب مهارت و روش‌های مورد نیاز تربیت مربی، سرگروه

و متربيان خواهد بود. بنا براین استاديار نیز هم پاسخگوی شبهات و سؤالات سرمربیان بوده و هم راه‌کارها و روش‌های تربیتی را به آن‌ها ارائه خواهد داد.

ج-۳. تشکیل پرونده تربیتی ویژه سرمربیان گروه

استادياران با هدف شناخت دقیق از مخاطبان و روحیات آن‌ها و نیز برنامه‌ریزی تربیتی ویژه هر سرمربی متناسب با نیازها و ویژگی‌های ایشان، می‌توانند با همکاری مسئول تعلیم و تربیت ناحیه نسبت به تشکیل پرونده تربیتی سرمربیان گروه خود اقدام نمایند. اسناد و دبیرخانه این موضوع می‌تواند در اختیار مسئول تعلیم و تربیت ناحیه بایگانی گردد.

این پرونده در دو بخش کلی قابل پی‌جویی و تکمیل است:

- مشخصات شخصی سرمربیان: که شامل مشخصات فردی، سوابق آموزشی، پژوهشی و تبلیغی سرمربی و توانمندی‌های او می‌شود.

- فعالیت‌های تربیتی سرمربی در طرح صالحین: که شامل شرح فعالیت‌های سرمربی در طرح صالحین (نسبت به حلقات مربیان، سرگروه‌ها و متربیین)، شرح راهنمایی‌هایی ارائه شده از سوی استاديار به سرمربی، شرح وظایف محوله از سوی استاديار به سرمربی جهت پیگیری آتی، آسیب‌شناسی فعالیت‌های سرمربی در گروه مربیان و... است.

ج-۴. نظارت بر عملکرد سرمربیان و روند تحقق صحیح اهداف طرح صالحین

نظارت یکی از لایه‌ها و روش‌های کنترل، محسوب می‌شود. کنترل مستمر و هدفمند فعالیت‌ها و برنامه‌های گروه‌های تربیتی و نیز ارزشیابی عملکرد ارکان طرح صالحین از اقدامات محوری و اساسی بعد از برنامه‌ریزی و ارائه روش‌ها و راه‌کارهای عملی تحقق برنامه‌ها محسوب می‌شود. منظور از کنترل، مقایسه هدفمند آنچه هست با آنچه باید باشد، است. بنا براین استاديار باید تلاش نماید با استفاده از ابزارهای کنترل و نظارت اثربخش، از حرکت صحیح و به‌موقع سرمربیان، مربیان و سرگروه‌ها به سمت اهداف پیش‌بینی شده، اطمینان حاصل نماید.

با توجه به کثرت نیروهای تحت تربیت استاديار، لازم است استاديار نسبت به عملکرد سرمربیان، نظارت ویژه داشته و نسبت به مربیان، سرگروه‌ها و متربیین، اشراف کلی و نظارت عالیه داشته باشد. استاديار با استفاده از سیستم مدیریتی و ارتباطات موجود در لایه‌های مختلف شجره، می‌تواند به اشرافیت لازم رسیده و از طرفی با استفاده از اشرافیت کلی نسبت به وضعیت اجتماعی منطقه و سازمان‌ها و ادارات و توانایی برقراری ارتباط بین آن‌ها می‌تواند نسبت به برطرف کردن موانع و مشکلات موجود در شجره تأثیرگذار باشد.

در اینجا به برخی از نکات مهم در نظارت بر عملکرد سرمربیان اشاره خواهد شد.

۱. در انجام نظارت از عملکرد ارکان شجره لازم است به نقش نظارت درونی افراد تأکید

شده و آنان را نسبت به این موضوع تشویق و ترغیب نمایند.

۲. نظارت باید به صورت منظم، به موقع و به هنگام باشد.

۳. نظارت باید مبتنی بر هدف و برنامه باشد.

۴. در نظارت باید به نقاط اساسی و مهم پرداخته شده و از پرداختن به نقاط کم‌اهمیت پرهیز شود.

۵. نظارت باید هدایت‌گر و یاری‌کننده باشد و استادیار با ارائه پیشنهادات و راهکارهای کاربردی در جهت رفع موانع و مشکلات موجود تلاش نماید.

۶. نظارت می‌تواند موجب ایجاد رقابت سالم و سازنده میان ارکان شجره گردد.

ج-۵- شناسایی سرمربیان مستعد و ارتقاء ایشان تا سطح استادیار در صالحین

هدف نهایی در تحقق طرح صالحین، کادرسازی (تربیت انسان مؤمن، بصیر و توانمند) بوده، لذا استادیار در فرآیند اداره گروه خود، سرمربیان مستعد و دارای شرایط را شناسایی کرده و با برنامه‌ریزی ویژه، نسبت به ارتقاء آن‌ها به عنوان استادیار تلاش نماید. استادیاران محترم می‌توانند در راستای برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی تربیتی ویژه سرمربیان مستعد استادیار شدن، از مشورت‌های استاد مربوطه کمال استفاده و بهره‌برداری را داشته باشند.

ج-۶. آسیب‌شناسی عرصه‌های مختلف حلقات پایین دستی و ارائه راهکار

آسیب‌شناسی یعنی شناسایی عوامل تأثیرگذار منفی در اجرای هدف و مأموریت مورد انتظار. یک «آسیب»، معمولاً سه ویژگی کلی و اساسی دارد: حرکت را کند یا متوقف می‌کند، فراگیر است و رفع آن نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و پیچیده دارد.

آسیب‌شناسی با تشخیص نقاط ضعف تفاوت دارد. ضعف مانع کمال یک فعالیت می‌گردد؛ اما آسیب، نتیجه فعالیت را تغییر داده و منحرف می‌کند. به عنوان مثال تشکیل گروه‌های تربیتی در مسجد، تأثیر بسزایی در تربیت اعضای گروه‌ها خواهد داشت؛ برگزاری مستمر گروه در غیر محل مسجد، یک ضعف در عملکرد به شمار می‌رود. حال آنکه مشاهده فیلم‌های مضرّ، در روند تربیتی متربیان آسیب محسوب می‌شود. با شناسایی دقیق آسیب‌های موجود و استفاده از راهکارهای مناسب رفع آن‌ها، سیر تربیتی گروه‌ها، با صحت تداوم یافته و مانع انحراف از مسیر اصلی می‌گردد.

آسیب‌ها همیشه در ظاهر نمایان نبوده و در بسیاری از موارد تنها توسط کارشناسان خبره قابل شناسایی است. لذا آسیب‌شناسی با استفاده از کارشناسان خبره و توانمند به صورت فصلی یا به‌ضرورت، لازم است. بدیهی است پس از شناسایی آسیب‌های موجود، برنامه‌ریزی در جهت رفع آن‌ها ضروری است.

از سوی دیگر شناخت آسیب‌های احتمالی آینده (پیش‌بینی آسیب) و برنامه‌ریزی به‌منظور جهت‌دهی گروه‌های تربیتی در خلاف جهت آن (پیشگیری آسیب)، نیز بسیار ضروری و حیاتی

بوده و موجب سهولت در سير برنامه‌ها خواهد شد. در شناسایی آسیب و اقدامات کنترلی بعد از شناخت آن، هماهنگی با استاد مربوط به دليل اشرافیت کلی استاد و سیاست‌گذاری‌های مورد نظر وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تبصره: می‌توان جهت اطلاع و آشنایی با آسیب‌های بومی هر منطقه، از معاونت اطلاعات همان منطقه به‌منظور کسب اطلاعات لازم دعوت نمود.

در ادامه به برخی از اهم روش‌های پیش‌گیری از آسیب‌های احتمالی گروه‌ها، اشاره می‌گردد:

۱. کسب تجربه همراه با شناخت صحیح از آسیب‌های تربیتی و اجتماعی؛

۲. شناخت پرتگاه‌ها (مرزهای آسیب‌ها) و جلوگیری از نزدیک شدن به این مرزها؛

۳. مصون‌سازی افراد در مقابل آسیب‌های احتمالی متناسب با هر آسیب؛

۴. تقویت عقلانیت در افراد؛

۵. تقویت حفظ حدودالله در افراد؛

۶. فرهنگ‌سازی؛ ایجاد جو عمومی مثبت و بسترهای مناسب جهت جلوگیری از لغزش

و انحراف افراد.

۷- ارزشیابی مستمر سرمربیان به لحاظ حفظ صلاحیت‌های مربوط

حفظ شرایط و ویژگی‌های سرمربیان به‌صورت مداوم و تلاش در جهت ارتقاء آنها، امری است مهم که شایسته است سرمربی و استادیار به آن توجه داشته باشند. استادیار با ارزشیابی مستمر سرمربیان در طول برنامه‌ها و فعالیت‌های حلقات تربیتی، این موضوع را رصد کرده و در صورت مشاهده هر گونه مشکل یا مانعی، در جهت اصلاح آن تلاش می‌نماید.

استادیاران محترم می‌توانند نتایج حاصل از ارزشیابی خود نسبت به هر سرمربی را در پرونده شخصی ایشان منعکس نمایند.

اصول حاکم بر ارزشیابی استادیار از سرمربیان:

• استفاده از نتایج ارزشیابی در بهبود فرایند تربیتی و اصلاح برنامه‌ها و روش‌ها؛

• توجه به رشد همه‌جانبه سرمربیان در عرصه‌های معرفتی، تربیتی، بصیرتی و مهارتی؛

• توجه به نقش سرمربی در رشد و ارتقاء وضعیت گروه و سایر اعضای گروه؛

• استفاده از ابزارها و روش‌های متنوع ارزشیابی؛ مانند:

○ مشاهده رفتار سرمربی در گروه؛

○ توجه به گزارش عملکرد سرمربی؛

○ سرکشی از گروه مربیان و سرگروه‌ها و مشاهده عینی و بازخوردگیری از نحوه عملکرد

سرمربی؛

○ اظهارنظر سرمربی نسبت به عملکرد خود (خود ارزیابی)؛

- گفت‌وگو با فرمانده و نیز مسئول تعلیم و تربیت ناحیه یا حوزه؛
- واسپاری مسئولیت به سرمربی و بازخوردگیری از نحوه انجام آن؛
-

- رعایت قواعد اخلاقی و تربیتی در ارزشیابی (رعایت حقوق فرد، حفظ کرامت و اعتماد به نفس و...)
- توجه به تفاوت‌های فردی سرمربیان.

همانگونه که گذشت، با توجه به کثرت نیروهای تحت تربیت استادیار، لازم است استادیار علاوه بر نظارت بر عملکرد سرمربیان (به صورت مستقیم)، نسبت به مربیان، سرگروه‌ها و متریبان نیز (به صورت غیرمستقیم) اشراف کلی و نظارت عالیه داشته باشد. در گذشته با پاره‌ای از وظایف استادیار نسبت به مربیان، سرگروه‌ها و متریبان آشنا شدیم. در ادامه به دیگر مهم‌ترین وظایف استادیار اشاره می‌شود:

د- وظایف استادیاران نسبت به مربیان، سرگروه‌ها و متریبان

- د-۱. پیگیری از سرمربیان نسبت به وضعیت معرفتی، تربیتی و بصیرتی مربیان و سرگروه‌ها و ارائه راهکارهای پیشنهادی به ایشان برای رفع مشکلات؛
- د-۲. حضور مستمر در حلقات مربیان، سرگروه‌ها و متریبان و نظارت میدانی بر عملکرد سرمربیان؛
- د-۳. تخصیص زمانی ویژه در ماه برای ارتباط مستقیم با مربیان، سرگروه‌ها و متریبان و پاسخگویی به سؤالات و شبهات ایشان؛
- د-۴. رصد مستمر وضعیت تربیتی حلقات مربیان، سرگروه‌ها و متریبان در سطح ناحیه و چاره‌اندیشی پیرامون مسائل و آسیب‌های پیش روی ایشان به اقتضاء.

همانگی و ارتباط مؤثر با سازمان بسیج و سپاه پاسداران در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های گروه‌های تربیتی سهولت ایجاد خواهد کرد. رده مربوط با استادیار، ناحیه مقاومت بوده و استادیار با فرماندهی و مسئول تعلیم و تربیت ناحیه تعامل خواهد داشت.

ه- وظایف استادیاران نسبت به رده‌های مربوط در سازمان بسیج و سپاه

استادیار در موارد زیر با سازمان بسیج و سپاه پاسداران ارتباط خواهد داشت:

- ه-۱. تعامل در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با تربیت ارکان شجره و فعالیت‌های گروه‌های تربیتی؛

ه-۲. شرکت در جلسات ستاد طرح صالحين ناحیه؛

ه-۳. ارائه راهکارها و پیشنهادات اصلاحی در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های طرح صالحين؛

ه-۴. اشراف کلی و نظارت بر برنامه‌های مرتبط با شجره به‌خصوص دوره‌های آموزشی؛

ه-۵. پیگیری پشتیبانی مادی و معنوی برای تحقق طرح صالحين؛

ه-۶. حضور در هیئت مدافعان حریم ولایت در سطح استان:

این برنامه در قالب یک هیئت به نام مدافعان حریم ولایت با موضوع بصیرتی و به صورت فصلی یک‌بار در استان با حضور فرمانده سپاه استان، استاد طرح صالحين، استادیاران، سرمربیان، فرماندهان نواحی، مسئولان تعلیم و تربیت نواحی و سخنرانان بصیرتی هیئات یاوران ولایت نواحی برگزار می‌گردد.

هدف اصلی این برنامه، ایجاد یک رویه هماهنگ و همسو برای اجرای کامل ابلاغیات و مصوبات استانی در نواحی می‌باشد. ارائه مباحث در این نشست به صورت دو طرفه خواهد بود و استادیاران به عنوان اعضای اصلی جلسه به بیان دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای خود پرداخته و راهبردها و سیاست‌های کلی بصیرتی را دریافت می‌نمایند.

ه-۶. حضور در هیئت یاوران ولایت در سطح ناحیه:

این برنامه در قالب یک هیئت، با موضوع بصیرتی و به صورت فصلی یک‌بار در ناحیه، با حضور فرمانده ناحیه، استادیاران، سرمربیان، فرماندهان حوزه‌ها، مسئولان تعلیم و تربیت حوزه‌ها، شورای ناحیه و سخنرانان بصیرتی هیئات عاشقان ولایت حوزه‌ها برگزار می‌گردد. مسئول محتوایی این جلسه استادیار ناحیه می‌باشد. فرمانده ناحیه به عنوان جانشین استادیار و مسئول اجرایی نشست هیئت یاوران ولایت ایفای نقش می‌نماید. سخنران بصیرتی این نشست، از میان مدرسان بصیرتی واجد شرایط هر ناحیه انتخاب می‌شود که این افراد پیش از این، کد تأیید از ستاد سازمان دریافت نموده‌اند.

لازم به ذکر است از جمله کارکردهایی که برای این هیئت در ناحیه در نظر گرفته شده است، بستری برای پیشبرد ماموریت بصیرتی، در طرح صالحين است.

مباحث این نشست در دو بخش مجزا پیگیری می‌گردد:

الف- طرح مباحث روز:

در این بخش، مواضع رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خصوص مسائل روز داخلی کشور و جهان اسلام تبیین می‌گردد.

ب- انتقال مباحث محتوایی:

در این قسمت برنامه، استادیار به عنوان مسئول جلسه، به انتقال مباحث محتوایی ویژه هیئات

عاشقان ولایت حوزه‌ها و هیئات منتظران موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پایگاه‌ها^۲ می‌پردازد. به طور کلی مهمترین نقش استادیار در این برنامه مسئولیت محتوایی و نظارت بر حسن اجرای برنامه می‌باشد.

نکته: در این میان نحوه تعامل استادیار با فرمانده ناحیه و مسئول تعلیم و تربیت ناحیه بسیار مهم و در فرایند فعالیت‌های وی مؤثر است.

فرمانده ناحیه، نماینده سپاه پاسداران در سطح شهرستان و عضو شورای تأمین شهرستان و دارای جایگاه ویژه‌ای در سطح شهرستان بوده و تعامل با وی بسیار حائز اهمیت است. خوب است استادیار به‌گونه‌ای با فرمانده تعامل داشته باشد که در عین رعایت جایگاه و حفظ احترام نسبت به ایشان، وی را جهت ورود تربیتی و اجرایی مناسب در فعالیت‌های طرح صالحین استان تشویق نماید.

نباید فراموش کنیم که فرمانده ناحیه مأموریت‌های گوناگونی از سوی فرمانده سپاه استان بر عهده دارد که در این میان یکی از آن‌ها، مأموریت صالحین است؛ بنابراین در یک تعامل مؤثر با وی می‌بایست در حد توان از یک‌سو ایشان را در انجام این مأموریت یاری رساند و از سوی دیگر از ظرفیت‌هایی که وی در دسترس دارد، برای پیشبرد اهداف عالی صالحین در سطح ناحیه استفاده نمود.

همچنین تعامل با مسئول تعلیم و تربیت ناحیه به‌عنوان یکی دیگر از افراد مؤثر در گروه تربیتی سرمریان، بسیار مهم و تعیین‌کننده است. از آنجا که مسئولان تعلیم و تربیت نواحی عمدتاً طلبه هستند، می‌بایست تلاش نمود در تعامل با ایشان، ادبیات سازمانی بر اخلاق و معاشرت طلبگی و تربیتی غلبه پیدا نکند.

مسئولان تعلیم و تربیت نواحی می‌توانند نقش مهمی در ایجاد پل ارتباطی میان استادیاران با ارکان پایین‌دستی و نیز فرمانده ناحیه را ایفا نمایند. وی از یک‌سو می‌تواند فضای تعامل و ارتباط خارج از گروه استادیار با فرماندهان حوزه‌ها و پایگاه‌ها و نیز حلقات مربیان، سرگروه‌ها

۱ هیئت عاشقان ولایت، در سطح حوزه‌های بسیج از سوی معاونت تعلیم و تربیت بسیج سیاست‌گذاری می‌گردد. در این برنامه هر ماه، یک نشست تشکیل می‌شود. محتوای این هیئت، شامل تحلیل و قرائت مهمترین نکات بیانات ماه اخیر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) خواهد بود. مسئول این نشست، سرمربی بوده و دبیر اجرایی آن فرمانده حوزه می‌باشد. سرمربی، مربیان، فرمانده و شورای حوزه، فرماندهان تعلیم و تربیت پایگاه‌ها و سخنرانان بصیرتی هیئات منتظران موعود پایگاه‌ها مخاطب این نشست می‌باشند.

۲ هیئت منتظران موعود، در سطح پایگاه‌های بسیج از سوی معاونت تعلیم و تربیت بسیج سیاست‌گذاری می‌گردد. در این برنامه هر ماه دو نشست در پایگاه‌های بسیج محلات تشکیل می‌گردد و مسائل اخلاقی و نیز مسائل سیاسی روز با استناد به سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) تبیین شده و به سؤالات و شبهات بسیجیان پاسخ داده می‌شود. مسئولیت این نشست با مربی طرح صالحین بوده و فرمانده پایگاه، دبیر اجرایی نشست می‌باشد.

و مترببان را فراهم آورد و از سوی دیگر می‌تواند استادیار را در پالایش و انتخاب سرمرببان و نیز اداره گروه ایشان یاری رساند. این نقش اثرگذار مسئول تعلیم و تربیت در ناحیه، نوعی تعامل تربیتی با وی را می‌طلبد که یک استادیار بخشی از برنامه‌های تربیتی مورد نظر خود را از رهگذر این ارتباط و تعامل می‌تواند پیگیری نموده و بازدهی فعالیت‌های خود را افزایش بخشد.

